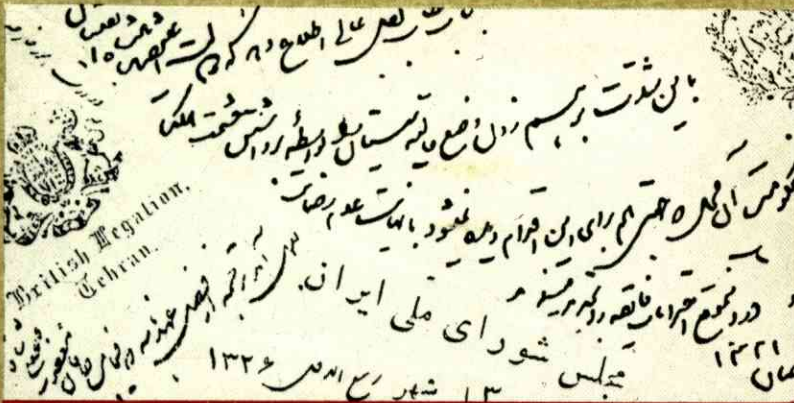
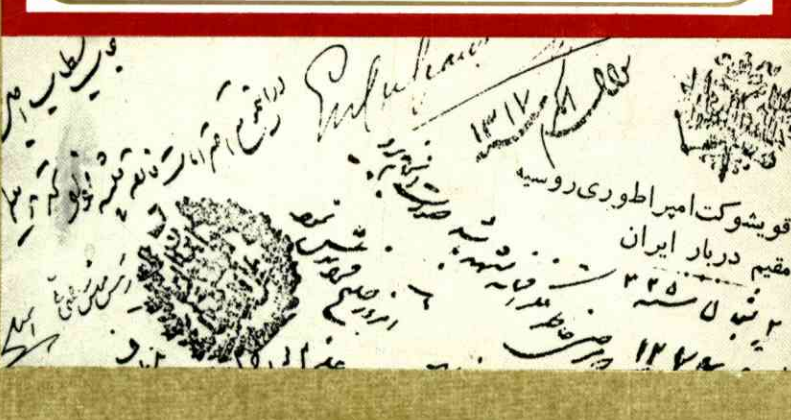


تاریخ روابط خارجی ایران

در دورهٔ اول مشروطه

علی اکبر ولایتی



بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ روابط خارجی ایران
در
دورۀ اول مشروطه

علی اکبر ولایتی

تهران - ۱۳۷۴

فهرستنویسی پیش از انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

ولایتی، علی اکبر، ۱۳۲۴ـ
تاریخ روابط خارجی ایران ۱/ دورهٔ اول مشروطه/ تألیف علی اکبر ولایتی.ـ تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
دوازده، ۱۲۵ص. اسناد.ـ (مباحث روابط خارجی ایران؛ ۱)
ص.ع. به انگلیسی:
The History of Foreign Relations of Iran in the First Constitutional Period.

۱. ایران ــ تاریخ ــ قاجاریان، ۱۳۲۷ــ۱۳۴۴ق.ــ قراردادها. ۲. ایران ــ تاریخ ــ انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ــ۱۳۲۷ق.ــ قراردادها. ۳. ایران ــ روابط خارجی ــ قرن ۱۳ــ قراردادها. الف. ایران. وزارت امور خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ب. عنوان. ج. سلسله انتشارات.

DSR ۱۴۵۸/و۸ — ۹۵۵/۰۸۷۰۸

این کتاب با استفاده از تسهیلات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

تاریخ روابط خارجی ایران در دورهٔ اول مشروطه
تألیف: علی‌اکبر ولایتی
چاپ اول: ۱۳۷۰، چاپ دوم: ۱۳۷۴
تعداد: ۲۰۰۰ جلد
حروفچینی و صفحه‌آرایی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

مجتمع بزرگ کتاب: تهران، خیابان آیت اله طالقانی بعد از تقاطع بهار، شمارهٔ ۵۱۷
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۳۵۳ تلفن: ۷۶۸۵۸۲، ۳ـ۷۵۰۶۱۰۰، فاکس: ۷۵۰۶۰۴۴
دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهیدباهنر، خیابان شهیدآقایی
صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶، تلفن: ۲۰ـ۲۵۷۷۰۱۹، فاکس: ۲۵۷۱۰۱۹
فروشگاه شماره ۳ و فروشگاه شمارهٔ ۵ (شعبه فروش کتابهای خارجی): انتهای خیابان شهیدباهنر، میدان شهیدباهنر، تلفن: ۷۱ـ۲۲۹۲۲۷۰
فروشگاه شماره ۴: خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، تلفن: ۶۴۱۸۹۳۵
فروشگاه شماره ۶ نمایندگی آذربایجان شرقی: تبریز، خیابان طالقانی، جنب مصلی تبریز، تلفن: ۶۷۳۷۷
فروشگاه شماره ۷: خیابان امام خمینی، ساختمان شمارهٔ ۲ وزارت امور خارجه
فروشگاه شماره ۸ نمایندگی اصفهان: اصفهان، روبروی هتل عباسی، مجتمع فرهنگی تجاری عباسی

فهرست

مقدمه چاپ دوم

با استظهار به عنایت خداوندی و اهتمام و یاری همکاران مشفق توفیق رفیق گشت و بخشی از تاریخ روابط سیاسی ایران به رشته تحریر درآمد (تاریخ روابط خارجی عهد شاه‌عباس اول صفوی، تاریخ روابط خارجی در عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و تاریخ روابط خارجی ایران در دوره اول مشروطه) و مورد اقبال و توجه قرار گرفت واین خود، ما را به خدمتی که برعهده گرفته‌ایم دلگرم ساخته است.

همانطوریکه پیشتر نوشته شد، شرایط و امکانات ما تعیین کننده ترتیب و توالی مجلدات تاریخ روابط بوده و نه تقدم و تأخر زمانی و لذا تاریخ روابط خارجی در عصر مشروطه که زودتر از بقیه نگاشته شد، قبل از دیگر مجلدات به چاپ رسید.

همکاران ما در کنار چاپ کتاب تاریخ روابط خارجی، اقدامات تکمیلی دیگری در جهت معرفی و شناساندن واقعیت‌های مستند تاریخ روابط سیاسی ایران انجام داده‌اند که امیدواریم به درک درست و دریافت عمومی این مقوله از حیات سیاسی - اجتماعی این سرزمین کهن کمک کند. ازجمله این اقدامات تشکیل نمایشگاههای گوناگون اسناد به مناسبتهای مختلف و مشارکت فعال در تهیه برنامه تلویزیونی برگهایی ازتاریخ روابط خارجی ایران و چاپ قریب چهل مجلد کتاب اسناد روابط خارجی است.

بی‌تردید انتقادات و پیشنهادهای سازنده ارباب فضل و تحقیق به ما کمک خواهد کرد که از کاستی‌های این خدمت ناچیز بکاهیم و در تکمیل و پیرایش این اثر در چاپهای بعدی بکوشیم.

علی اکبر ولایتی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وزارت امورخارجه - بهمن ۱۳۷۴

مقدمه

سال ۱۳۶۴ آقای غلامعلی خوشرو، اولین رئیس دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امورخارجه، از این جانب خواست تدریس تاریخ روابط سیاسی خارجی را بر عهده گیرم. به رغم کثرت مشغله و کمبود وقت، نظر به علاقه به این مبحث و اهمیتی که برای دانشکده و فهم درست دانشجویان از کم و کیف روابط سیاسی خارجی ایران در گذشته قائلم، که می‌تواند راهنمای سیاستمداران ایران در شکل دهی درست سیاست خارجی در حال و آینده باشد، این مسئولیت را پذیرفتم. نوار درسها پیاده شد و مکتوب گردید و این هستهٔ اولیه کار فعلی شد. همکار پرکار و دانشمند ما آقای مهندس عباس ملکی، معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه، مشوق این جانب در ادامه و اتمام کار بزرگی بود که آغاز شده بود. از ۱۳۶۸، گروهی مرکب از پژوهشگران و صاحبنظران فن شامل آقایان سیدعلی قادری، ابراهیم صفایی، دکتر محمود بروجردی، محمد حسن کاووسی، محمدنادر نصیری مقدم، بهروز آقایی حاجی آقا، مجید آخوندی، مهندس محمد علی رسولی و مجید کمالیان در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه تشکیل شد. از ابتدا هدف خود را تألیف یک دورهٔ کامل از تاریخ روابط سیاسی ایران قرار دادیم. تلاش ما این بودکه علاوه بر منابع معمول از اسناد موجود در بایگانی وزارت امور خارجه به وجه احسن استفاده کنیم که تاکنون دراین ابعاد مورد استفاده هیچ یک از محققان قرار نگرفته است.تا قبل از تشکیل حکومتهای ملی، روابط سیاسی بین کشورها شکل دیگری داشت و به صورت ابتدایی و غیر منسجم بود. تشکیل حکومتهای ملی، ابتدا در اروپا و بعد در سایر نقاط جهان از جمله ایران شکل جدید و تعریف شده‌ای از روابط را در جهان به وجود آورد که بتدریج تکامل یافت تا به شکل امروزین رسید. پس از ورود اسلام به ایران تا مدت دو قرن این کشور بخشی از امپراتوری بزرگ اسلامی بود، ولی بتدریج حکومتهای محلی مستقل و نیمه مستقل شکل گرفت، اما تا آغاز حکومت صفوی، هیچگاه حکومت یکپارچه‌ای در سراسر خاک ایران و با نام ایران پا نگرفته بود. با حکومت شاه اسمعیل صفوی در آغاز سدهٔ دهم هجری، برای اولین بار پس از اسلام حکومتی ملی و مستقل با نام ایران در این سرزمین شکل گرفت. مذهب تشیع، زبان، ادب و فرهنگ فارسی، عادات و سنن ایرانی، عرفان و فتوت و جوانمردی و عیاری و همبستگی‌های عشیره‌ای در بین طایفه‌های تشکیل دهندهٔ قزلباش و ... از عوامل مؤثر در تشکیل مجدد ملیت یکپارچه ایرانی بود.

تقریباً همزمان با تشکیل حکومت صفوی، حکومت شیبانی در آسیای میانه و گورکانی در هند پدید آمد و حکومت تازه تشکیل شدهٔ عثمانی قوت یافت و ممالک مصر به دست امپراتور عثمانی از بین رفت. به این ترتیب، جهان اسلام چهار حکومت مقتدر داشت که رقابتها، رفاقتها، تضادها، هماهنگی‌ها و رویدادهای تلخ و شیرین پایه و اساس روابط خارجی بین دول اسلامی شد. از طرف دیگر، ظهور امپراتوری عظیم و قدرتمند عثمانی در آسیای صغیر و پیشرفت سریع آن در شمال و شرق آفریقا، بین النهرین و حجاز از یک طرف و بالکان و اروپای شرقی و مرکزی از طرف دیگر، خواب اروپای در حال تنازع و درگیری را آشفته کرد. جنگهای صلیبی با شکست نهایی اروپاییان خاتمه یافته بود. پس از آن، جهان اسلام با حملهٔ مغول که احتمالاً بدون تحریک اروپا نبود، ویران شده بود و حالا مجدداً جهان اسلام قد راست کرده بود و برخلاف جنگهای صلیبی که اروپاییان به خانهٔ مسلمانان (بیت المقدس) وارد شدند و آنها را قتل عام کردند و هشت جنگ را طی حدود ۲ قرن به آنها تحمیل نمودند، اکنون این صدای غرش توپهای مسلمانان است که از پشت دروازه‌های وین به گوش آنها

می‌رسد. از طرف دیگر، راه رسیدن آنها را به خاورمیانه، شبه قاره، چین و آسیای جنوب شرقی سد کرده است.

در چنین شرایطی است که ایران تجدید حیات یافته، جلوی پیشرفت امپراتوری عثمانی را از سمت مشرق سد می‌کند. ایستادگی در برابر غول عظیم عثمانی، نزد اروپاییان آن روز چیزی همانند یک معجزه بود و آنها به ایرانی‌ها به عنوان موجوداتی افسانه‌ای می‌نگریستند و لذا در برقراری رابطه با ایران از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. اصفهان در آن روزگار میعادگاه سفرای مختلف و رنگارنگ اروپایی بود. نفع مشترک حکومت صفوی و دول اروپایی در نزدیکی به یکدیگر و مقابله با عثمانی بود و براین اساس، شکل گیری روابط خارجی ایران و اروپا تعریف و توجیه می‌شود. همهٔ پادشاهان مقتدر صفوی نظیر شاه اسمعیل، شاه طهماسب و شاه عباس تحکیم سنگرهای دفاعی کشور در مرزهای شمال غربی و غرب را وجهه همت خود ساخته بودند. لذا از طرفی سعی در سرکوب مخالفان و گردنکشان داخلی و از بین بردن حکومتهای محلی داشتند تا کشور یکپارچه شود و از طرفی، با پادشاهان هند و امیران شیبانی مصالحه کنند و در مسالمت زندگی نمایند. در مورد ازبکها موفق نشدند، ولی دیپلماسی بسیار موفقی را در برقراری رابطهٔ سیاسی دوستانه با پادشاهان گورکانی هند به‌کار بردند. در همان ابتدای کار، همایون، پادشاه هند، که شکست خورده و گریخته بود، در دربار صفوی پناه داده شد و پس از چند سال، با عده وغده مجدداً به دهلی بازگشت و تاج و تخت خود را باز پس گرفت. این یک سرمایه گذاری سیاسی استراتژیک شد که در دوران سخت فشار عثمانی بر ایران، مرزهای جنوب شرقی و شرق کشور ایمن بود.

برای این که اهمیت این دیپلماسی معلوم شود، در دوران افول قدرت صفوی و بی‌توجهی به ادامهٔ سیاست قبلی، همین پادشاهان گورکانی امرای افغان راتحریک کردند که علیه حکومت مرکزی شورش کنند. آنها تا اصفهان پیش آمدند و شاه سلطان حسین را به زندان انداختند و حکومت افاغنه را در بخشی از ایران برقرار کردند و در کمال سخاوت بخش مهمی از ایران را به امپراتور عثمانی واگذار نمودند. شاه عثمانی به عنوان «خلیفهٔ اسلام» مشروعیت حکومت محمود افغان را متقابلاً تأیید کرد، یعنی مجدداً تاریخ زمان غزنوی و سلجوقی تکرار شد ـ که سرنوشت مردم وجه المصالحهٔ سازش بین حکام جور و خلیفه غاصب بود. این برهه از تاریخ ایران پاسخی است به بعضی از ساده‌اندیشان که تشکیل حکومت ملی در ایران در زمان صفویه را یک انحراف می‌دانند. ظهور نادرشاه و تشکیل حکومت مقتدر مرکزی در ایران، یک بار دیگر امور را به مجاری قبلی بازگرداند. روابط خارجی در زمان سلسلهٔ افشاریه و زندیه تحول مهمی نداشته است. ولی اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم که همزمان با وقوع انقلاب صنعتی است، دچار تحولات مهمی می‌شود که تغییرات سرنوشت سازی را در کشور ما موجب می‌گردد. پیشرفت تکنولوژی موجب پیدایش کشورهای قدرتمندی در صحنهٔ جهانی می‌شود. روسیه و انگلستان در قرن نوزدهم به اوج اقتدار خود می‌رسند. متأسفانه روسیه مستقیماً و انگلستان از طریق هند، همسایهٔ ایران می‌شوند که هرکدام به نوعی چشم طمع به کشور ما داشتند. از بد حادثه، همزمان با این تحولات بزرگ، سلسلهٔ بی‌لیاقت و فاسد قاجار در ایران حکومت می‌کرد. دو دوره جنگهای ایران و روسیه در زمان فتحعلی شاه توسط روسها به ما تحمیل شد. از دست رفتن قفقاز و تحمیل قرارداد ترکمانچای به ایران، برای اولین بار قضاوت کنسولی را در ایران باب کرد. در این ایام، از یک طرف عباس میرزا برای جبران

شکست دورهٔ اول جنگهای ایران و روسیه در سال ۱۸۲۶ به روسیه حمله کرد، ولی با فشار خرد کنندهٔ پاسکوویچ که مجهز به ابزار پیشرفتهٔ حرب بود، عقب نشست و از طرف دیگر، محمدشاه قلعهٔ هرات را محاصره کرد، اما به واسطهٔ دسیسهٔ انگلستان موجبات جدایی هرات و تحمیل قرارداد ننگین دیگری فراهم آمد. ناصرالدین شاه نیز که حسام السلطنه را به فتح هرات مأمور کرده بود، با تهدید بحریهٔ انگلستان و اشغال مناطق جنوب مواجه شد. این دو حادثه، دو واقعهٔ مهم در تاریخ سیاسی کشور ماست که متأسفانه شاهان قاجار را به این نتیجه رساند که چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر فشارهای سیاسی روسیه و انگلستان ندارند.

از این پس، سرنوشت ایران بازیچهٔ دست سفارتهای روسیه و انگلستان می‌شود و هر روز این فضاحت بیشتر می‌گردد به نحوی که از شاهان ایرانی عنصر مسلوب الاراده‌ای می‌سازد که قادر به انجام هیچ کاری نیستند. در حالی که اروپا چهاراسبه به جلو می‌تاخت، ایران در جا می‌زد و یا حتی عقب می‌رفت و هر روز فاصله ما با ممالک صنعتی بیشتر و بیشتر می‌شد. روابط خارجی ایران با دول خارجی براساس رابطهٔ حاکم و محکوم بنا شده بود. فساد دربار قاجار، عقب ماندگی علمی و رقابت روسیه و انگلستان نقش انحرافی ایران به عنوان حایل بین توسعه طلبی روسیه و منافع انگلستان و شبه قارهٔ هند و ... عناصر اصلی شکل دهندهٔ سیاست خارجی بود. از زمان فتحعلی شاه قاجار علمای ایران به صورت جدی‌تری وارد صحنه سیاست خارجی می‌شوند. دخالت مرحوم سید محمد مجاهد و ملا احمد نراقی در اعلام جهاد علیه روسیه، به رغم نظر فتحعلی شاه، فتوای میرزا مسیح مجتهد تهرانی علیه گریبایدوف، وزیر مختار روسیه، برخورد مرحوم سید محمد باقر شفتی با وزیر مختار انگلستان در زمان محمد شاه و در جریان محاصره هرات و در آستانه قطع رابطهٔ انگلستان و برخورد قاطع مرحوم حاج ملاعلی کنی در قضیهٔ قرارداد رویتر و عزل میرزاحسین خان سپهسالار، فتوای مرحوم میرزای شیرازی علیه قرارداد رژی و تحریم تنباکو، فتوای میرزا محمد تقی شیرازی و سیدمحمد تقی خوانساری و سید مصطفی کاشانی علیه انگلستان در جریان جنگ جهانی اول، درگیری مرحوم مدرس با عمال انگلستان، شرکت اساسی مرحوم سیدابوالقاسم کاشانی علیه انگلستان و مبارزات مربوط به ملی شدن نفت و بالاخره ریشه کنی نفوذ بیگانگان علی الخصوص آمریکایی‌ها از ایران همگی نشانه‌های شرکت جدی روحانیت به عنوان یک عامل سرنوشت ساز در شکل‌دهی سیاست خارجی ما در تاریخ متأخر و معاصر بوده است. شوک ناشی از جنگهای ایران و روسیه و معاهدات ننگین گلستان و ترکمانچای مردم را به حرکت آورد. هجوم مردمی به جبهه‌های جنگ ایران و روسیه، براساس فتوای علما و به رغم نظر پادشاه، حادثهٔ مهمی در تاریخ ایران بود که برای اولین بار اتفاق افتاد و مردم نقش جدی در مسائل خارجی به عهده گرفتند.

از آن پس، به طور روزافزون، ما شاهد حضور مردم در صحنهٔ سیاسی از جمله سیاست خارجی بوده‌ایم - به رغم عدم انسجام ناشی از جنگ جهانی اول و نابودی حکومت تزار که موجب گردید انگلستان در ایران بدون رقیب شود و سناریوی روی کار آوردن یک حکومت به ظاهر مقتدر را طراحی کند و بدون زحمت نقشه‌های خود را در مورد این کشور، منتهی با ابزار جدید و اتخاذ شیوه‌هایی نو، به پیش برد. در دورهٔ هفده سالهٔ مشروطهٔ اول، از مهر ۱۲۸۵ خورشیدی (گشایش نخستین دورهٔ مجلس شورای ملی) تا آبان ۱۳۰۲ (آغاز نخست

وزیری رضاخان)، ایران با کشورهای دیگر کم و بیش در ارتباط بوده و گاه قراردادهای دوستی و بازرگانی و سیاسی با دیگر کشورها امضا کرده است؛ ولی آثار آن قراردادها از حد همان مراودات دوستی و بازرگانی یا مناسبات سادهٔ سیاسی فراتر نمی‌رفته است. اما در این هفده سال کشور ما با چهار قرارداد سرنوشت ساز نیز رو به رو بوده که نخستین آن پیمانی است که دولت روسیهٔ تزاری و انگلستان در همان سال اول مشروطه (۱۹۰۷) تنظیم و امضا کرده و در آن پیمان در بارهٔ تعیین مناطق نفوذ و تقسیم منافع خودشان در ایران به توافق رسیده‌اند. سه قرارداد دیگر، در سالهای ۱۹۱۵ (۱۷ - آبان ۱۲۹۴) و ۱۹۱۹ (۱۷ ـ مرداد ۱۲۹۸) و ۱۹۲۱ (۸ ـ اسفند ۱۲۹۹) میان ایران و آلمان ـ ایران و انگلستان و ایران و شوروی به امضا رسیده است. این چهار قرارداد هریک به گونه‌ای و برای مدتی در سیاست خارجی و داخلی کشور ما تأثیر گذاشته‌اند، بخصوص قرارداد ۳۱ (اوت ۱۹۰۷) که میان دو دولت روسیه و انگلستان امضا شده، آشکارا نقش استعماری داشته و در مدت دوازده سال آثار نفوذ آن قرارداد تقریباً بر تمام شئون سیاست داخلی و خارجی ایران مشهود بوده است. از این رو، در این کتاب نخست آن چهار قرارداد و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در آن سالها و شرایط و مقتضیاتی که تنظیم آن قراردادها را ایجاب می‌کرده است، مورد بررسی قرار گرفته و سپس فهرستی از دیگر قراردادها و موافقت نامه‌ها و پروتکلها که روشنگر روابط خارجی ایران با دیگر کشورها در این دوره از تاریخ می‌باشد، پایان بخش کتاب شده است.

شاید این سئوال در ذهن خوانندگان محترم ایجاد شود که برنامهٔ تحقیق و بررسی حول روابط خارجی ایران چرا از دوران مشروطه منتشر شده است؛ برنامهٔ این جانب و همکاران آن است که تاریخ روابط خارجی ایران را به چند دوره و چند بخش با توجه به اهمیت و تعدد ارتباطات به شکل ذیل تقسیم کنیم:

مقدمه: روابط خارجی امپراتوری‌های ایرانی از بدو پیدایش تا آخر حکومت آق‌قویونلوها

دورهٔ اول: شروع روابط خارجی به شکل جدید

بخش اول: دوران صفویه؛ بخش دوم: دوران افشاریه و زندیه

دورهٔ دوم: روابط خارجی در دوران شکوفایی اروپا

بخش اول: از محمد حسن خان قاجار تا آخر زمامداری محمدشاه؛ بخش دوم: دوران ناصرالدین شاه؛ بخش سوم: روابط خارجی در دوره اول مشروطه؛ بخش چهارم: روابط خارجی در دورهٔ دوم مشروطه

دورهٔ سوم: روابط خارجی ایران در دوران پهلوی تا انقلاب اسلامی ایران

بخش اول: دورهٔ زمامداری پهلوی؛ بخش دوم: دورهٔ زمامداری محمد رضا پهلوی؛ لازم به تذکر است که اسناد موجود در بایگانی وزارت امورخارجه نیز از لحاظ کمیت با تقسیم بندی فوق مناسبت دارد.

بدین لحاظ و با توجه به اسناد مربوط به دوران مشروطه که براثر تلاش همکاران اینجانب در ادارهٔ آرشیو و اسناد همگی از نمایندگی‌ها به مرکز بازگردانده شده و به صورت منظم در دسترس بود، انتشار این مجلد زودتر انجام گردید. امیدوارم با یاری خداوند متعال به ادامهٔ این خدمت و تدوین تاریخ جامع روابط خارجی ایران در تمام ادوار گذشته توفیق یابم و این خدمت را به انجام برسانم.

علی اکبر ولایتی

تاریخ روابط خارجی ایران ۱/ دورهٔ اول مشروطه

ایران بیش از یک قرن مرکز رقابت سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس بود. در سالهای پیش از استقرار مشروطه، نفوذ روسیهٔ تزاری در ایران پیشی و برتری جست. نیروی مجهز قزاق ایران زیرنظر و فرماندهی افسران روسی بود[1]، راهسازی انزلی به قزوین، قزوین به همدان، تبریز به قزوین و سیستان به مشهد و امتیاز خط آهن جلفا به تبریز و صوفیان به دریاچهٔ ارومیه، در اختیار شرکتهای روسی یا بانک استقراضی روس قرار داشت. بانک استقراضی روس در تهران و مشهد و بسیاری از شهرهای مهم ایران فعالیت اقتصادی داشت. بندرگاه انزلی پایگاه دریایی روس بود، ادارات پستی و خطوط تلگراف و تلفن روس در مشهد و سیستان و گرگان مشغول کار بود و کمپانی روسی «لیانازف» امتیاز شیلات سواحل دریای خزر را برای صید ماهی در دست داشت. کمپانی‌های روسی در مشهد و رشت و انزلی و بابل فعال بودند، سرکنسولگری‌ها و کنسولگری‌های روسیه علاوه‌بر شهرهای شمال و شمال غربی و شمال شرقی ایران، در همدان و کرمانشاه و کرمان و بوشهر و بندرعباس نیز گشوده شده بود.[2]

دو وامخواهی ایران از روسیه در سال ۱۲۷۸ و سال ۱۲۸۰ه.ش.[3] در زمان «مظفرالدین‌شاه» با ضمانت درآمد گمرک ایران (بجز گمرک خلیج فارس) و تعهد ایران بر اینکه از هیچ دولتی بجز دولت روس حق وامخواهی نداشته باشد و تا ده سال امتیاز راه‌آهن را به هیچ دولت و کمپانی خارجی ندهد،[4] و سرانجام تغییر تعرفهٔ گمرکی ایران به سود روسها، مجموعاً دولت ایران را به‌نوعی وابستگی شدید به دولت روسیهٔ

۱. این نیرو به‌نام «بریگاد قزاق» در (۱۲۹۶ ق) زیر نظر «کلنل دومانتوویچ» و شماری افسران روسی تشکیل شد.
۲. در اصفهان و بوشهر سرکنسولگری و در همدان و کرمانشاه و کرمان و بندرعباس کنسولگری روس تأسیس شده بود.
۳. ۱۳۱۷ و ۱۳۱۹ ق.
۴. متن دو قرارداد یادشده.

تزاری کشانده و نفوذ آن دولت، بجز در مناطق جنوب و جنوب شرقی ایران، در همه‌جا سایه افکنده بود. در آن اوقات بود که روزنامهٔ تایمز لندن نوشت:

«نفوذ روس در ایران با سرعت روبه ترقی است. منافع انگلیس در ایران بخصوص در جنوب و جنوب‌شرقی آن کشور بقدری مهم‌است که نمی‌توان بی‌اعتنا بود. روس ممکن است نقطه‌ای را در خلیج فارس متصرف بشود و بندری در اختیار بگیرد؛ در آن صورت منافع انگلیس و هند مختل خواهد شد.[۵]

زمینه تنظیم قرارداد ۱۹۰۷

در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ روس و انگلیس از گسترش نفوذ آلمان از طریق عثمانی (ترکیه) به ایران نگران بودند؛ شکست روس از ژاپن و گرفتاری روس در منچوری، آن دولت را به رفع اختلاف با انگلیس دربارهٔ منافعی که در افغانستان و تبت و ایران داشت، برانگیخت. دولت انگلیس هم که در افریقا درگیر پیامدهای جنگ «ترانسول» بود، برای حفظ موقعیت خود در تبّت و افغانستان و بخصوص جلوگیری از پیشرفت نفوذ روسیهٔ تزاری در مناطق جنوبی ایران به منظورحفظ مرز هندوستان و منافع وامنیت بازرگانی خود موقع را برای گفتگو و رفع اختلاف با روسیه مناسب دید و این ملاحظات، آن دو قدرت را به پایان دادن رقابت دیرینه در ایران برانگیخت.[۶]

با این تمایل دوطرفه، از ماههای پایانی سال ۱۹۰۵ گفتگوهای محرمانه در «لندن» و «پترزبورگ» میان سفرا و وزارت خارجهٔ دو کشور آغاز شد. در لندن و هندوستان سیاستمداران انگلیس مدتها سرگرم کنگاش و رایزنی بودند که چگونه قراردادی تنظیم کنند که مصالح استراتژیکی و اقتصادی و بازرگانی آن دولت تأمین گردد. در این میان اهمیت موقعیت استراتژیکی سیستان نیز از نظر تضمین امنیت هندوستان مورد توجه ویژه بوده؛ چون راه‌آهن روس به‌سوی نقاط سرحدی هندوستان در آن سوی مرزهای شرقی ایران نزدیک می‌شد و محتمل بود که این راه از مرز سیستان به داخل ایران و سپس به سوی خلیج فارس امتداد یابد.[۷]

«سرادواردگری» وزیر امور خارجهٔ انگلستان و «کنت لامزدرف» وزیر خارجهٔ روسیه به‌وسیلهٔ سفیران خود در پایتخت دو کشور محرمانه در گفتگو بودند، این

۵. روزنامهٔ تایمز (۶نوامبر ۱۹۰۶)

۶. روزنامهٔ دیلی نیوز (۱۷ اکتبر ۱۹۰۶)

۷. روزنامهٔ دیلی نیوز (۱۷ اکتبر ۱۹۰۶)

گفتگوهای طولانی با همهٔ محرمانه‌بودن در روزنامه‌های اروپا و حتی انگلستان بازتاب یافت. روزنامهٔ استاندارد به نقل از روزنامه‌های آلمان نوشت:

«شرایط قرارداد میان طرفین معین‌شده ولی هنوز پایان نیافته است، و نوشتند مقصود از این قرارداد در ایران، شناختن نفوذ روس در شمال و شناختن نفوذ انگلیس در جنوب آن کشور می‌باشد و نسبت به افغانستان و تبت هدف حفظ وضعیت موجود است؛ و افزودند در ایران که تمام اهمیت و اشکال قرارداد در آنجا جمع است، روسیه به برپایی مناطق نفوذ راضی خواهد شد، به شرط آنکه کالاهای بازرگانی روس بتواند آزادانه به جنوب ایران برود و افزودند که دشت کویر و نقاط مرکزی ایران منطقهٔ نفوذ روس را در شمال از منطقه نفوذ انگلیس در جنوب جدا خواهد نمود. درخصوص راه‌آهن، ممکن است روسیه خط آهن قفقاز را از تبریز به کرمانشاه و خانقین امتداد دهد که به راه‌آهن بغداد متصل شود، راه‌آهن استانبول تا بغداد در دست آلمان است و راه‌آهن از بغداد تا خلیج فارس با انگلیس خواهد بود.»[۸]

در حالی که اخبار مربوط به قرارداد واقعیت داشت، مورد تکذیب روزنامه تایمز قرار گرفت و پس از درج مطالب مختلف دربارهٔ قرارداد در روزنامه‌های لندن روز ۲۲ مه ۱۹۰۶[۹] موضوع قرارداد در پارلمان انگلستان مطرح گردید و وزیر امورخارجهٔ انگلیس از سوی یکی از نمایندگان مورد سئوال قرار گرفت، او گفت؛ چنین قراردادی وجود ندارد ولی در انگلیس و روس این تمایل هست که در موضوعات دوجانبه،دوستانه برخورد نمایند و ممکن است این تمایل به قطع و فصل مسائلی که دو کشور در آن دخیل هستند بینجامد و این اقدام موجب استحکام روابط دوستانهٔ دو دولت خواهد شد.[۱۰]

در این اوقات در روسیه هم روزنامه‌ها گاه مطالبی دربارهٔ امکان تنظیم و امضای قرارداد می‌نوشتند. وزیرمختار ایران در «پترزبورگ» به دستور دولت ایران در این‌باره با «گرباستوف» معاون وزارت خارجهٔ روسیه گفتگو کرد، او نیز چنین قراردادی را تکذیب نمود، وزیرمختار ایران این تکذیب را تلگرافی به وزارت امور خارجهٔ ایران اطلاع داد، سپس به دستور وزارت امور خارجه بار دیگر ضمن نامهٔ رسمی، موضوع را از وزارت امور خارجهٔ روسیه استفسار نمود ولی وزارت امور خارجهٔ روسیه این شایعه را بی‌اساس

۸. روزنامهٔ استاندارد (۲۳ اکتبر ۱۹۰۶)
۹. اول خرداد ۱۲۸۵.
۱۰. گزارش ۴ ربیع‌الاخر سفارت ایران در لندن، پوشهٔ ۱، جزوه‌دان ۵۱ (سال ۱۳۲۵ ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

دانست[۱۱]، گزارشهای نمایندگان سیاسی ایران دربارهٔ قرارداد و بازتاب موضوع در روزنامه‌های اروپا، وزیر امور خارجهٔ ایران (میرزانصرالله‌خان مشیرالدوله) را که با استقرار مشروطه مقام نخست‌وزیری را هم بر عهده داشت، به گفتگو با «سراسپرینگ رایس» وزیر مختار انگلیس برانگیخت و در خصوص قرارداد انگلستان و روسیه دربارهٔ ایران از او توضیح خواست و پس از توضیح وزیر مختار، او سخنانی گفت که در جایی ثبت نشده ولی از اینکه سخنان او موجب تشکر «سرادواردگری» وزیر امور خارجهٔ انگلیس گردیده، می‌توان به‌لحن سخن او پی برد. به نامهٔ دوستانهٔ ۲۴ شعبان ۱۳۲۴[۱۲] «سراسپرینگ رایس» نظر می‌افکنیم:

«فدایت شوم در باب شهرت اینکه انگلستان و روسیه درخصوص مصالح خودشان در ایران مشغول مذاکره هستند، جناب اشرف ارفع ازروی محبت با دوستدار صحبت فرمودید و دوستدار مراتب را به اولیای دولت متبوعهٔ خود اطلاع داد. جناب مستطاب اجل «سرادوارد گری» به دوستدار دستورالعمل داده‌اند که برای این اظهارات صادقانه که فرموده‌اید تشکر نمایم و جواباً به جناب اشرف اطمینان دهم که دولتین انگلیس و روس لزوماً در باب هیچ فقره که به‌هیچ وجه مضر استقلال ایران باشد مذاکره نکرده‌اند. زیاده تصدیع نمی‌دهد ــ سراسپرینگ‌رایس.[۱۳]

«میرزا حسنخان مشیرالملک»[۱۴] که چند ماه بعد در آغاز سال ۱۲۸۶[۱۵] به‌عنوان سفیر فوق‌العاده برای اعلام پادشاهی «محمدعلی‌شاه» به دربار روس و انگلستان و فرانسه رفت و در پایتختهای آن سه کشور با «نیکلای دوم» امپراتور روس و «ادوارد هفتم» پادشاه انگلیس و «فالیبر» رئیس‌جمهور فرانسه دیدار داشت و نشانهای عالی گرفت، در پتــرزبورگ و لنــدن با «ایزولسکی» وزیر خارجهٔ جدید روسیه و «گرباستوف» معاون او و «سرادوارد گری» وزیر خارجهٔ انگلیس و «چارلز هاردینگ» معاون او، دربارهٔ قرارداد گفتگو کرد.

«ایزولسکی» به او گفت: موضوع تقسیم ایران درست نیست، بلکه دو دولت متعهد می‌شوند که در ایران برخلاف مصالح یکدیگر اقدامی نکنند و استقلال ایران را

۱۱. گزارش ۲۸ رمضان سفارت ایران در پترزبورگ.
۱۲. ۱۴ اکتبر ۱۹۰۶ ۲۱ مهر ۱۲۸۵.
۱۳. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۲۵ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.
۱۴. حسن پیرنیا= مشیرالدوله
۱۵. صفر ۱۳۲۵.

هم محترم دارند. او در لندن هم پس از گفتگو با «ادواردگری» و «هاردینگ» همان پاسخی را شنید که در پترزبورگ «ایزولسکی» به او گفته بود، و خود سفیر فوق‌العادهٔ دولت ایران هم معتقد شد که دو دولت می‌خواهند طوری کنند که از این پس نزاعی در ایران نداشته و رقابت و دشمنی نداشته باشند و این برای ایران خوب است؛ چون هر زمان ممکن بود بر اثر منازعه و اختلاف دو دولت در ایران، صدمات بسیار به کشور ما وارد شود و انگلستان نقاط جنوبی و روسها نقاط شمالی کشور ما را تصرف کنند.[۱۶]

شایعهٔ تقسیم ایران میان روس و انگلیس در ایران هم انعکاس یافت و در میان میهن‌خواهان و محافل سیاسی و مطبوعاتی تهران، بخصوص، ایجاد نگرانی نمود.

به‌دنبال این نگرانی درحالی که سرانجام قرارداد در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ در پترزبورگ میان «ایزولسکی» وزیر خارجهٔ جدید روسیه و «نیکلسن» سفیر انگلیس به امضا رسیده بود، سفارت انگلیس در چهارم سپتامبر ۱۹۰۷[۱۷] ضمن یادداشتی به وزارت خارجهٔ ایران نوشت: به دوستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قراردادی فی‌مابین انگلیس و روس بسته شده، نتیجهٔ آن مداخلهٔ دو دولت در ایران و تقسیم این کشور می‌باشد، در حالی که مذاکرات میان روس و انگلیس طور دیگری است. «مشیرالملک» هم که در این اواخر به پترزبورگ و لندن رفته مذاکراتی با وزیر امور خارجهٔ روس و انگلیس نموده و مفاد آن مذاکرات را به اینجانب اطلاع داده‌اند؛ «جناب ایزولسکی» و «سرادواردگری» به «مشیرالملک» گفته‌اند: هیچ‌یک از دو دولت در امور ایران مداخله نخواهند کرد، مگر آنکه صدمه‌ای به مال و یا جان اتباع آنها وارد آید و این گفتگوها بر خلاف استقلال ایران نمی‌باشد. تاکنون میان دو دولت در ایران ضدیت بود و هرکدام می‌خواست مانع موفقیت دیگری بشود و هرگاه این ضدیت ادامه پیدا می‌کرد، ممکن بود هر دو دولت در امور داخلی ایران مداخله کنند. مقصود از مذاکرات کنونی دو دولت این است که چنین وضعیت برای آنها در ایران پیش نیاید و قصد دو دولت این است که استقلال ایران را ابدالدهر تأمین نمایند و نتوانند به عذر حفظ مصالح خود در ایران مداخله کنند.[۱۸]

سرانجام متن قرارداد در لندن و پترزبورگ منتشر شد و چند روز بعد «هارتویک»

۱۶. گزارش ۵۳۲ (۹ رمضان ۱۳۲۵) سفارت ایران در لندن.

۱۷. ۲۵ رجب ۱۳۲۵.

۱۸. یادداشت ۴ سپتامبر ۱۹۰۷: سفارت انگلیس، پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۵۱ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

وزیر مختار روس در یازدهم سپتامبر[۱۹] طی نامهٔ شمارهٔ ۱۲۷۶، امضای قرارداد و توافق دو دولت را در این مورد به وزارت امورخارجهٔ ایران اطلاع داد.

متن نامهٔ سفارت روس:

جناب مستطاب اجل اکرما دوستان استظهارا، مکرما، محترما

از آنجایی که دولتین روس و انگلیس مایل‌اند که از هرگونه علل تصادف فی‌مابین مصالح خودشان در بعضی نواحی ایران که از یک طرف متصل یاواقع است در حوالی بلافاصلهٔ حدود افغانستان و بلوچستان و از یک طرف در سرحد روس احتراز جویند، در این باب قرارنامهٔ دوستانه امضا نموده‌اند. در قرارنامهٔ مزبور دولتین مزبور تین انتگریته و استقلال تامهٔ دولت ایران را متفقاً قبول می‌نمایند و مدلل می‌دارند که قصد صادقانهٔ آنها ترقی صلح‌آمیز آن مملکت و همچنین برقراری دائمی فواید تجارتی و صنایعی سایر ملل به‌طور مساوات است. علاوه‌بر این هر یک از این دو دولت متعهدند که در صدد تحصیل امتیازاتی متصل به سرحد دیگری یا در حوالی آن سرحد برنیایند. محض رفع اشتباهات آتیه و نیز محض احتراز از ایجاد وضعی که ممکن باشد بآی نحوکان دولت ایران را به حال اضطراب در آورد، نواحی مزبوره را در قرارداد به‌طور وضوح تعیین نموده‌اند. درخصوص مالیاتی که برای قروض دولت ایران از بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی ایران معین شده، دولتین روس و انگلیس قبول نموده‌اند که این مالیات در آتیه کمافی‌السابق برای همین‌منظور برقرار بوده باشد و دولتین مزبور تین متفقاً متعهد می‌شوند که در صورت عدم ترتیب ادای وجه استهلاک یا منافع قروض سابق‌الذکر دوستانه در این باب با هم مشورت نمایند که متفقاً ملاحظه کنند برای تأمین مصالح طلبکاران (به موجب قانون بین‌الملل) و برای احتراز از هرگونه مداخله که مخالف اصول این قرارداد باشد، لازم است چه اقدامی به‌عمل آید. در ضمن امضای این قرارداد، دولتین مزبور تین از اصول اصلی که مراعات کاملهٔ «انتگریته» و استقلال دولت ایران بوده باشد به‌هیچ وجه صرف‌نظر ننموده‌اند. مقصود از این قرارداد چیزی نبوده، مگر احتراز از بروز اشتباه فی‌مابین دولتین متعاهد تین از جهت امور ایران.

دولت علیه متقاعد خواهد شد که این قرارداد فی‌مابین دولتین روس و انگلیس

۱۹. ۱۹شهریور ۱۲۸۶/ دوم شعبان ۱۳۲۵.

کاملاً اسباب امنیت و سعادت و بالاخره موجب ترقی ایران خواهد بود. در این موقع با کمال توقیر و احترام، احترامات فائقه را نسبت به آن جناب مستطاب اجل عالی تجدید می‌نماید، زیاده زحمت‌افزا نمی‌شود.[۲۰]

ارسال قرارداد ۱۹۰۷ برای دولت ایران

در همان روز و همان تاریخ سفارت انگلیس نیز در نامه‌ای که متن آن عیناً همانند نامهٔ سفارت روس بود، انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ را به وزارت امور خارجهٔ ایران اطلاع داد و سراسپرینگ‌رایس وزیرمختار انگلیس در ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ در نامهٔ دیگر متن آن قسمت از قرارداد را که مربوط به ایران بود، برای وزارت امور خارجهٔ ایران فرستاد و یادآوری کرد که صورت این قرارداد برای دولتهـــای بزرگ جهان فرستاده خواهد شد.[۲۱]

۲۰. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۵۱ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

۲۱. دولت انگلیس و روس ضمن ارسال رونوشت قرارداد مربوط به ایران برای وزارت امور خارجهٔ برخی از کشورهای بزرگ نوشتند: این قرارداد برای حفظ استقلال ایران و جلوگیری از نفوذ دولتهای دیگر و نیز تبدیل رقابتها و اختلافات روس و انگلیس به دوستی و همکاری در کشور ایران بوده است.

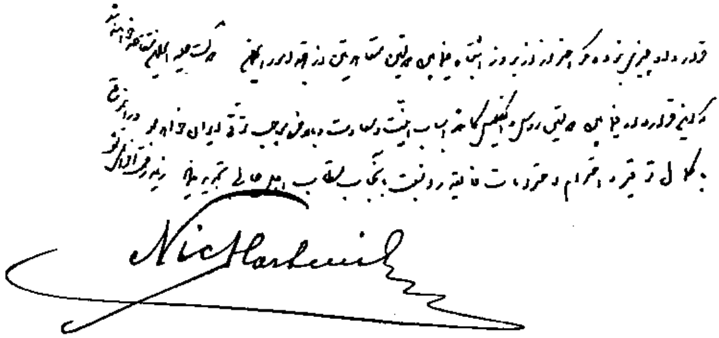
سفارت دولت قویشوکت امپراطوری روسیه
مقیم دربار ایران
مورخه ۳ شهر [illegible] ۱۳۲۵
نمره ۱۲۷۷

جناب مستطاب اجل اکرم [illegible]

دولتین بهیتین روس و انگلیس مایل بودند که از هر گونه علل تصادم فیمابین مصالح خودشان در بعضی نواحی ایران که از یک طرف متصل و ملاصق است در حوالی حدود سرحد افغانستان و بلوچستان و از طرف دیگر در سرحد روس احتراز جویند دولتین [illegible] قرارنامهٔ دوستانه امضا نمودند در قرارنامهٔ مزبوره دولتین مزبورتین [illegible] استقلال و تمامیت دولت ایران [illegible]

[illegible]

صفحهٔ اول نامهٔ سفارت روسیهٔ تزاری



صفحهٔ دوم نامهٔ سفارت روسیهٔ تزاری

British Legation.
Tehran.

از جنب وزیر مختار بجناب سعدالدوله وزیر امور خارجه

۲۴ شعبان ۱۳۲۵ ۱۱ سپتمبر ۱۹۰۷

از آنجائیکه دولتین انگلیس و روس مایلند که از هر گونه علل تصادف فیمابین مصالح خودشان در بعضی نواحی ایران که از یکطرف متصل یا مجاور است در حوالی حدود افغانستان و بلوچستان و از یکطرف دیگر در سرحد روس احتراز جویند در این باب قرارنامه دوستانه امضا نموده‌اند در قرارنامه مزبوره دولتین ابتدا تمامیت و استقلال تامه دولت ایران را تصدیق و قبول مینمایند و حقیقت میدارند که قصد صادقانه آنها ترقی صلح آمیز آن مملکت و همچنین برقراری دائمی فواید تجارتی و صنایعی سایر ملل بطور مساوات است علاوه بر این هر یک از این دو دولت متعهدند (در صورتیکه ...) که در صدد تحصیل حقوق ذاتیه مستقله بر حدود دیگری یا در حوالی آن سرحد بر نیایند محض رفع اشتباهات آتیه و نیز محض احتراز از ایجاد وضعی که ممکن باشد بنحویکه دولت ایران را بحالت اضطراب در آورد نواحی مزبوره در قرارداد بطور وضوح تعیین نموده‌اند در خصوص ... تامین قروض دولت ایران از بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی ایران معین شده دولتین روس و انگلیس قبلاً تعهد نموده‌اند که این ... بطوریکه منظور بوده باشد و دولتین مزبورتین متفقاً متعهد میشوند در صورت عدم ترتیب لوازم استهلاک یا منافع قروض ... در این باب با هم مشورت نمایند که متفقاً ملاحظه کنند بطوریکه منافع طلبکاران (بر حسب قانون بین الملل) ... لازم است ... در ضمن امضای این قرارداد دولتین مزبورتین در اصول اصلی که رعایت کامل تمامیت و استقلال دولت ایران ...

نامهٔ سفارت انگلیس دربارهٔ اعلام امضای قرارداد۱۹۰۷

بهیچوجه صرف نظر نخواهند   مقصود از این قرارداد چیزی نیست که جز آنکه از بروز شبهه فیمابین دولتین متعاهدتین در باب ایران

دولت علیه ایران متقاعد خواهند شد که این قرارداد فیمابین دولتین روس و انگلیس که منعقد شده اسباب امنیت و سعادت و بقای حقوق

موجب ترقی ایران خواهد بود

صفحهٔ دوم نامهٔ سفارت انگلیس

متن نامهٔ دوم وزیر مختار انگلیس:

۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷/۱۵ شعبان ۱۳۲۵

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع‌افزا می‌گردد. به موجب دستورالعملی که از دولت متبوعهٔ دوستدار رسیده، شرف دارم که صورت ترتیب منعقدهٔ فی‌مابین دولتین انگلیس و روس مورخهٔ ۳۱ــ۱۸ اوت ۱۹۰۷ را تا اندازه‌ای که راجع‌به دولت علیهٔ ایران است لفاً ایفاد دارم، محض تسهیل قرائت نوشتهٔ مزبور ترجمهٔ غیر مستند آن را به نسخهٔ فرانسه الحاق داشت، محض احتراز از هرگونه اشتباه نیز باید اظهار دارم که مسلم است نسخهٔ فرانسه سندیت خواهد داشت. صورت این قرارداد رسماً به دول معظمه ایفاد خواهد شد و بزودی نیز انتشار خواهد یافت، در این موقع احترامات فائقه را تجدید می‌نماید. سراسپرینگ‌رایس.

متن قرارداد در باب ایران

نظر به اینکه دولتین انگلیس و روس متفقاً متعهد شدند که انتگریته و استقلال ایران را مراعات نمایند و محض آنکه صمیمانه مایل به حفظ نظم در تمام نقاط این مملکت و ترقی صلح‌آمیز آن می‌باشند و مایل‌اند که برای تمام سایر ملل بالسویّه حقوق تجارتی و صناعتی همیشه برقرار بوده باشد، و چون هر یک از دولتین مذکورتین به ملاحظهٔ ترتیب جغرافیایی و اکونومی (ثروتی) اهتمام مخصوصی در حفظ امنیت و نظم بعضی ایالات متصلّه و یا مجاورهٔ ایران به سرحد روس از یک طرف و به سرحد افغانستان و بلوچستان از طرفی دیگر دارند؛ برای احتراز از هرگونه علل و اسباب حدوث اختلافی نسبت به مصالح خودشان در ایالات سابق‌الذکر ایران، به موجب مدلول فصول ذیل با یکدیگر اتفاق نمودند.

فصل اول

دولت انگلیس متعهد می‌شود که در آن طرف خطی که از قصر شیرین ازراه اصفهان و یزد و خاخ به نقطه‌ای از سرحد ایران منتهی و سرحد روس و افغانستان را تقاطع می‌نماید، برای خود یا کمک به رعایای خود یا معاونت به اتباع دول دیگر درصدد تحصیل هیچ‌گونه امتیاز پلیتیکی یا تجارتی از قبیل امتیازات راههای آهن و سایر راهها و بانکها و تلگرافها و حمل و نقل و بیمه و غیره برنیاید و نیز دولت انگلیس متعهد است که وجهاً من‌الوجوه به هیچ وسیله در اوقاتی که دولت روس به مقام معاونت به مطالبهٔ این قبیل امتیازات در نواحی مزبوره برمی‌آید، ابداً ضدیّت ننماید و مسلم است که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی‌ای است که در آنها دولت انگلیس متعهد است که

در مقام تحصیل امتیازات مذکوره فوق برنیاید.

فصل دوم

دولت روس هم متعهد است که در آن طرف خطی که از سرحد افغانستان از راه «قازیک» و بیرجند و کرمان رفته به بندرعباس منتهی می‌شود، برای خود یا کمک به اتباع خود و یا معاونت به رعایای دول دیگر درصدد تحصیل هیچ‌گونه امتیازات پلیتیکی یا تجارتی از قبیل امتیازات راههای آهن و سایر راهها و بانکها و تلگرافها و حمل و نقل و بیمه و غیره برنیاید و نیز دولت روس متعهد است که وجهاً من‌الوجوه به هیچ وسیله در اوقاتی که دولت انگلیس در مقام کمک به مطالبهٔ این قبیل امتیازات در نواحی مزبور برمی‌آید ضدیت ننماید و مسلم است که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی است که در آنها دولت روس متعهد است که در مقام تحصیل امتیازات مذکورهٔ فوق برنیاید.

فصل سوم

دولت روس متعهد می‌شود که بدون اینکه قبلاً با دولت انگلیس مشاوره و تفهیمی شده باشد به هیچ‌گونه امتیازی که به رعایای انگلیس در نواحی ایران واقع در بین خطوط مذکوره در فصل اول و دوم داده‌شود ضدیتی نکند، دولت انگلیس نیز به‌همین نحو در باب امتیازاتی که به رعایای روس در همان نواحی ایران داده می‌شود، متعهد است و تمام امتیازات موجودهٔ حالیه در نواحی مذکوره در فصل اول و دوم هم به‌حال خود برقرار خواهند بود.

فصل چهارم

مسلم است که عایدات تمام گمرکات ایران باستثنای گمرکات فارس و خلیج فارس، یعنی عایداتی که به ضمانت وجه اصل و منافع قروض دولت ایران از بانک استقراضی روس تا تاریخ امضای این قرارداد حالیّه داده شده، برای همان منظور کمافی‌السابق برقرار خواهدبود، نیز مسلم است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس و همچنین عایدات عمل صید ماهی در کنارهٔ بحر خزر که متعلق به ایران است و همچنین عایدات پست و تلگراف برای ادای قروض دولت ایران از بانک شاهنشاهی که تا تاریخ امضای این قرارداد حالیه داده شده است، کمافی‌السابق برقرار خواهدبود.

فصل پنجم

در صورت عدم ترتیب ادای وجه اصل یا پرداخت منافع قروض ایران از بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی تا تاریخ امضای این قرارداد و در صورتی که برای دولت

روس لازم شود، در محال (محلها) عایداتی که برای مرتب‌رسیدن قروض از بانک استقراضی رهن شده و آن محال در نواحی مذکوره در فصل دوم این قرارداد واقع‌اند کنترلی بگذارد و نیز در صورتی که برای دولت انگلیس لازم شود در محال عایداتی که برای مرتب‌رسیدن قروض از بانک شاهنشاهی رهن شده و محال مزبوره در نواحی مذکوره در فصل اول این قرارداد واقع‌اند، کنترلی بگذارد و دولتین انگلیس و روس متعهد هستند که قبلاً دوستانه با یکدیگر مشورت نموده، متفقاً قرار اقدامی به برقراری این کنترل را بدهند و از تمام مداخلاتی که بر خلاف اصول و اساس این قرارداد حالیه است احتراز جویند.

در سنت پترزبورگ نسختان به انجام رسید ۳۱—۱۸ اوت ۱۹۰۷. امضا نیکلسن[۲۲]ـ ایزولسکی[۲۳].

۲۲. نیکلسن= سفیر بریتانیا در پترزبورگ.
۲۳. ایزولسکی= وزیر امور خارجهٔ روسیهٔ تزاری.

۱۹۰۷
۲۴ سپتمبر
۱۳۲۵
۱۵ شعبان

[illegible]

Légation Britannique
Téhéran.
24 Septembre, 1907.

Monsieur le Ministre,

Conformément aux instructions que j'ai reçues de mon Gouvernement, j'ai l'honneur de vous transmettre, ci-joint, le texte de l'Arrangement du 18/31 Août, 1907, intervenu entre La Grande-Bretagne et la Russie, en tant que cet Arrangement a trait à des matières pouvant intéresser le Gouvernement Persan.

Pour faciliter la lecture de ce document j'ai annexé au texte français une traduction persane non-garantie de l'Arrangement.

Afin d'éviter tout malentendu, je crois devoir ajouter qu'il est bien entendu que c'est le texte français qui fait foi.

Le texte de l'Arrangement sera officiellement communiqué aux Grandes Puissances, et la publication en aura lieu dans le plus bref délai.

Veuillez agréer, Monsieur le Ministre, l'assurance de ma très haute considération.

Cecil Spring Rice

Son Excellence,
Sad-ud-Douleh,
Ministre des Affaires Etrangères.

نامهٔ وزیرمختار انگلیس

قرارداد در باب ایران

نظر باینکه دولتین انگلیس و روس متقابلا متعهد شده‌اند که تمامیت و استقلال ایران را مراعات نمایند و نیز نظر باینکه صمیمانه طالب حفظ نظم در تمام مملکت ایران و ترقی صلح آمیز آن میباشند و مایلند که برای تمام سایر ملل بالسویه حقوق تجارتی و صنایعی همیشه برقرار بوده باشد و چون هر یک از دولتین مذکورین بعلت چند ترتیب جغرافیائی و اکونومی (ثروتی) اهتمام خصوصی در حفظ امنیت و نظم بعضی ایالات متصله یا مجاوره ایران به سرحد روس از یک طرف و سرحد افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر دارند برای احتراز از هر گونه علل و اسباب ضدیت و خلاف نسبت بمصالح خودشان در ایالات سابق الذکر ایران فصول ذیل را بیکدیگر اتفاق نمودند

فصل اول

دولت انگلیس متعهد میشود که در آنطرف خطی که از قصر شیرین از راه اصفهان و یزد و کاخک منقطع از سرحد ایران منتهی بسرحد روس و افغانستان است تقاضای امتیاز برای خود یا کمک برعایای خود یا دولت ثالث ...

Les Gouvernements de la Grande Bretagne et de Russie, s'étant mutuellement engagés à respecter l'intégrité et l'indépendance de la Perse et désirant sincèrement la préservation de l'ordre dans toute l'étendue de ce pays et son développement pacifique, aussi bien que l'établissement permanent d'avantages égaux pour le commerce et l'industrie de toutes les autres nations;

Considérant que chacun d'eux a, pour des raisons d'ordre géographique et économique, un intérêt spécial au maintien de la paix et de l'ordre dans certaines provinces de la Perse contiguës ou voisines à la frontière Russe, d'une part, et aux frontières de l'Afghanistan et du Beloudjistan, de l'autre; et étant désireux d'éviter tout motif de conflit entre leurs intérêts respectifs dans les Provinces Persanes dont il a été fait mention plus haut;

Se sont mis d'accord sur les termes suivants:

I.

La Grande Bretagne s'engage à ne pas rechercher pour elle même et à ne pas appuyer en faveur de sujets Britanniques, aussi bien qu'en faveur de sujets de Puissances tierces, de Concessions quelconques de

صفحهٔ اول قرارداد که پیوست نامهٔ سفارت انگلیس برای وزارت امور خارجه فرستاده شده است.

questions concessions de chemins de fer, de banques, de télégraphes, de routes, de transport, d'assurance, &c., au delà d'une ligne allant de Kasri-Chirin par Ispahan, Iezd, Khakh, et aboutissant à un point sur la frontière Persane à l'intersection des frontières Russe et Afghane, et à ne pas s'opposer, directement ou indirectement, à des demandes de pareilles Concessions dans cette région soutenues par le Gouvernement Russe. Il est bien entendu que les localités mentionées ci-dessus entrent dans la région où la Grande Bretagne s'engage à ne pas rechercher les susdites concessions.

II. La Russie de son coté s'engage à ne pas rechercher pour elle-même et à ne pas appuyer en faveur de sujets russes, aussi bien qu'en faveur de sujets de Puissances tierces, de concessions quelconques de nature politique ou commerciale, telles que les concessions de chemin de fer, de banques, de télégraphes, de routes, de transport, d'assurance etc, au delà d'une ligne allant de la frontière Afghane par Gazik, Birdjand, Kerman, et aboutissant à Bender Abbas, et à ne pas s'opposer, directement ou indirectement, à des demandes de pareilles concessions dans cette région soutenues par le Gouvernement Britannique. Il est bien entendu que les localités mentionnés ci-dessus entrent dans la région où la Russie s'engage à ne pas rechercher les susdites concessions.

III.

در صدد تحصیل هیچگونه امتیازات سیاسی یا تجارتی از قبیل امتیازات
راههای آهن و سایر راهها و بانکها و تلگرافها و حمل و نقل و بیمه
و غیره برنیاید و نیز دولت انگلیس متعهد است که بهیچوجه از
هیچ وسیله در راه تقاضائی که دولت روس بمقام مطالبه این قبیل
امتیازات در نواحی مزبوره برآید ممانعت ننماید و مسلم است که اماکن
مذکوره در فوق جزو نواحی است که دولت انگلیس متعهد است در مقام تحصیل
امتیازات مذکوره فوق برنیاید

فصل دوم

دولت روس هم متعهد است که در طرف خطی که از سرحد افغانستان
از راه قاین و بیرجند و کرمان رفته به بندرعباس منتهی میشود برای خود
یا کمک باتباع خود یا بحمایت رعایای دول دیگر در صدد تحصیل هیچگونه امتیازات
سیاسی یا تجارتی از قبیل امتیازات راههای آهن و سایر راهها و بانکها
و تلگرافها و حمل و نقل و بیمه و غیره برنیاید و نیز دولت روس متعهد است
که بهیچوجه از هیچ وسیله در راه تقاضائی که دولت انگلیس بمقام مطالبه این
قبیل امتیازات در نواحی مزبوره برآید ممانعت ننماید و مسلم است
که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی است که دولت روس متعهد است
که در مقام تحصیل امتیازات مذکوره فوق برنیاید

فصل سوم

صفحهٔ دوم قرارداد ۱۹۰۷

III.

La Russie s'engage pour sa part à ne pas s'opposer, sans s'être préalablement entendue avec l'Angleterre, à ce que des concessions quelconques soient données à des sujets Britanniques dans les régions de la Perse situées entre les lignes mentionnées dans les Articles I et II.

La Grande Bretagne prend un engagement identique en ce qui concerne des Concessions à donner à des sujets Russes dans les mêmes régions de la Perse.

Toutes les Concessions existant actuellement dans les régions désignées dans les Articles I et II sont maintenues.

IV.

Il est entendu que les revenus de toutes les Douanes Persanes, à l'exception de celles du Farsistan et du Golfe Persique, revenus garantissant l'amortissement et les intérêts des emprunts conclus par le Gouvernement du Schah à la Banque d'Escompte et de Prêts de Perse jusqu'à la date de la signature du présent Arrangement, seront affectés au même but que par le passé.

Il est également entendu que les revenus des Douanes Persanes du Farsistan et du Golfe Persique, aussi bien que ceux des pêcheries sur le littoral Persan de

فصل سیم

دولت روس متعهد میشود که بدون اینکه قبلاً با دولت انگلیس قرار داده تعیین شده باشد بهیچ وجه امتیازاتی که برعایای انگلیس در نواحی ایران واقعه فیمابین خطوط مذکوره در فصل اول و دوم داده شود ضدیت نکند دولت انگلیس نیز بهمین نحو در باب امتیازاتی که برعایای روس در همان نواحی ایران داده میشود متعهد است تمام امتیازات موجوده حالیه در نواحی مذکوره در فصل اول و دوم بحال خود برقرار خواهند بود

فصل چهارم

مسلم است که عایدات تمام گمرکات ایران باستثنای گمرکات فارس و خلیج فارس یعنی عایداتی که ضمانت وجه اصلی و منافع قروض دولت ایران از بانک استقراضی روس تا تاریخ امضای این قرارداد داده شده بروی همان منظور که در سابق برقرار خواهد بود نیز مسلم است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس همچنین عایدات شیلات صیدهای [illegible]

et télégraphes seront affectés comme par le passé au service des emprunts conclus par le Gouvernement du Schah à la Banque Impériale de Perse jusqu'à la date de la signature du présent Arrangement.

V.

En cas d'irrégularités dans l'amortissement ou le paiement des intérêts des emprunts Persans conclus à la Banque d'Escompte et de Prêts de Perse et à la Banque Impériale de Perse jusqu'à la date de la signature du présent Arrangement, et si la nécessité se présente pour la Russie d'instituer un contrôle sur les sources de revenus garantissant le service régulier des emprunts conclus à la première des dites Banques et situées dans la région mentionnée dans l'Article II du présent Arrangement, ou pour la Grande-Bretagne d'instituer un contrôle sur des sources de revenus garantissant le service régulier des emprunts conclus à la seconde des dites Banques et situées dans la région mentionnée dans l'Article I du présent Arrangement, les Gouvernements Anglais et Russe s'engagent à entrer préalablement dans un échange d'idées amical en vue de déterminer d'un commun accord les mesures de contrôle en question et d'éviter toute ingérence qui ne serait pas conforme aux principes

برای ادای قروض دولت ایران از بانک شاهنشاهی که تا تاریخ امضای
این قرارداد منعقد شده است کما فی السابق برقرار خواهد بود

فصل پنجم

در صورت عدم ترتیب ادای وجه اصلی یا پرداخت منافع قروض
ایران از بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی تا تاریخ امضای این قرارداد
و در صورتیکه برای دولت روس لازم شود در محال عایدات که
برای مرتب رسیدن قروض از بانک استقراضی رهن شده اند در محال
واقعه در حدود مذکوره در فصل دوم این قرارداد تفتیش کند
و نیز در صورتیکه برای دولت انگلیس لازم شود در محال
عایداتی که برای مرتب رسیدن قروض از بانک شاهنشاهی
رهن شده و محال مزبوره در حدود مذکوره در فصل اول
این قرارداد واقع اند کنترل بگذارد دولتین انگلیس و روس

servant de base au présent Arrangement.

....

La présente Convention sera ratifiée et les ratifications en seront échangées à Saint-Pétersbourg aussitôt que faire se pourra.

En foi de quoi les Plénipotentiaires respectifs ont signé la présente Convention et y ont apposé leurs cachets.

Fait à Saint-Pétersbourg, en double expédition, le 18 (31) Août, 1907.

(L.S.) A. Nicolson.

(L.S.) Iswolsky.

متعهد میشوند که قسمت دوم نامه با یکدیگر مذاکره نموده

متفقا قرار اقدام به برقراری یک کنترل را بدهند

و از تمام مداخلاتی که برخلاف اصول و مبانی این قرارداد

حاکمیت احتراز جویند

در سنت پطرزبورغ نسخه‌تان بانجام رسید ۳۱/۱۸ اوت ۱۹۰۷

بمضا نیکلسن

" ایزولسکی

صفحهٔ پنجم قرارداد ۱۹۰۷ پوشهٔ ۲ جزوه‌دان ۵۱، ۱۳۲۵ق اسناد وزارت امور خارجه.

بجز فصول یادشده در متن قرارداد، دو دولت در یادداشتهای دیگر دربارهٔ بدهی‌های ایران به روس و انگلیس و کنترل درآمد گمرک ایران برای تضمین وصول آن بدهی‌ها و نیز منع ایران از استخدام مستشار خارجی بدون موافقت آنها و تصدیق امتیازاتی که انگلیس در منطقهٔ بیطرف داشت و تأکید بر حفظ منافع آن دولت در خلیج فارس، شرایط دیگر را مورد توافق قرار داده بودند.[۲۴]

ارسال این قرارداد برای دولت ایران در زمان نخست‌وزیری «میرزااحمدخان مشیرالسلطنه» بود و «میرزاجوادخان سعدالدوله» هم وزارت امور خارجه را بر عهده داشت، ولی دولت مشیرالسلطنه بزودی در اثر مخالفت نمایندگان مجلس کنار رفت و «ناصرالملک» (میرزاابوالقاسم خان قراگزلو) به نخست‌وزیری منصوب و میرزا حسن‌خان «مشیرالملک» که از مأموریت خارج بازگشته بود، با گرفتن لقب «مشیرالدوله» به وزارت امور خارجه انتخاب گردید؛ او که چند ماه پیش با وزیر خارجهٔ انگلیس و روسیه در پایتخت آن دو کشور دربارهٔ قرارداد گفتگو کرده و قبلاً تصریح کرده بود که غرض از موافقت روس و انگلیس در تنظیم قرارداد دست‌نخوردگی ایران است،[۲۵] پس از رایزنی با ناصرالملک نخست‌وزیر در دهم مهرماه ۱۲۸۶ به سفارت انگلیس چنین پاسخ داد:

مراسلهٔ محترم جناب جلالت مآب مورخهٔ ۱۵ شهر شعبان ۱۳۲۵ که متضمن سواد یک قسمت قرارداد منعقدهٔ فی‌مابین دولتین قوی شوکتین انگلیس و روس راجع به ایران دارای یک مقدمه و پنج فصل بود واصل گردید، اینک در جواب زحمت‌افزا می‌شود. چنانکه خاطر نصفت مظاهر آن جناب تصدیق خواهد کرد، قرارداد مزبور فی‌مابین دولتین قوی شوکتین انگلیس و روس منعقد شده، بنابراین مفادآن هم‌راجع به دولتین مرقومتین که قرارداد مزبور را امضا کرده‌اند خواهد بود و دولت علیه نظر به استقلالی که به فضل خداوند متعال به خودی خود داراست، کلیهٔ حقوق و اختیاراتی را که از استقلال تام این دولت علیه حاصل است از اثر نفوذ هر قسم قراردادی که مابین دو یا چند دولت خارجه در باب ایران منعقد شده یا می‌شود اصولاً و حتماً مصون و محفوظ می‌دارد و از روابط خود با دول متحابه به تشیید مبانی وداد و یک جهتی موافق اصول عهود مقدسه و قاعدهٔ درهای باز برای تجارت بین‌المللی سعی بلیغ خواهد داشت. در باب وجوه

۲۴. نامهٔ ۵۳۲ (۲۵ رمضان ۱۳۲۵) سفارت ایران در لندن، پوشهٔ ۱، جُـزوه‌دان ۵۲ (سال ۱۳۲۵ ق.) اسناد وزارت امورخارجه.

۲۵. پوشهٔ ۱، جزوه‌دان ۵۲ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

استقراضی هم بدیهی است که دولت علیه اصل قراردادهایی را که در این باب منعقد شده است بدون تخلف رعایت خواهد نمود، برای اظهار و اعلام اصولی که در این مراسله مقیّد و مصرّح است سوادی از آن برای نمایندگان دول متحّابهٔ مقیمین دربار علیه ارسال گردید.[۲۶] مشیرالدوله از این پس در ۲۵ شوال متن قرارداد را برای سفارتخانه‌های ایران در اروپا و امریکا فرستاد.

و در همان‌روز طی نامهٔ ۱۰۸۶ رونوشت پاسخی که به دو سفارت داده بود برای سفارتهای فرانسه، اتریش، ایتالیا، هلند، بلژیک و امریکا فرستاد و سپس رونوشت آن مکاتبات را برای اطلاع کمیسیون خارجهٔ مجلس شورای ملی ارسال داشت.[۲۷]

پس از انتشار قرارداد، «سرادواردگری» وزیر خارجهٔ انگلیس (روز ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷) گفت:

در پنجاه سال گذشته اوقاتی بود که روابط ما با روسها در ایران خوب نبود. حال دو کشور مصمم شدند به جای عدم اطمینان و اختلاف به سوی صلح و دوستی گام بردارند، هرگاه آن قسمت از قرارداد را که راجع‌به ایران است ملاحظه نمایید خواهید دید که به واسطهٔ این قرارداد مرز هندوستان را حفظ کرده‌ایم بی‌آنکه از منافع تجارتی خود چیزی را از دست بدهیم. وضع ناآرامی و آشوب در ایران طوری است که اگر قرارداد نبود هر دو دولت ترغیب می‌شدند برای منافع خود در امور ایران مداخله کنند.[۲۸]

روزنامهٔ نوادرمیا روسی نوشت:

«تاکنون سابقه ندارد که دو دولت بزرگ کشوری را به این آسانی میان خود تقسیم کنند و صدایی از مردم آن کشور برنیاید.»[۲۹]

بر پایهٔ اسناد تنها سه نفر از دولتمردان در آن روزگار به این قرارداد اعتراض کردند؛ نخست «میرزامهدی‌خان علائی» وزیرمختار ایران در لندن بود. او به خود قرارداد ایرادی نداشت و آن را مانع از برخورد دو قدرت در ایران می‌دانست ولی بعضی مواد آن را زیانبخش می‌پنداشت و به وزیر امور خارجه نوشت: اگر ایران قوی شود قرارداد خود به‌خود بی‌اثر است ولی به بعضی مواد آن مانند منع‌دادن امتیاز از سوی ایران در

۲۶. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۵۱ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

۲۷. پوشهٔ۱، جزوه‌دان ۵۱ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امورخارجه.

۲۸. گزارش ۱۷ذیقعدهٔ ۱۳۲۵ سفارت ایران در لندن، اسناد وزارت امورخارجه.

۲۹. نامهٔ ۱۲ شعبان ۱۳۲۵ به سفارت ایران در لاهه، اسناد وزارت امور خارجه.

دایرهٔ نفوذ هر یک از دو دولت و منع استقراض و کنترل گمرک باید اعتراض کرد.[۳۰]
مرتضی‌خان (ممتازالملک) وزیرمختار ایران در امریکا به وزیر امور خارجهٔ ایران نوشت:

«این مسئله بدان می‌ماند که دو نفر دزد برای چاپیدن خانهٔ شخصی متحد شده و شرکت نامه نوشته، بعد با کمال جسارت نزد صاحبخانه رفته و بگویند؛ ما چنین قراردادی بسته‌ایم تو نیز آن را تصدیق کن. دولت انگلیس و روس ایران را کمتر از مراکش فرض کرده‌اند؛ زیرا که برای مراکش باز کنفرانسی منعقد شد و نمایندهٔ چند دولت و نمایندهٔ خود مراکش هم حضور داشت و از پرتست خود در هیچ موقع فروگذار نمی‌کرد. مقصود از انعقاد این قرارداد از دو شق بیرون نیست، یا دولت روس و انگلیس در آینده قصد و نیت باطنی دارند که به‌طور پلیتیک یا زور انجام خواهند داد، یا ندارند. اگر فی‌الواقع خیالی دارند دولت ایران مجبور به تصدیق آن نیست و باید با امضا نکردن آن راه نجاتی برای خود باقی بگذارد و اگر حقیقتاً قصد مخفی ندارند و طالب بقا و استقلال ایران هستند، گرچه ایران نمی‌تواند روس و انگلیس را از انعقاد یک عهدنامه مانع شود، اما خودش نباید آن را تصدیق کند وگرنه موجب بدبختی ملت و کشور خواهد شد.[۳۱]

اعتراض صریحتر از «میرزاملکم‌خان» وزیرمختار ایران در رم بود، که ضمن تقاضای استعفا به وزیر امور خارجه نوشت:

«قرارداد تقسیم ایران فی‌مابین روس و انگلیس درهای تأسف را به روی بنده باز کرد... حالا که پهلوانان خرابی ایران از برای ما دیگر هیچ احتیاجی به سفارت باقی نگذاشته‌اند، از محبت کریمانهٔ جنابعالی استدعا می‌نمایم با اجازهٔ بندگان اقدس همایون شاهنشاه این وجود نابود را از قیودات این سفارت هرچه زودتر آزاد فرمایند.»[۳۲]

آثار قرارداد ۱۹۰۷

قرارداد ۱۹۰۷ سالها بر روابط خارجی و حتی بر سیاست داخلی ایران سایه

۳۰. نامهٔ ۵۲۲ (۹ رمضان ۱۳۲۵) وزیرمختار ایران در لندن، پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۵۱ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

۳۱. نامهٔ ۷۵ و ۱۴۸ (چهارم شوال ۱۳۲۵) سفارت ایران در واشنگتن، پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۵۱(سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

۳۲. نامهٔ ششم دسامبر ۱۹۰۷ میرزاملکم‌خان، پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۵۱ (سال ۱۳۲۵ق.) اسناد وزارت امور خارجه.

افکنده و آثار نفوذ این قرارداد بخصوص در مناسبات خارجی ایران مشهود بود. بیشتر دولتمردان ایران بیش از پیش به یکی از دو سیاست وابستگی نشان دادند. نیروی نظامی روس و انگلیس در رشت و قزوین و چند شهر دیگر حضور داشت، استقراض خارجی بجز از روس و انگلیس ممنوع شد.[۳۳] استخدام مستشاران خارجی از کشورهایی مجاز بود که دو دولت نامبرده موافقت کنند و ادامهٔ خدمت آن مستشاران نیز منوط به رضایت دو دولت بود، چنانکه «مرگان شوستر» امریکایی که با رضایت دو دولت نامبرده و با تصویب مجلس شورای ملی با سه نفر از همکارانش (لکفر ــ شیندلر ــ هیکاک) از بهمن‌ماه ۱۲۸۸[۳۴] به خدمت دولت ایران درآمده[۳۵] و در مقام ریاست خزانه‌داری ایران براساس اختیاراتی که به او داده شده بود، برای بهبود وضع مالی ایران دست به کار اصلاحاتی زده و برای وصول مالیاتهای عقب‌افتاده و مطالبات دولت ایران از بدهکاران بزرگ، «ژاندارمری خزانه» را تشکیل داده (و در وصول مالیات از برخی از متنفذان با درگیری‌های دشوار روبه‌رو می‌شد). هنگامی که در یک مورد اجرای وظایفش با مصالح روس اصطکاک جست یک حادثهٔ بزرگ سیاسی آفرید.

«ملک منصور میرزا» (شعاع‌السلطنه) فرزند مظفرالدین‌شاه، یکی از بدهکاران عمدهٔ دولت بود، در سالهای پس از مشروطه گاهی خود را زیر حمایت دولت عثمانی و گاه زیر حمایت دولت روس قرار می‌داد؛ در این سال او خود از ایران رفته بود ولی پارک اقامتگاه او (در نزدیکی باغشاه) زیر حفاظت قزاقهای گماشته از سوی سفارت روس بود؛ زیرا تمام املاک و اموال خود را ظاهراً در رهن بانک روس گذارده بود. «شوستر» برای توقیف اموال و املاک «ملک‌منصورمیرزا» از دولت اجازه خواست و دولت با صدور یک تصویب‌نامه این اجازه را به او داد، یک گروهان ژاندارم خزانه با یک افسر مأمور این کار شدند ولی در جلوی پارک «ملک‌منصورمیرزا» با مقاومت قزاقهای روسی روبه‌رو گشتند؛ کار به درگیری رسید، سرانجام ژاندارمهای خزانه با خشونت و کشیدن اسلحه قزاقها و چند مأمور سفارت روس را از آنجا بیرون راندند و خود در آنجا مستقر شدند. سفارت روس به‌عنوان بی‌حرمتی نسبت به قزاقها و مأمورین خود و توهین به دولت

۳۳. در سالهای قبل در قرارداد وام مظفرالدین‌شاه از روسها، ایران از استقراض خارجی (بجز از دولت روس) نیز ممنوع شده بود.

۳۴. فوریهٔ ۱۹۱۰

۳۵. ترتیب استخدام «شوستر» و همکارانش به‌وسیلهٔ «علیقلی‌خان» (نبیل‌الدوله) کاردار سفارت ایران در واشنگتن داده شد.

امپراتوری روس شدیداً به دولت ایران اعتراض کرد و تهدید به قطع رابطه نمود و اولتیماتوم ۴۸ ساعته داد و تحویل پارک را خواستار شد. «صمصام‌السلطنهٔ بختیاری» نخست‌وزیر با «سرجرج بارکلی» وزیرمختار انگلیس مشورت کرد، او به‌وسیلهٔ تلگراف از «سرادواردگری» کسب تکلیف کرد و به دستـــور «گری» پذیرفتن اولتیماتوم را به «صمصام» توصیه نمود.[۳۶]

«صمصام» به «شوستر» دستور داد ژاندارمهای خزانه را از پارک «ملک‌منصورمیرزا» بردارد، ولی «شوستر» گفت فرستادن ژاندارمها به تصویب هیئت‌وزیران بوده و برداشتن آنها را نیز باید هیئت‌وزیران[۳۷] تصویب کند.

در حالی که سفارت روس روز ۲۵ آبان ۱۲۹۰ اطلاع داد که چون اولتیماتوم پذیرفته نشده رابطهٔ سیاسی قطع خواهد شد، هیئت‌وزیران با صدور یک تصویب‌نامه برداشتن ژاندارمهای خزانه را از پارک «ملک‌منصورمیرزا» و تحویل آنجا را به سفارت روس دستور داد[۳۸]. ژاندارمهای خزانه پارک را ترک گفتند و قزاقها بار دیگر در آنجا مستقر شدند و روز اول آذر «وثوق‌الدوله» (حسن‌وثوق) وزیر امور خارجه به سفارت روسیه رفت و با وزیرمختار دیدار کرد و رسماً از سوی ایران عذرخواهی نمود، ولی وزیرمختار روس (پاکلیوسکی) گفت: «منتظر دستور دولت متبوع خود هستم و احتمالاً اولتیماتوم دیگر داده خواهد شد.»[۳۹]

در حالی که سپاهیان جدید روس وارد رشت شده بودند و تهران تهدید می‌شد، روز ششم آذر[۴۰] سفارت روس با تسلیم یک اولتیماتوم ۴۸ ساعته برکناری «شوستر» و دیگر همکارانش را خواستار شد و نیز خواست دولت ایران تعهد کند بدون موافقت سفارت روس و انگلیس هیچ مأمور خارجی را به خدمت نگیرد و نیز خسارت گسیل نیروی روس را که برای همین حادثه وارد رشت شده و می‌خواست برای تهدید تهران به سوی قزوین پیش بیاید، بپردازد.[۴۱] «صمصام» نخست‌وزیر روز هفتم آذر در مجلس حاضر شد

۳۶ و ۳۷. شمارهٔ ۱۷ و ۱۸، سال ۱۱، مجلهٔ رنگین کمان (نقل از نوشتهٔ شوستر از کتاب اختناق ایران، ترجمهٔ ابوالحسن موسوی)

۳۸. در این هنگام اعضای خانوادهٔ «شعاع‌السلطنه» همه در اروپا بودند و تنها «نزهت‌السلطنه» مادر او و جمعی پرستار و خدمتکار و آشپز و نوکر و باغبان در پارک سکونت داشتند و این خانم قبلاً به‌وسیلهٔ تلگراف از «ملکه» و «امپراتور روس» یاری خواسته و تحت حمایت سفارت روس قرار گرفته بود.

۳۹. شمارهٔ ۱۷ و ۱۸، سال ۱۱، مجلهٔ رنگین کمان (نقل از نوشتهٔ شوستر).

۴۰. ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱

۴۱. صفحهٔ ۲۴۶، ج ۱، رهبران مشروطه، تألیف ابراهیم صفائی.

و با طرح موضوع، برای پذیرفتن اولتیماتوم از مجلس اختیارات خواست؛ مجلس نپذیرفت و همان‌روز دوازده نفر از نمایندگان نزد «ناصرالملک» (میرزا ابوالقاسم‌خان قراگزلو) نایب‌السلطنه رفته گفتند: مجلس حاضر است برای موضوع اولتیماتوم به او اختیارات بدهد ولی به «صمصام» اعتماد ندارند.[۴۲] «ناصرالملک» این پیشنهاد را نپذیرفت. در این روزها تهران در هیجان و اضطراب بود، افکار میهن‌خواهانه موجب برپایی تظاهراتی در تهران شده بود، حتی گروهی از بانوان پایتخت جداگانه در چند نقطهٔ تهران و در جلوی مجلس شورا تظاهرات میهنی برپای ساختند؛ مجلس با قبول دربست اولتیماتوم موافق نبود ولی دولت می‌خواست اولتیماتوم را بپذیرد. «صمصام» با «ناصرالملک» مشورت کرد، چون دورهٔ قانونی مجلس در ۲۴ آبان سپری شده بود، دولت به‌همین دستاویز، از نایب‌السلطنه اجازهٔ بستن مجلس را خواست و او هم موافقت کرد (۲۶ آذر). «صمصام» با نیروی بختیاری و پلیس زیرنظر سردار محتشم وزیر جنگ، روز اول دی مجلس را اشغال و از ورود نمایندگان و نیز تشکیل جلسهٔ آنان در خارج از مجلس جلوگیری کرد و از روز سوم دی‌ماه مجلس رسماً تعطیل گردید.[۴۳] پس از بستن مجلس دولت قرارداد «شوستر» و «لکفر» و«شیندلر» و «هیکاک» را لغو کرد و به خدمتشان خاتمه داد. «شیندلر» و «هیکاک» با موافقت دو سفارت روس و انگلیس در خزانه زیرنظر «مرنار» مستشار بلژیکی ماندند و «شوستر» و «لکفر» ایران را ترک گفتند[۴۴] و ژاندارمری خزانه در سازمان ژاندارمری کشور ادغام گردید و نیز بر اثر نفوذ همان قرارداد و فشار دولت روس و انگلیس بود که چند سال بعد دولت ایران به خدمت بیشتر مستشاران سوئدی ژاندارمری پایان داد.[۴۵]

۴۲. شمارهٔ ۱۷ و ۱۸، سال ۱۱، مجلهٔ رنگین کمان

۴۳. دورهٔ مجلس در ۲۴ آبان ماه به پایان رسیده بود ولی پیش از آن مجلس به مناسبت وضع غیر عادی کشور با تصویب یک مادهٔ واحده سه ماه دورهٔ خود را تمدید کرده بود و دولت این تمدید را قانونی نمی‌دانست. در همین اوقات در دی‌ماه سپاهیان روس در مشهد و تبریز دو حادثهٔ خونین آفریدند؛ در تبریز ثقة‌الاسلام وشماری از آزادیخواهان را اعدام کردند و در مشهد استان قدس را گلوله‌باران نمودند و در حدود ۵۰۰ نفر از مردم در اطراف صحن و مسجد کنار صحن کشته یا زخمی شدند.

۴۴. ص ۱۴۸، ج ۱، رهبران مشروطه. توضیح «مرنار» پس از لغو قرارداد «مسیونوز» وزیر گمرک در اسفند ۱۲۸۵ (مارس ۱۹۰۸) به سرپرستی گمرک ایران منصوب شده بود. نام «مرنار» در بیشتر مأخذ ایرانی «مُرنارد» ثبت شده است.

۴۵. سازمان جدید ژاندارمری از شهریور ۱۲۹۰ (اوت ۱۹۱۱) زیرنظر «کلنل یالمارسن» و «کلنل فولکه» و «ماژر شولبران» و شمار دیگری از افسران سوئدی که با موافقت دو سفارت استخدام شده بودند در پارک اتابک (محل

←

جنگ جهانی و آثار آن در ایران

در ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ در «صربستان» (یوگسلاوی) جنبشی بر ضد کشور امپراتوری اتریش و مجارستان با تبلیغــات شدید به‌منظور جداسازی بخشی از سرزمینهای مرزی آن امپراتوری در فعالیت بود. در ۲۸ژوئن ۱۹۱۴ «آرشیدوک فرانسیس فردیناند» ولیعهد اتریش و همسرش «آرشیدوشس» به‌وسیلهٔ یک دانشجوی جوان وابسته به جنبش ضد اتریشی در «سارایه‌وو» در بخش استان مرزی «بوسنی» با طرح و اجرای یک توطئه از سوی آن جنبش ترور شدند و موجی از خشم در اتریش برانگیخته شد. دولت اتریش به صربستان اولتیماتوم داد، ولی صربستان به آن اولتیماتوم پاسخ منفی داد. دولت اتریش در ۲۸ ژوئیه[۴۶] به صربستان اعلان جنگ داد و با آغاز این جنگ، در اول اوت جنگ میان آلمان (دوست و هم‌پیمان اتریش) و روسیهٔ تزاری (حامی صربستان) و سوم اوت، میان آلمان و فرانسه و چهارم اوت میان آلمان و انگلیس آغاز گردید و بدین‌گونه جنگ جهانی اول شروع شد.[۴۷] پس از گسترش جنگ به پیشنهاد بسیاری از رجال و تصویب «احمدشاه» که در همان روزهای آغاز جنگ در هفده سالگی تاجگذاری کرده بود، اعلامیهٔ بیطرفی ایران از سوی «مستوفی الممالک» (حسن مستوفی) نخست‌وزیر صادر، و به تمام کشورهای جهان اعلام گردید (دهم آبان ۱۲۹۳) و دورهٔ سوم مجلس شورای ملی هم در چهاردهم آذرماه گشایش یافت.

ایران تا اندازه‌ای قرین آرامش بود و ادامهٔ بیطرفی می‌توانست این نیمهٔ آرامش را تا حدی حفظ کند. منافع روس و انگلیس هم اقتضا می‌کرد ایران در بیطرفی کامل باقی بماند. با ورود دولت عثمانی (همسایه ایران) در جنگ، سپاهیان آن دولت در فراسوی

کنونی سفارت شوروی) آغاز به کار کرد؛ یک آموزشگاه گروهبانی تأسیس نمود و وسایل موزیک نظامی و جنگ‌افزار کافی از اروپا خریداری کرد و بتدریج دو هنگ ژاندارمری در تهران (یوسف‌آباد و باغشاه) و چند هنگ در شیراز و تبریز و قزوین مستقر ساخت و با دراختیار داشتن هفت‌هزار ژاندارم مجهز جای تشکیلات بی‌نظم و بی‌سامان «قره‌سوران» را گرفت و در آن روزگار آشوب‌زده در استقرار امنیت ایران خدمت کرد، با آغاز جنگ جهانی شماری از افسران سوئدی از ایران رفتند و آنان که در ایران ماندند بیشتر افسر ذخیره و احتیاط بودند و به جانبداری از آلمان گرویدند و این گرایش را در سازمان ژاندارمری پدید آوردند و چون حقوقشان به واسطهٔ افلاس خزانهٔ ایران مرتب نمی‌رسید، کمک مالی هم از سفارت آلمان می‌گرفتند و درگیری‌هایی بر ضد مصــالح روس و انگلیس در نقاط مختلف ایران پدید آوردند. از این رو دولت ایران با فشار دو سفارت به خدمت آنان خاتمه داد (۲۱فروردین ۱۲۹۵/آوریل ۱۹۱۶).

۴۶. ۱۵ مرداد ۱۲۹۳

۴۷. صفحه ۱۵ـــ۹ اسناد تاریخی قرن بیستم تألیف «لوییس شنایدر»، ترجمهٔ فروغ پوریاوری و ص ۴۱ ایران در جنگ بزرگ، تألیف احمدعلی سپهر (مورخ‌الدوله)

مرزهای غربی ایران مستقر شدند و در کردستان وارد خاک ایران گردیدند؛ ناامنی در مرزهای شمال غربی ایران گسترش یافت. در چنین وضعیتی دولت روس و انگلیس حضور نظامی خود را در ایران تقویت کردند، سفارت روس به دولت ایران اخطار کرد که اگر ناامنی مرزهای مشترک دو کشور را در آذربایجان سرکوب نکند، دولت روس در آن مرزها ناچار از عملیات نظامی خواهد شد. با اخبار و آثار جنگ و قیامها و درگیری‌های مرزی و محلی تزلزل در تمام ارکان دولت ایران فزونی جست، دولتها زودگذر بودند، هرچند ماه دولتی می‌آمد و دولتی می‌رفت بی‌آنکه قادر به جلوگیری از بحران روزافزونی باشند که کشور را فرا می‌گرفت. اختلاف‌نظر نمایندگان مجلس نیز بر بحران می‌افزود، نمایندگان حزب دموکرات در مجلس طرفدار آلمان بودند، «کاردرف» کاردار سفارت آلمان به پیروی از مصالح سیاسی ــ نظامی کشور خود با شماری از نمایندگان مجلس در تماس بود و می‌کوشید میان نمایندگان وابسته به حزب دموکرات و نمایندگان وابسته به حزب اعتدالیون ائتلافی پدید آورد که در مجلس دارای اکثریت بشوند و آن اکثریت ایران را به جانبداری از آلمان و عثمانی به جنگ بکشاند.[۴۸]

تشتت و اختلافات مسلکی و حزبی در مجلس شورای ملی نیز یکی از عوامل بی‌ثباتی کشور و تزلزل دولتها بود، چنانکه «عین‌الدوله» در اول مرداد ۱۲۹۴ پس از استعفا گفت: «تا مجلس منحل نشود هیچ دولتی نمی‌تواند کار کند.»[۴۹]

با ورود عثمانی در جنگ و نبـــرد نیروی آن دولت با سپاهیان روس در قفقاز، و اهمیتی که دولت انگلیس برای پیشرفت جناح راست خود در «بین‌النهرین» قائل بود و با ملاحظهٔ موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی ایران، دو دولت با گفتگوهای محرمانه در لندن و پترزبورگ، در قرارداد ۱۹۰۷ تغییراتی را ضروری دانستند و در پی چند ماه گفتگو میان «سازانوف» وزیر امور خارجهٔ روسیهٔ تزاری و «سرژرژ بوکانان» وزیرمختار انگلیس در پترزبورگ، در بیستم نوامبر ۱۹۱۵[۵۰] قرارداد تکمیلی میان آن دو امضا شد. در این قرارداد منطقهٔ بیطرف ایران (مندرج در قرارداد ۱۹۰۷) جزو منطقهٔ نفوذ انگلیس درآمد و تهران و اصفهان و یزد جزو منطقهٔ نفوذ روس منظور گردید و روسها در مدت جنگ به انجام عملیات نظامی در شمال و غرب ایران مجاز شدند و نیز دربارهٔ استانبول و بغاز

۴۸. صفحهٔ ۴۷ ایران در جنگ بزرگ

۴۹. صفحهٔ ۳۹۱، ج۲، رهبران مشروطه

۵۰. ۲۷ آبان ۱۲۹۴

داردانل (پس از شکست عثمانی) به روسها امتیازاتی داده شد.[۵۱] دولت روس نسبت به تصرف استانبول و بغازها چندان اهمیت قائل بود که در نوامبر ۱۹۱۶ که شایعهٔ صلح جداگانهٔ روسیه در پترزبورگ پخش گردید، دولت اعلامیه‌ای منتشر کرد و گفت: «پیش از تصرف استانبول و بغازها صلح منعقد نخواهد شد.»[۵۲] در این حال آلمان و عثمانی برآن بودند که روس و انگلیس را در ایران درگیر نمایند تا ناچار شوند از جبهه‌های قفقاز و لهستان و فرانسه بخشی از نیروهای خود را به ایران بیاورند. در آن اوقات آلمان براین بود که در کشورهای اسلامی و افغانستان و بخصوص ایران بر ضد روس و انگلیس انقلابی برانگیزد، به این منظور مأموران عثمانی و بخصوص مأموران سیاسی و مخفی آلمان احساسات ملی و بیشتر مذهبی ایرانیان را تحریک می‌کردند و در برخی نقاط ایران بخصوص در جنوب و غرب نیروی داوطلب تشکیل می‌دادند وجنگ افزارو پول توزیع می‌کردند و برخی از سیاست پیشگان ایران را نیز به سوی خود می‌کشیدند، و«ویلهلم دوم» امپراتور آلمان را حامی اسلام و گاه مسلمان معرفی می‌کردند[۵۳] و احساسات برخی از ایرانیان را نیز از این طریق به جانبداری از آلمان برمی‌انگیختند.

با خاطرات تلخی که ایرانیان از دو قدرت استعماری روس و انگلیس در یکصد سال گذشته داشتند و با تبلیغات و تحریکات و نیز ریخت‌و پاش مأموران آلمان، احساسات آلمان‌دوستی در میان برخی از آزادیخواهان و روشنفکران و شماری از نمایندگان و نیز گروههای حزبی و عشایر جنوب بخصوص قشقایی‌ها و تنگستانی‌ها و بیشتر فرماندهان و افراد ژاندارمری اوج گرفت.[۵۴] بسیاری از اینان بجز احساسات و برداشتهای شخصی، براین باور نیز بودند که باید از این فرصت تاریخی با بهره‌مندی از نفوذ و قدرت آلمان کشور را از زیرسلطهٔ دیرینهٔ روس و انگلیس برهانند.

قرارداد محرمانهٔ ایران و آلمان

پس از استعفای «عین‌الدوله» بار دیگر «مستوفی‌الممالک» زمامدار شد

۵۱. صفحهٔ ۶۸ یادداشتهای سرژرژ بوکانان، ترجمهٔ رضا فهیمی؛ و ص۷۱ جنگ جهانی در ایران، نوشتهٔ «سرکلارمونت اسکرین»، ترجمهٔ غلامحسین صالحیار

۵۲. صفحهٔ ۱۳۶ تاریخ روسیه، نوشتهٔ «پیر پاسکال»، ترجمهٔ گودرز

۵۳. نامهٔ ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ «پرنس رونس» وزیرمختار آلمان به«صولت‌الدوله قشقایی» ص۵۰۸ ایران در جنگ بزرگ، ص۱۶۵ ج ۲، رهبران مشروطه و صفحهٔ ۶۳۲، ج ۲، تاریخ ایران‌نوشتهٔ «سایکس»، ترجمهٔ فخرداعی گیلانی

۵۴. روزنامهٔ عصر جدید، یکم فروردین ۱۲۹۴

(۲۵ـ مرداد ۱۲۹۴). «مستوفی» با آنکه در زمامداری نخست خود بیطرفی ایران را اعلان کرده و حفظ روابط دوستی با همسایهٔ شمالی و جنوبی را لازم می‌دانست، این‌بار در عمل سیاست آلمان را ترویج می‌کرد. شاید او هم می‌اندیشید که از این طریق می‌توان از فشار قرارداد ۱۹۰۷ راه گریزی جست؛ در چنین فضایی طرفداران سیاست آلمان و عثمانی فعالیت خود را شدت بخشیدند.[۵۵]

تمایلات آلمان‌دوستی که با تبلیغات و تحریکاتی همراه می‌شد، گاه به درگیری‌های خشن و خونین می‌انجامید، چنانکه در همدان چریکهای طرفدار آلمان کنسولگری روس و انگلیس و بانک انگلیس را تصرف کرده، نقدینه و اموالشان را ربودند؛ در اصفهان کنسول انگلیس را زخمی کرده و مستحفظ هندی او را کشتند؛ در شیراز کنسول و رئیس بانک و رئیس تلگراف انگلیس با چند خانم و چند انگلیسي دیگر را دستگیر کرده به بوشهر تبعید نمودند و اموالشان را نیز ربودند و «غلامعلی‌خان» نایب کنسولگری انگلیس را در شیراز کشتند؛ انگلیسی‌های مقیم بوشهر را دستگیر کرده بازداشت نمودند؛ در کرمانشاه و اصفهان و یزد خزانهٔ بانک شاهنشاهی را غارت کردند؛ در بوشهر در حملهٔ تنگستانی‌ها دو افسر انگلیسی کشته شدند و تلفاتی هم بر سربازان هندی ورزمجویان تنگستانی وارد آمد و همین رویداد نیروی انگلیس را به اشغال نظامی بوشهر و برافراشتن پرچم انگلیس در آن شهر واداشت.[۵۶]

«سرادواردگری» وزیر امور خارجهٔ انگلستان در دوم سپتامبر ۱۹۱۵ در مجلس عوام در لندن گفت:

آلمانی‌ها می‌خواهند ایران را به سود خود وارد جنگ کنند.[۵۷] در شرایطی این چنین، مدت دوماه دیدارها و گفتگوهای محرمانه و جدی میان «پرنس‌رویس» وزیرمختار و «کاردرف» کاردار سفارت آلمان با مستوفی‌الممالک (حسن مستوفی) نخست‌وزیر و «محتشم‌السلطنه» (حسن اسفندیاری) وزیر امور خارجه انجام می‌شد و سرانجام این دیدارها و گفتگوها به تنظیم و امضای یک قرارداد محرمانهٔ نظامی منتهی گردید (۱۷ آبان ۱۲۹۴/ دهم نوامبر ۱۹۱۵).[۵۸]

۵۵. روزنامهٔ عصر جدید، یکم فروردین ۱۲۹۴

۵۶. صفحهٔ ۲۰۳ ایران در جنگ بزرگ، ص ۲۰ جنگ جهانی در ایران، ص۴۲ دلیران تنگستانی، نوشتهٔ «رکن‌زاده آدمیت» و صص ۶۲۴ تا ۶۳۲ (جلد دوم) تاریخ ایران

۵۷. روزنامهٔ دیلی میل، سوم سپتامبر ۱۹۱۵

۵۸. هنگامی‌که گفتگوی عقد قرارداد جسته‌وگریخته در برخی از محافل سیاسی تهران شنیده می‌شد دوستان

←

متن قرارداد محرمانهٔ «مستوفی ــ رویس» در هیچ یک از مآخذ و کتابهای تاریخ اخیر ایران دیده نشده است. نخستین بار نشریهٔ انجمن تاریخ این متن را با ترجمه از کتاب آلمانی ایران و سیاست خاورمیانه (صفحات ۲۳۸ تا ۲۴۳) چاپ اشتوتکارت، تألیف «اولریخ گرک» تاریخ نگار آلمانی، در اول مرداد ۱۳۴۹ منتشر ساخت و اینک متن «قرارداد مستوفی ــ رویس»

با استناد به مادهٔ هجدهم قرارداد دوستی و تجارتی و کشتیرانی که بین ایران و آلمان در یازدهم ژوئن ۱۸۷۳ در «سن پترزبورگ» به امضا رسیده است، دولت ایران احساس دوستی و اعتماد خود را که همیشه نسبت به دولت آلمان ابراز داشته تجدید می کند و دولت آلمان علاقه و دوستی خود را نسبت به دولت ایران که یک قدرت بزرگ اسلامی است اظهار داشته، استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را تضمین نموده، چه پیش از جنگ و چه پس از جنگ خواهان بسط امور بازرگانی و اقتصادی و کشاورزی با ایران می باشد و هر دو دولت مایل اند که مناسبات دوستی آنها بر مبنای قرارداد اتحادی که ضامن مناسبات دوستانهٔ دو دولت باشد برقرار گردد. به این منظور قرارداد زیر بین «مستوفی الممالک» نخست وزیر و «محتشم السلطنه» (حسن اسفندیاری) وزیر امور خارجهٔ ایران به نمایندگی دولت ایران و «پرنس هانری رویس» وزیرمختار آلمان به نام دولت امپراتوری آلمان منعقد و در موارد زیر موافقت می شود.

مادهٔ اول

الف) یک قرارداد قطعی به مدت بیست سال خورشیدی میان ایران و آلمان بسته می شود. بعد از گذشتن مدت هم، قرارداد به قوت خود باقی است تا زمانی که یکی از دو طرف فسخ آن را اعلام دارد و اگر در این مدّت دولت روس یا دولت انگلیس به یکی از دو طرف قرارداد حمله کنند، طرف دیگر قرارداد باید فوری ارتش خود را برای دفاع از متحد خویش آماده نماید و برای عقب راندن دشمن کمکهای نظامی و مالی به او بدهد و در این مورد طرفین با مشورت و توافق یکدیگر اقدام خواهند کرد و در مورد حملهٔ مستقیم روس و انگلیس یا یکی از دو قدرت، دولت امپراتوری آلمان متعهد است با تمام امکانات خود به ایران کمک کند، مخصوصاً در رساندن اسلحه و مایحتاج نظامی و متعهد می شود تعداد یکصد هزار تفنگ و تعداد کلی فشنگ و توپ و مسلسل سنگین در اختیار دولت ایران بگذارد و یک عده افسر برای آموزش نظامی به ایران بفرستد و در

⟶

«مستوفی» در این باره از او سئوال می کردند؛ ولی او با اظهار شگفتی چنین موضوعی را تکذیب می کرد و آن شایعه را در شمار اراجیف می دانست (صفحه ۲۳۱ ایران در جنگ بزرگ)

صورت طولانی‌شدن جنگ باید تلفات ایران را جبران کند و قوا و اسلحه و آذوقه به ایران بدهد و صیانت ایران را در برابر روس و انگلیس تضمین کند و در صورت پیروزی در جنگ، ایران را در ثمرات پیروزی شرکت دهد و دولت آلمان اعلام می‌کند خود با متفقینش قصد اشغال یا الحاق تمامی یا قسمتی از خاک ایران را ندارند و تعهد می‌کند هنگام مذاکرات صلح تمام نکات و جوانب را برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران رعایت کند و در کنفرانسهای صلح از حقوق ایران دفاع نماید.

ب) دولت ایران متعهد می‌شود که به اتحادیهٔ یکی از قدرتهای خارجی که بر ضد آلمان یا یکی از متفقین آلمان صف‌آرایی کرده‌اند ملحق نشود و برای آنکه دولت ایران سریعاً حملات خود را بر ضد دشمنان آغاز کند هرچه زودتر به تشکیل ارتش یکصد هزار نفری مبادرت خواهد کرد. وظیفهٔ سازمان‌دادن این ارتش به افسران آلمانی سپرده خواهد شد و فرماندهی کل با اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران خواهد بود.

مادهٔ دوم

الف) امپراتوری آلمان کمکهای زیر را نسبت به دولت ایران تعهد می‌کند:

۱. پرداخت مبلغ لازم و کافی از تاریخ امضای قرارداد تا پایان عملیات جنگی ماه به‌ماه برای کمک به بودجهٔ نظامی ایران.

۲. علاوه‌بر مبلغ ماهیانه، یک کرور (پانصد هزار تومان) برای کمک به هزینه‌های کشور در اختیار دولت ایران گذارده می‌شود.

ب) مبالغ بالا به‌عنوان مساعدهٔ یک وام بزرگ که در برلین مورد موافقت واقع شده پرداخت خواهد شد و پس از پایان جنگ نیز مبالغ لازم برای اصلاح امور مالی و ایجاد سازمان نوین و منظم داده خواهد شد و در هر حال کمتر از میزان قراردادهای میان عثمانی و آلمان نخواهد بود.

ج) دولت امپراتوری آلمان متعهد می‌شود هنگام مذاکرات صلح موافقت دولت ایران را جلب کند و ایران را بکلی از تعهدات مالی روس و انگلیس (وامها و مساعده‌ها) آسوده سازد.

د) دولت آلمان تعهد می‌کند به همان مقیاسی که دیگر متفقینش هنگام قرارداد صلح از به‌دست‌آوردن غرامت و جبران تلفات و خسارات جنگ بهره‌مند می‌شوند، دولت ایران را نیز بهره‌مند سازد.

مادهٔ سوم

استهلاک تدریجی وامها و مساعده‌ها و وام بزرگ ایران از محل درآمدهای

گمرکی ایران تضمین خواهد شد و در صورت لزوم یک تضمین‌نامه شامل افزایش تعرفهٔ کنونی گمرکی تنظیم خواهد گردید.

مادهٔ سوم قرارداد تجارتی منعقد در ترکمانچای میان ایران و روس، مورخ دهم و بیست‌ودوم فوریهٔ ۱۸۲۸ (اصلاح‌شده توسط مادهٔ سوم تعرفهٔ گمرکی ۲۷اکتبر ۱۹۰۱) و همچنین قرارداد گمرکی بین ایران و بریتانیای کبیر امضا شده در تهران، مورخ نهم فوریهٔ ۱۹۰۳، مانند همهٔ قراردادهایی که در اثر ترس و فشار با دشمن بسته‌شده باطل و بی‌اعتبار است و دولت ایران مطابق مادهٔ اول این قرارداد در انعقاد عهدنامه‌های تجارتی و صنعتی با دولتهای دیگر که دادو ستد بین‌المللی دارند آزاد و مختار است و دولت ایران تعهد می‌کند تا انعقاد یک عهدنامهٔ جدید در روابط اقتصادی با آلمان مطابق مواد زیر عمل کند

مادهٔ چهارم

برای تسهیل امر وام، دولت ایران اجازه می‌دهد یک بانک آلمانی که توسط دولت آلمان تشکیل خواهد شد (به نام بانک شاهنشاهی) در تهران و تمام شهرهای ایران شروع به کار نماید و به همه نوع کارهای مالی و بازرگانی بپردازد؛ دولت ایران از بانک مزبور پشتیبانی لازم را خواهد نمود. حدود وظایف این بانک طوری است که در این ماده و در مادهٔ پنجم پیش‌بینی شده است.

مادهٔ پنجم

الف) بانک حق صدور اسناد بانکی را دارا خواهد بود و دولت آلمان پرداخت اسناد بانک را ضمانت می‌کند.

ب) بانک موظف است در مدت شش ماه از آغاز گشایش شعب خود در ایران اسناد بانک کنونی شاهنشاهی ایران را قبول و مبادله کند و این تصمیم توسط مطبوعات و وسایل دیگر به‌اطلاع عموم خواهد رسید و دولت ایران مکلف است مستغلات و ذخایر بانک شاهنشاهی را ضبط کند.

ارزش کلی اسناد بانک شاهنشاهی پس از احتساب بهای مستغلات و ذخایری که در بالا ذکر شد تعیین می‌گردد و آلمان متعهد می‌شود هنگام مذاکرات صلح و برای جبران وام ایران، این مبلغ را به سود ایران از دولت انگلیس استرداد کند.

مادهٔ ششم

دولت ایران موافقت می‌کند که بانک آلمان حق ساختمان و بهره‌برداری یک راه‌آهن به عرض معمولی ۱/۴۴ متر از خانقین تا تهران را دارد. چگونگی امتیاز ساختمان

و بهره‌برداری با موافقت دولتین تعیین خواهد شد.

مادهٔ هفتم

در مورد استکشاف و استخراج معادن، دولت ایران هزینهٔ لازم را که به مصرف می‌رسد به بانک مسترد خواهد داشت و پس از مسترد داشتن هزینهٔ بانک، دولت ایران می‌تواند امتیاز را به دیگری واگذار کند اما بانک با شرایط مساوی برای پنج سال حق تقدم دارد.

مادهٔ هشتم

دولت ایران متعهد می‌شود که یک ادارهٔ تلگراف بی‌سیم با فوریت با کمک کارشناسان آلمانی ایجاد کند و برای آموزش تلگراف بی‌سیم، تلگرافچی آلمانی استخدام نماید. هزینهٔ ایجاد و برقراری تلگراف بی‌سیم از محل وام بزرگ که قرارداد آن در برلن منعقد شده تأمین خواهد شد.

مادهٔ نهم

سازمان حمل‌و نقل آلمان حق تأسیس دفترهای ارسال کالا و حمل‌و نقل را با وسایل حمل‌و نقلی که از پیش موجود بوده، دارا خواهد بود.

مادهٔ دهم

دولت ایران تمام عهدنامه‌ها و قراردادهای منعقده با دشمنان مربوط به امور سرحدی و قرارداد ۱۹۰۷ میان بریتانیای کبیر و روسیه و اولتیماتوم هفتم ذیحجهٔ ۱۳۲۹ دولت روس و اخطار ۲۹صفر ۱۳۳۰ و قرارداد منعقد بین ایران و فرانسه در مورد حقوق دائمی و حفر کاوشهای علمی را بیهوده و بی‌اثر می‌داند.

مادهٔ یازدهم

دولت ایران پیش از رسیدن پنجاه هزار تفنگ به مرز کشور موظف به عملیات نظامی برضد دشمن نخواهد بود. هرگاه میان آلمان با دشمنان یا یکی از آنها پیش از آغاز عملیات نظامی ایران، صلح پیش بیاید، آلمان تعهدات خود را نسبت به ایران طبق مادهٔ اول انجام خواهد داد. حتی در این مورد هنگام مذاکرهٔ صلح تمام اقدامات لازم را برای دفاع و تضمین استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران به‌عمل خواهد آورد.

مادهٔ دوازدهم

این عهدنامه تا پایان جنگ اروپا بکلی محرمانه خواهد بود. این عهدنامه توسط «مستوفی‌الممالک» رئیس‌الوزراء و «محتشم‌السلطنه» وزیر امور خارجه و توسط «پرنس رویس» وزیرمختار آلمان با تصویب «اعلیحضرت سلطان احمدشاه» امضا شد و

در دو نسخه مبادله گردید، دهم نوامبر ۱۹۱۵/اول محرم ۱۳۳۴.[۵۹]

گفتگوی قرارداد محرمانه بود ولی مقامهای وزارت امور خارجهٔ روس و انگلیس باتوجه به نفوذ و فعالیت مأموران آلمانی در ایران و منابع محرمانهٔ کسب خبر که در تهران داشتند، چنین قراردادی را احتمال می‌دادند، چنانکه «سازانوف» وزیر خارجهٔ روسیه از وزیرمختار ایران در پترزبورگ (میرزا اسحاق‌خان مفخم‌الدوله) در این‌باره سئوال کرد و در مجلس عوام انگلیس هم وزیر خارجهٔ آن کشور (سرادواردگری) از سوی نمایندگان دربارهٔ چنین قراردادی مورد سئوال قرار گرفت.[۶۰]

تصمیم به تغییر پایتخت و سقوط دولت «مستوفی»

در همان روزهایی که قرارداد محرمانهٔ ایران و آلمان امضا می‌شد، روس و انگلیس برای جلوگیری از خطر احتمالی در ایران، تصمیم گرفتند پایتخت را تهدید و یا اشغال کنند و به‌همین منظور نیروی روس از انزلی به سوی قزوین رهسپار شد و تا کرج پیش آمد. اشغال تهران به‌وسیلهٔ سپاهیان روس، هم برای دولت ایران و هم برای مأموران سیاسی آلمان و اتریش و عثمانی خالی از خطر نبود.

«مستوفی» با برخی از رجال و نزدیکان خویش و نیز با «پرنس رویس» وزیرمختار آلمان مشورت کرد و با این مشورتها تصمیم گرفت پایتخت را به اصفهان منتقل کند.[۶۱] در انجام این تصمیم او چند بار با «احمدشاه» دیدار کرد و او را از خطر ورود سپاهیان روس به تهران بیم داد و «شاه» را با انتقال پایتخت به اصفهان همراه نمود و در نتیجه قرار شد موجبات حرکت شاه روز ۲۲آبان ۱۲۹۴ (هفتم محرم ۱۳۳۴) فراهم شود.

«مستوفی» نمایندگان مجلس را هم تشویق به مسافرت اصفهان کرد و به وزیرمختار اتریش هم گفت: «دولت ایران نمی‌تواند امنیت سفارت آلمان و اتریش و عثمانی را تضمین کند.»[۶۲]

پیش از همه، رؤسای حزب دموکرات و نمایندگان وابسته به آن حزب روانهٔ قم

۵۹. صفحهٔ ۲۳۸ تا ۲۴۳ ایران و سیاست خاورمیانه نوشتهٔ «اولریخ گرک» نقل از شمارهٔ ۱، مرداد ۱۳۴۹، نشریهٔ فصلی انجمن تاریخ، که زیر نظر «ابراهیم صفائی» منتشر می‌شد.

۶۰. روزنامهٔ دیلی میل، ۳ نوامبر ۱۹۱۵

۶۱. صفحهٔ ۱۷۲، ج ۲، رهبران مشروطه

۶۲. صفحهٔ ۲۳۹ ایران در جنگ بزرگ

شدند؛ وزیر مختار و کاردار و چند عضو سفارت آلمان نیز روانه قم شدند و تنها «زومر» مسئول دفتر سفارت در محل سفارت، در تهران باقی‌ماند. وزیر مختار اتریش و سفیر عثمانی با شماری از دیپلماتهای آن دو سفارتخانه نیز بامداد روز ۲۲آبان تهران را به سوی شهر ری ترک گفتند، در حالی که در همان بامداد افسران و افراد ژاندارمری هم از پادگان باغشاه و یوسف‌آباد رهسپار شهر ری شده بودند.[۶۳]

نمایندگان مجلس و نمایندگان سیاسی و نیروی ژاندارمری و بسیاری از کوچندگان در شهر ری و قم منتظـــر ورود احمـــدشاه بودند که به دنبال او رهسپار اصفهان شوند، دولت هم آمادهٔ حرکت بود و «سلیمانخان میکده» کفیل وزارت کشور هم به قم رفته بود.

در حالی که تمام موجبات انتقال پایتخت به اصفهان آماده شده و «احمدشاه» هم عازم حرکت بود، «چارلز مارلینگ» وزیرمختار انگلیس و «فن اتتر» وزیرمختار روس در همان بامداد بیست‌ودوم آبان در کاخ فرح‌آباد به ملاقات «احمدشاه» شتافتند و به او اخطار کردند که در صورت ترک پایتخت، تهران اشغال نظامی خواهد شد و تاج و تخت او در خطر خواهد بود و نیز اطمینان دادند که در صورت حضور شاه در تهران سپاهیان روس از «کرج» به «ینگ‌امام» و سپس به قزوین عقب خواهند نشست. «فرمانفرما» هم در بامداد همان روز شتابزده به دیدار شاه رفت و او را هشدار داد و با نصیحت و دلیل و برهان، از رفتن به اصفهان منع نمود.[۶۴] «ریمن لکنت» وزیرمختار فرانسه هم برای انصراف شاه کوشید.[۶۵] «شاه»، «کامران میرزا» و «عین‌الدوله» و سپهسالار تنکابنی و صمصام‌السلطنهٔ بختیاری را به دربار فرا خواند، آنان با «فرمانفرما» به مصلحت‌اندیشی و مشورت پرداختند. نظریهٔ فرمانفرما را تأیید کردند و شاه را از مسافرت به اصفهان و تغییر پایتخت منصرف نمودند. با انصراف شاه از مسافرت و تغییر پایتخت، خطر ورود سپاهیان روس از تهران دور شد ولی کوچندگان سرگردان شدند. بسیاری از کوچندگان و دیپلماتهای عثمانی و اتریش و نیروی ژاندارم که در شهر ری منتظر شاه بودند به تهران بازگشتند؛ در قم دموکراتها با کمک «شونمان» کنسول پیشین آلمان در کرمانشاه و با صواب‌دید «پرنس رویس» وزیرمختار آلمان «کمیتهٔ دفاع ملی»

۶۳. همانجا

۶۴. صفحهٔ ۶۲۹، ج ۲، تاریخ ایران

۶۵. صفحهٔ ۱۷۲، ج ۲، رهبران مشروطه

تشکیل دادند.[۶۶] با این ترتیب دولت دچار سرگردانی شد، به خواهش «مستوفی» رئیس مجلس (مؤتمن‌الملک پیرنیا) و وزیر امور خارجه (اسفندیاری) به نمایندگان چند نامه نوشتند و خواهش کردند به تهران باز گردند (ششم آذر ۱۲۹۴) ولی بیشتر نمایندگان باز نگشتند. وزیر امور خارجه ضمن یک تلگراف از «پرنس رویس» وزیرمختار آلمان نیز خواهش بازگشت به تهران را نمـــود ولی او نپذیرفت و چون قم از طریق ساوه به‌وسیلهٔ سپاهیان روس تهدید می‌شد، «پرنس رویس» روز ششم آذر با همراهان به قصد کرمانشاه از قم رهسپار اراک شد و اعضای کمیتهٔ دفاع ملی هم که در قم با کمک «کنت کاینتز» آلمانی یک نیروی ملی کوچک تشکیل داده بودند با نزدیک‌شدن سپاهیان روس به قم پراکنده شده، راه اصفهان و کاشان و اراک و بروجرد را پیش گرفتند.[۶۷]

در چنین آشفته اوضاعی «مستوفی» ناچار مستعفی شد و «فرمانفرما» (عبدالحسین میرزا) جای او را گرفت (اول دی ۱۲۹۴) فرمانفرما برای ایجاد امنیت و مقابله با نیروی عثمانی که بخصوص در غرب ایران حضور داشت، از دولت روس و انگلیس تقاضای کمک مالی و تسلیحاتی کرد[۶۸] ولی او هم پس از دوماه و چند روز کنار رفت و در پانزدهم اسفند سپهدار تنکابنی (محمدولی‌خان خلعتبری) به نخست‌وزیری منصوب شد. در این سالها انتخاب نخست‌وزیران با جلب‌نظر دو سفارت روس و انگلیس بود.[۶۹]

تشکیل کمیسیون مختلط و پلیس جنوب

از آغاز حکومت فرمانفرما، دولت انگلیس و روس به تقاضای دولت ایران موافقت کردند که برای وصول اقساط بدهی‌های ایران به دو دولت یادشده به این کشور مهلت بدهند و از محل درآمد گمرک که در وثیقهٔ آنها بود ماهی سی‌هزار لیره به ایران بپردازند،

۶۶. همان صفحهٔ ۴۲۶، ج ۱.

۶۷. این مهاجرت با اتحاد گروهی از دموکراتها و اعتدالیون و ملیون و روحانیون و خانهای محلی غرب و افسران ژاندارمری و با کمک مالی وزیرمختار آلمان به برپایی «حکومت موقتی» به ریاست «رضاقلیخان نظام‌السلطنه» در کرمانشاه منجر شد (دی‌ماه ۱۲۹۴). این حکومت مدتی کوتاه نیز در قصر شیرین تمرکز جست و بار دیگر در کرمانشاه مستقر گردید و سرانجام پس از سقوط بغداد به‌وسیلهٔ نیروی انگلیس و پیشروی سپاهیان روس در غرب ایران و شکست و عقب‌نشینی قوای عثمانی، پس از یک‌سال از هم پاشید و سران حکومت همراه سپاهیان عثمانی به کرکوک و موصل و سپس به استانبول رفتند.

۶۸. پوشهٔ ۲۶، جزوه‌دان ۱۳ (سال ۱۳۳۴ق.) اسناد وزارت امور خارجه

۶۹. صفحات ۳۳۵، ۳۳۹ و ۳۴۵ سپهسالار تنکابنی (چاپ انتشارات نوین)

مشروط بر اینکه مصرف این پول زیر نظر یک کمیسیون مختلط باشد، با کناره‌گیری فرمانفرما دو سفارت طرح کمیسیون مختلط را به سپهدار تنکابنی پیشنهاد کردند؛ این پیشنهاد در هیئت دولت تصویب شد و سپهدار تنکابنی تصویب طرح کمیسیون مختلط را به دو سفارت اطلاع داد و تقاضای کمکهای مالی و تسلیحاتی کرد. «مارلینگ» و «فن اتتر» وزیرمختار انگلیس و روس از او تشکر کردند (۱۸ فروردین ۱۲۹۵)[۷۰] و پس از کسب تکلیف از لندن و پترزبورگ اعلام نمودند که دولت متبوع آنها برای تسهیل وظایف کمیسیون مختلط تا پایان جنگ اروپا هر ماه مشترکاًدویست‌هزار تومان به ایران مساعده خواهد داد.[۷۱] برای شرکت در کمیسیون مختلط (معروف‌به‌کمیسیون میکس) از سوی سپهدار، سردار معظم خراسانی (عبدالحسین تیمورتاش) و حاج‌محسن‌خان امین‌الدوله (محسن امینی) انتخاب شدند. از سوی سفارت انگلیس «شارل هوسن» (و بعد «ماکلین») و از سوی سفارت روس «ماکدانل» برای شرکت در کمیسیون مختلط معرفی گردیدند. «هنسنس» مستشار بلژیکی و رئیس کل خزانه‌داری ایران به ریاست کمیسیون برگزیده شد و کمیسیون نخستین جلسهٔ خود را با حضور نامبردگان روز سوم اردیبهشت در وزارت دارایی تشکیل داد و برای تعیین حدود اختیارات کمیسیون مختلط آیین‌نامه‌ای مشتمل‌بر این مواد تصویب گردید:

۱. رسیدگی و تصویب کلیهٔ هزینه‌های کشور
۲. تنظیم بودجهٔ کل و تعیین مصارف آن
۳. مطالعه در وضع مالیاتهای جدید
۴. تسویهٔ وامهای دولت ایران
۵. بازرسی و نظارت در کلیهٔ منابع درآمد کشور
۶. تجدیدنظر در عزل و نصب مأموران وزارت دارایی

و در پایان مواد بالا این توضیحات نیز افزوده شد:

۷۰. پوشهٔ ۱۶، جزوه‌دان ۲۶، اسناد وزارت امور خارجه/ ۱۲۹۵. وزیران تصویب کنندهٔ طرح کمیسیون مختلط: سپهدار تنکابنی (محمدولی خلعتبری) نخست‌وزیر و وزیر کشور؛ سردار منصور (فتح‌الله اکبر) وزیر پست‌و تلگراف؛ ممتازالملک، وزیر علوم؛ علاءالملک (میرزامحمودخان طباطبائی)، وزیر دادگستری؛ صارم‌الدوله (اکبر مسعود)، وزیر امور خارجه؛ سردار کبیر (جمشید خلعتبری= برادر سپهدار)، وزیر جنگ؛ مشیراعظم (میرزا احمدخان اتابکی)، وزیر فواید عامه؛ یمین‌الملک (وزیر دارایی).

۷۱. پوشهٔ ۱۶، جزوه‌دان ۲۶، اسناد سال ۱۲۹۵ وزارت امور خارجه

۱. تصمیمات کمیسیون براساس رأی اکثریت اتخاذ خواهد شد.

۲. در صورت بروز پاره‌ای مشکلات در جریان کار کمیسیون دولت ایران باید با توافق دو دولت روس و انگلیس به تعدیل ترکیب کمیسیون اقدام نماید.[۷۲]

این آیین‌نامه در جلسهٔ چهاردهم اردیبهشت هیئت دولت نیز تصویب شد و از آن پس کمیسیون مختلط کار خود را بر آن اساس انجام می‌داد.

روز ۲۸ تیرماه «مارلینگ» و «اتتر» وزیرمختار انگلیس و روس برای اصلاح امور مالی و نظامی ایران طرح مشترکی به سپهدار نخست‌وزیر تقدیم داشتند. در این طرح دو وزیرمختار برای اصلاح امور مالی ایران گسترش اختیارات کمیسیون مختلط را خواستار شدند و برای استقرار امنیت و نظم، تشکیل یک نیروی یازده‌هزار نفری را زیرنظر و فرمان افسران انگلیسی در جنوب و یک نیروی یازده‌هزار نفری را به‌عنوان شعبهٔ بریگاد قزاق زیرنظر افسران روسی در شمال پیشنهاد کردند و تمام هزینهٔ این دو نیرو را نیز برعهده گرفتند. سپهدار این پیشنهاد را نیز در هیئت وزیران مطرح کرد و به تصویب رساند، سپس در چهاردهم مرداد موافقت دولت ایران با پیشنهاد یادشده طی نامهٔ ۳۳۲۹ به وزیرمختار روس و انگلیس، با تشکرات صادقانه از حسن نیت دو دولت اعلام و لزوم تشکیل یک سازمان انتظامی را در تهران با ماهی بیست‌هزار تومان بودجه نیز عنوان کرد، و در پایان نامه هم متذکر شد: این پیشنهادها در هنگام گشایش مجلس شورای ملی و سنا به تصویب و تصدیق خواهد رسید.[۷۳]

پس از انتشار خبر توافق در این پیشنهادها روزنامهٔ منچستر گاردین چاپ لندن نوشت:

> «اختلافی که قرارداد جدید روس و انگلیس با ایران با معاهدهٔ ۱۹۰۷ روس و انگلیس دارد این است که، این دفعه دولت ایران موضوع قرارداد نبوده بلکه خود در داخل قرارداد طرف معاهده است.»[۷۴]

در پاره‌ای از محافل و مطبوعات آزادیخواه نیز نسبت‌به این توافق واکنش اعتراض‌آمیز نشان داده شد؛ سپهدار در پاسخ به آن اعتراضها نوشت:

> «روس و انگلیس پروژهٔ تازه به ما دادند که برای قشون ایران در شمال و جنوب

۷۲. پوشهٔ ۱۶، جزوه‌دان ۲۶، اسناد سال ۱۲۹۵ وزارت امور خارجه

۷۳. پوشهٔ ۱۶، جزوه‌دان ۲۶، اسناد ۱۲۹۵ وزارت امور خارجه

۷۴. منچستر گاردین (۸ سپتامبر ۱۹۱۶)

بیست‌ودو هزار قشون با صاحب‌منصب آنها بگیریم؛ یعنی تمام لوازم و پول را تا پایان جنگ بدهند، کمیسیون مختلط را هم که حالا منعقد است وسعت دهیم... برای آبادی و امنیت و انتظام و آسایش عموم بهتر از این موقع نمی‌شود. اگرچه برخی نادانان و نفهم‌ها برخی حرفها می‌زنند ولی نمی‌فهمند و نمی‌دانند غیر از این ترتیب چاره‌ای نیست.»[۷۵]

در همین روزها نیروی عثمانی همدان را تصرف کرد و نیروی روس را عقب راند و به سوی آوج و قزوین پیش می‌آمد و در حالی که سفرای متفقین با احتمال هجوم نیروی عثمانی و سقوط تهران درصدد آن بودند که پایتخت را به قصد مازندران ترک کنند و بلکه شاه و دربار را هم به مازندران ببرند،[۷۶] و نیروی عثمانی در مرز مهاباد هم به پیشروی پرداخته بود. احمدشاه «اتتر» وزیرمختار روس را فرا خواند و برای برکناری سپهدار با او گفتگو کرد و صریحاً گفت من با این دولت نمی‌توانم کار کنم و دولت باید عوض شود.[۷۷] روز ۲۱ مرداد دولت سپهدار کنار رفت و از سوی شاه با مشورت دو سفارت روس و انگلیس، «وثوق الدوله» (حسن وثوق) به زمامداری برگزیده شد و برای بررسی مقابله با پیشرفت قوای عثمانی در کاخ صاحبقرانیه مجلسی از رجال با حضور وثوق الدوله برپا گردید؛ این مجلس خطر سقوط تهران را رد کرد و وثوق الدوله به سفرای متفقین اطمینان داد که خطری متوجه پایتخت نخواهد شد.[۷۸] از آن پس دو سفارت روز اول شهریور ۱۲۹۵ به وثوق نامه نوشتند و موافقت سپهدار را با کار کمیسیون مختلط و تشکیل نیروی نظامی خود را به اطلاع او رساندند.[۷۹] وثوق الدوله در پاسخ نامهٔ دو سفارت از نامهٔ سپهدار اظهار بی‌خبری کرد (ظاهراً سپهدار پیشینهٔ کار را در جای محفوظی ضبط کرده بود). چند روز دیگر دو سفارت رونوشت موافقتنامهٔ سپهدار را برای وثوق الدوله فرستادند. وثوق الدوله با تشکیل نیروی نظامی مخالفت نکرد ولی با ادامهٔ کار کمیسیون مختلط موافق نبود[۸۰]، اما دو سفارت هیچ‌گونه تغییر را در کار کمیسیون مختلط نپذیرفتند؛ و برای مصالح سیاسی و امنیت بازرگانی خود و اتباع خود، حضور قوای نظامی را در مناطق

۷۵. صفحهٔ ۳۴۲ سپهسالار تنکابنی
۷۶. پوشهٔ ۱۱، جزوه‌دان ۱۳ (سال ۱۲۹۵) اسناد وزارت امور خارجه
۷۷. صفحهٔ ۳۴۳ سپهسالار تنکابنی؛ و ص ۲۶، ج ۱، تاریخ احزاب سیاسی، نوشتهٔ ملک‌الشعرای بهار
۷۸. صفحهٔ ۲۶، ج ۱، تاریخ احزاب سیاسی
۷۹. پوشهٔ ۱۶، جزوه‌دان ۲۶ (سال ۱۲۹۵) اسناد وزارت امور خارجه
۸۰. صفحهٔ ۱۵۷ نامه‌های تاریخی، از ابراهیم صفائی

نفوذ خویش گسترش دادند. روس از باکو سپاهیان جدید به انزلی و رشت و قزوین گسیل داشت و نیرویی از جلفا به آذربایجان روانه ساخت و سپاهیان روس در گرگان و مازندران و همدان حضور یافتند. دولت انگلیس هم بر پایهٔ پیشنهاد قبلی دو دولت و موافقت سپهدار به‌وسیلهٔ «ژنرال سایکس» در استانهای جنوبی و بنادر جنوب نیروی چندین‌هزار نفری از داوطلبان محلی زیرنظر و تعلیم افسران انگلیسی و هندی با همکاری شماری از افسران جزء ایرانی به‌نام «تفنگداران جنوب» تشکیل داد، که مرکز آن در شیراز و شاخهٔ آن در اصفهان و کرمان و یزد و بندرعباس حضور فعال پیدا کرد. در شیراز «فرمانفرما» استاندار فارس برای تثبیت «تفنگداران جنوب» به «ژنرال سایکس» کمک کرد. ژاندارمری فارس هم به «تفنگداران جنوب» پیوست، این نیرو امنیت منطقهٔ جنوب را برعهده گرفت و وثوق‌الدوله آن را به رسمیت شناخت (فروردین ۱۲۹۶) و به «پلیس جنوب» تغییر نام یافت.[۸۱] انگلیس در مشهد نیز نیرویی مستقر ساخت و نیروی دیگر با کشتی از هندوستان برای حفاظت پالایشگاه نفت آبادان در آنجا پیاده کرد و به‌همین منظور «فاو» و «بصره» را هم تصرف کرد و در نزدیکی اهواز یک نیروی ۱۲ هزار نفری پیادهٔ هندی زیر فرمان افسران انگلیسی برای حفظ لوله‌های نفت مستقر گردانید. در همان اوقات نیروی عثمانی تا چهل کیلومتری اهواز پیش آمد ولی سپاهیان انگلیس آنان را با یک حمله و نبرد از خوزستان بیرون راندند.[۸۲] دو دولت روس و انگلیس تمام این اقدامات نظامی را در ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷ و به عنوان ایجاد امنیت در منطقهٔ نفوذ خود انجام می‌دادند. آثار قرارداد ۱۹۰۷ همچنان بر ایران سایه افکنده بود و در صورت پیروزی دو دولت روس و انگلیس معلوم نبود با آن قرارداد و قرارداد تکمیلی ۲۰ نوامبر ۱۹۱۵ سرنوشت ایران چه می‌شد، اما انقلاب مارس و سپس انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، ایران را از آثار آن قرارداد نجات داد.

کمیسیون تعیین خسارات

در اسفند ۱۲۹۵ (فوریهٔ ۱۹۱۷) «سیدضیاءالدین طباطبایی» به مأموریت فوق‌العاده رهسپار روسیه شد و در انقلاب مارس ۱۹۱۷ در پترزبورگ اقامت داشت. او

۸۱. صفحهٔ ۴۷۲ ایران در جنگ بزرگ، صص ۶۴ــ۶۶۲، جلد دوم تاریخ ایران

۸۲. صفحهٔ ۱۹۹ انگلیسها در میان ایرانیان، نوشتهٔ «سردنیس رایت»، ترجمهٔ لطفعلی خنجی و ص ۱۵۹ شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان، نوشتهٔ «سرپرسی لرن»، ترجمهٔ رفیعی مهرآبادی

ضمن گزارش کتبی و تلگرافی اوضاع روسیه را تشریح و لزوم مخابرهٔ تلگراف تبریک از سوی نمایندگان سابق مجلس شورای ایران را به «دوما» (مجلس کبیر روسیه) پیشنهاد کرد. چون مجلس ایران در حال تعطیل بود شماری از نمایندگان دورهٔ اول و دوم و سوم در خانهٔ «ارباب کیخسرو شاهرخ» نمایندهٔ سابق مجلس گرد آمده و تلگراف تبریک با امضای ۸۸نفر از نمایندگان سه دورهٔ گذشته (که شماری از آنان نیز در صف دولتمردان بودند) به «دوما» مخابره شد و رئیس «دوما» هم به این تلگراف پاسخ سپاس‌آمیز داد.[۸۳]
وثوق‌الدوله در خرداد ۱۲۹۶ کناره‌گیری کرد و تا مرداد ۱۲۹۷ عین‌الدوله و مستوفی‌الممالک و صمصام‌السلطنهٔ بختیاری هر یک چندماه زمامدار بودند. در این اوقات به دنبال تحولات روسیه، ایران بر آن شد که خسارات ملت و دولت را که از نیروهای بیگانه متحمل شده تعیین کند تا در هنگام برپایی کنفرانس صلح جبران آن خسارات را بخواهد. به این منظور دفتر مخصوصی در وزارت امور خارجه تشکیل شد و در ۲۷ مرداد ۱۲۹۶[۸۴] طی بخشنامهٔ شمارهٔ ۳۱۴۲/۴ به کارگزاری‌های خود درمراکز استانها و شهرستانها دستور داد کمیسیونی به‌عنوان «کمیسیون تعیین خسارات» زیر نظر استاندار یا فرماندار و رؤسای دارایی و دادگستری و نمایندهٔ وزارت امور خارجه و چندتن از معتمدین محل برای تعیین خسارات برپا نمایند، برپایی و کار این کمیسیونها برای تعیین خسارات بیش از یک‌سال به‌طول انجامید. خسارات برآورد شـــده که از سوی سپاهیان روس و عثمانی در مدت سه سال بر ایران وارد شده بود بسیار سنگین و بخش عمدهٔ آن از ناحیهٔ سپاهیان روس بود و شاید هم برخی از خســـارت دیدگان ارقام غیر واقعی را در کمیسیونها مطرح می‌کردند. وزارت امور خارجه برای این کار فرم ویژه‌ای را به چاپ رسانید که نام خسارت دیده و میزان و نوع و تاریخ وقوع و نام واردکنندهٔ خسارت را دربر می‌گرفت. بدیهی است بجز خسارات مالی، ایرانیان در مدت جنگ تلفات جانی (شاید چندین هزار نفر) تحمل کرده بودند و به ساختمانها و اموال دولتی نیز خسارات بسیار وارد آمده بود. برای نمونه، شماری از ارقام خسارت در استانهای مختلف را که در کمیسیونهای تعیین خسارت تأیید و گزارش شده در اینجا می‌آوریم.

۸۳. صفحات ۴۱۰، ۴۱۲ و ۴۴۷ ایران در جنگ بزرگ
۸۴. آخر شوال ۱۳۳۵/ ۱۹ اوت ۱۹۱۷

اراک و اطراف	۳۰/	کرور تومان[۸۵]	خسارات وارده از روس
استرآباد	۴/۲۶۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
اصفهان	۶/۰۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
بروجرد	۲/۰۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
تبریز	۶۰/۰۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
تبریز	۲/۰۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از عثمانی
تربت حیدریه	۱/۵۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
تهران	۴/۱۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
کردستان	۳۳/۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از عثمانی
قزوین	۴/	کرور تومان	
کرمان	۰/۳۷۷۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
مازندران	۳/۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس
مشهد	۰/۶۱۱۸۱۲	ـ	خسارات وارده از روس
ملایر	۶/۳۴۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس و عثمانی
نهاوند	۳/۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس و عثمانی
همدان	۴/۰۰۰۰۰	ـ	خسارات وارده از روس و عثمانی

مجموع خسارات برآورده شدهٔ مالی به صدها کرور تومان می‌رسید.[۸۶]

بجز خساراتی که در داخل ایران به مردم ودولت ایران وارد شده بود، در «باکو» از سوی بلشویکها و در «استانبول» از سوی ارتش عثمانی هم بر بازرگانان و اتباع ایران مقیم آن دو شهر خسارات بسیار وارد آمد، و بیش از بیست میلیون تومان اموال بازرگانان ایرانی مصادره شد.[۸۷] خسارات ایرانیان مقیم استانبول به موجب برآورد کمیسیونی که زیرنظر سفارت ایران با شرکت شماری از بازرگانان مسلمان و ارمنی ایرانی در آن شهر برپا گردید، به پنج میلیون و یکصد و سی و هفت هزار و ششصد و دوازده لیرهٔ عثمانی برآورد شد.[۸۸] فهرست و اسناد مجموع خسارات ایران بعداً در اختیار هیئت

۸۵. هر یک کرور تومان معادل پانصد هزار تومان است.
۸۶. پوشهٔ ۱ تا ۱۵، جزوه‌دان ۶۷ (سال ۱۲۹۸) اسناد وزارت امور خارجه
۸۷. تلگراف رمز شمارهٔ ۴۱۷ (۲۵ دی ۱۲۹۸) کارگزاری آستارا
۸۸. جزوه‌دان ۶۷ (سال ۱۲۹۸) اسناد وزارت امور خارجه

نمایندگی ایران که در بهمن‌ماه ۱۲۹۷ برای شرکت در مجمع ملل رهسپار پاریس گردید گذارده شد.[۸۹]

اعلام لغو قرارداد ۱۹۰۷، از سوی جمهوری شوروی

با انقلاب روسیه و روی کارآمدن رژیم «جمهوری اتحاد سوسیالیستی شوروی» در آن کشور «تروتسکی» کمیسر خارجی (وزیر امورخارجه) دولت جمهوری شوروی در یک نامهٔ رسمی در تاریخ ۱۴ ژانویهٔ ۱۹۱۸[۹۰] لغو قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس دربارهٔ ایران را به سفارت ایران مقیم پترزبورگ اطلاع داد و سفارت ایران مراتب را به وزارت امورخارجه گزارش نمود.[۹۱] اینک ترجمهٔ متن نامهٔ «تروتسکی» که برای ایران یک مژدهٔ بزرگ بود.

نظر به اینکه ملت ایران در وضعیت تیه عهدنامهٔ ۱۹۰۷ منعقده میان دولتین روس و انگلیس سرگردان است، با نهایت توقیر به نام جمهوری روسیه مراتب زیر را به استحضار خاطر شریف می‌رساند.

موافق نصّ صریح اصول سیاست بین‌المللی که در کنگرهٔ دوم‌تمام‌کمیسرهای ممالک روسیه در ۲۶اکتبر مقرر شده است، شورای کمیسرهای ملت روس اعلام می‌دارند که معاهدهٔ فوق‌الذکر نظر به اینکه بر علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین دولتین روس و انگلیس بسته شده بکلی ملغی، و تمام معاهدات سابق و لاحق آن نیز که تا هر درجه حق حیات ملت و آزادی و استقلال ملت ایران محدود نماید از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود.

در خصوص تعدیات دستجاتی از قشون روس که هنوز خاک ایران را تخلیه ننموده‌اند، باید خاطرنشان شود که این ترتیبات برخلاف اراده و میل ما صورت گرفته و ناشی از جهالت قسمتی از سربازان و سوءنیت ضدانقلابی فرماندهان ایشان است. شورای کمیسرهای روسیه آنچه در حیز قدرت دارد به استخلاص ایران از مأمورین عهد تزار و

۸۹. طرح دعوی خسارت در مجمع ملل و کنفرانس صلح بی‌نتیجه ماند. اما دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی چنانکه در صفحات آینده خواهیم دید، در برابر این خسارات کلیهٔ مطالبات خود را به ایران بخشید و بعضی از مؤسسات خود را در ایران نیز به دولت ایران واگذار کرد. طلب بانک روس بابت وامهای مظفرالدین‌شاه بیش از سه‌میلیون لیره می‌شد.

۹۰. ۲۶ دی ۱۲۹۶

۹۱. در این هنگام «اسد بهادر» کاردار سفارت ایران در پایتخت روسیه مسئول امور سفارت و «مستوفی» بار دیگر در ایران نخست‌وزیر بود.

سرمایه‌داران امپراتورپرست که هم دشمن ملت ایران و هم خصم روسیه می‌باشند، مبذول داشته، تمام اتباع روس را که مرتکب اعمال تجاوزکارانه و نامشروع نسبت به ملت ایران شده‌اند مجدانه موافق قوانین انقلابی سیاست خواهد نمود؛ و در زمینهٔ روابط بین‌الملل تا درجهٔ امکان جهد خواهد داشت که در تخلیهٔ کامل ایران از قشون عثمانی و انگلیس موفقیت حاصل نماید. صمیمانه امیدواریم موقع آن نزدیک شده باشد که ملل دنیا حکومتهای خود را به جلوگیری از تجاوزات نسبت به ملت ایران وادار و موانع توسعه قوا و ترقی آزادانهٔ مملکت مزبور را مرتفع نمایند. به هر حال شورای کمیسرهای ملت روس فقط روابطی را با ایران معتبر می‌داند که مبتنی بر عهود مرضی‌الطرفین و احترامات بین الدول باشد. «تروتسکی».[۹۲]

پس از وصول نامهٔ «تروتسکی»، روز هشتم بهمن ۱۲۹۶[۹۳] «براوین» نخستین نمایندهٔ دولت اتحاد جماهیر شوروی روسیه با پیامی از سوی «تروتسکی» وارد تهران شد، و در خانه‌ای که از سوی دولت ایران تعیین شده بود، اقامت جست. «براوین» در گفتگوهای خود لزوم تخلیهٔ ایران را از سپاهیان روس اعلام داشت و یادآور شد آن عده قزاق که در نظر دارند در ایران بمانند به دولت جمهوری روسیه مربوط نیستند. در همان روزها که «براوین» در تهران به‌سر می‌برد از طریق سفارت ایران در شوروی نیز به دولت ایران اطلاع داده شد که سپاهیان روس بزودی ایران را ترک خواهند کرد.[۹۴] در همین حال «براوین» در سخنانش برای کمونیزم تبلیغات می‌کرد و در سخنرانی در حزب دمکرات هم با گرمی و احساس رژیم کمونیست را وسیلهٔ نجات توده‌ها دانست.[۹۵] نخست‌وزیر (مستوفی‌الممالک) و وزیر امور خارجه (مشاورالممالک انصاری) مأموریت «براوین» را به‌رسمیت نشناختند. کاردار سفارت روس در تهران نیز «براوین» را به‌رسمیت نشناخت و به سفارتخانه راه نداد و «براوین» پس از یک توقف کوتاه تهران را به سوی افغانستان ترک گفت.

۹۲. ترجمهٔ نامهٔ تروتسکی، پوشهٔ ۱۸، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۶) اسناد وزارت امورخارجه، توضیح: تروتسکی در آغاز زمامداری استالین روسیه را ترک گفت و با همسر خود (ناتالی) سالها در حومهٔ مکزیکوسیتی در یک خانهٔ دژمانند زندگی می‌کرد. در ۲۰ اوت ۱۹۴۰ (۲۹ مرداد ۱۳۱۹) به دست یک کمونیست اسپانیایی که ظاهراً مأموریتی از مسکو داشت کشته شد.

۹۳. ۲۷ژانویهٔ ۱۹۱۸

۹۴. صفحهٔ ۴۹۰ ایران در جنگ بزرگ

۹۵. پوشهٔ ۵۶، جزوه‌دان ۱۵ (سال ۱۳۰۱) اسناد وزارت امورخارجه

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

ضمیمه

[illegible]

[illegible]

ترجمهٔ نامهٔ «تروتسکی»

با اعلام لغو قرارداد ۱۹۰۷ از سوی دولت جدید انقلابی روسیه، دولت ایران از دولت انگلیس نیز اعلام لغو آن قرارداد را خواستار شد و دولت انگلیس به‌منظور استقرار امنیت در ایران برای برپایی یک ارتش متحدالشکل قراردادی را پیشنهاد کرد.[۹۶]

گفتگو دربارهٔ اعلام لغو قرارداد ۱۹۰۷ و برپایی ارتش متحدالشکل و تخلیهٔ ایران از نیروی بیگانه و تجدیدنظر در تعرفهٔ گمرکی پیگیری شد، ولی پیش از آنکه گفتگوها به نتیجه برسد مستوفی استعفا داد (فروردین ۱۲۹۷) و «صمصام‌السلطنهٔ بختیاری» به زمامداری رسید و اما زمامداری او چند ماه بیشتر به‌طول نینجامید. در هفته‌های پایانی زمامداری صمصام‌السلطنه، با توجه به اعلام لغو قرارداد ۱۹۰۷ و لغو کلیهٔ امتیازات روسیهٔ شوروی در ایران به‌منظـــور لغو کاپیتولاسیون در هیئت دولت، تصویب نامه‌ای صادر شد و کمیسیونی در وزارت دادگستری مأمور گردید برای انحلال ادارهٔ محاکمات وزارت امورخارجه و رجوع دعاوی اتباع بیگانه به دادگاههای دادگستری مطالعه و اقدام کند.[۹۷]

۹۶. صفحهٔ ۵۱۴، جلد ۲، رهبران مشروطه

۹۷. این کمیسیون به‌ریاست ذکاءالملک فروغی و با شرکت ادلف پرنی و منصورالسلطنه، مستشار حقوقی از وزارت دادگستری و ظهیرالملک و ساعدالملـــک از وزارت امورخارجه شروع به کار کرد. این کمیسیون در ۱۶ مرداد نظریهٔ خود را برای نخست‌وزیر جدید (وثوق‌الدوله) گزارش داد. آن گزارش در هیئت دولت مطرح شد و با انتقال محاکمات اتباع روسیه و عثمانی (که لغو کاپیتولاسیون را اعلام داشته بودند) به دادگاههای عمومی موافقت شد (صص ۵۰۰ تا ۵۰۱ ایران در جنگ بزرگ).

زمامداری وثوق‌الدوله

در آن هنگام که روسها از پهنهٔ سیاست ایران خارج شده و ترکها در جبهه‌های جنگ عقب‌نشینی کرده و بتدریج آثار شکست در آلمان ظاهر می‌شد، انگلیس برای استقرار امنیت و جلوگیری از نفوذ بلشویزم و حفظ منافع خود در حالی که در رشت و انزلی و طوالش و قزوین، سپاهیانش حضور داشتند و در قزوین پلیس مخصوص مستقر ساخته و پلیس انگلیس در جلب و بازداشت اشخاص و سانسورنامه‌های پستی و بازجویی مسافرین خودسرانه اقدام می کرد، برای تثبیت امنیت ایران به روی کار آمدن یک دولت نیرومند نظر داشت؛ تا بتواند قرارداد برپایی نیروی متحدالشکل را نیز تنظیم کند و به‌اجرا درآورد. «صمصام» مرد این کار نبود و «احمدشاه» نیز به مناسبت کارهای خودسرانهٔ صمصام از او رنجیده‌خاطر بود. و باید زمامدار دیگری در ایران روی کار می‌آمد. در هفتهٔ اول مردادماه میان «احمدشاه» و «مارلینگ» وزیر مختار انگلیس چند دیدار روی داد و در پی این دیدارها «صمصام» برکنار شد و در ۱۲ مرداد «وثوق‌الدوله» (حسن وثوق) فرمان نخست‌وزیری گرفت،[۹۸] و دولت انگلیس پذیرفت که از همان ماه اوت در برابر حمایت «احمدشاه» از «وثوق‌الدوله» ماهی پانزده هزارتومان (درحدود شش‌هزار لیره) به عنوان کمک خرج به‌او بپردازد.[۹۹]

«وثوق‌الدوله» وزیران خود را انتخاب و شروع به‌کار کرد[۱۰۰] چند هفته بعد «چارلز مارلینگ» وزیر مختار انگلیس تهران را ترک کرد و «سرپرسی کاکس» (با تعلیمات ویژه از سوی «لرد کرزن» وزیر امورخارجهٔ انگلیس) به عنوان وزیرمختار جدید انگلیس وارد تهران شد (۲۴ شهریور ۱۲۹۷). «وثوق‌الدوله» برای تودیع با «مارلینگ» با حضور وزیران و نمایندگان سیاسی متفقین در منزل خود (در خیابان حشمت‌الدوله) ضیافت شام برپا ساخت و شب دیگر نیز «نصرت‌الدوله فیروز» وزیر دادگستری به مناسبت تودیع با «مارلینگ» و به افتخار ورود «کاکس» در باغ فرمانیه ضیافت دیگر

۹۸. صمصام برکناری خود را قانونی نمی‌دانست و معترض بود.

۹۹. صفحهٔ ۳۷۶ ایرانیان در میان انگلیسی ها، نوشته «سردنیس رایت»، ترجمهٔ منوچهر طاهرنیا و صفحهٔ ۳۷ اسناد محرمانهٔ وزارت امورخارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ترجمهٔ دکتر محمدجواد شیخ‌الاسلامی.

۱۰۰. وثوق‌الدوله نخست‌وزیر و وزیر کشور، مشاورالممالک انصاری وزیر امورخارجه، نصرت‌الدوله فیروز وزیر دادگستری، مشارالملک (میرزاحسن‌خان) وزیر دارایی (چندی بعد، «صارم‌الدوله» (اکبر مسعود) وزیر دارایی شد) نصیرالدوله وزیر علوم و اوقاف، دبیرالملک وزیر تجارت و فواید عامه، محاسب‌الملک کفیل وزارت پست و تلگراف، سردار همایون کاشی کفیل وزارت جنگ و چندی بعد ــ سپهدار رشتی (فتح‌الله اکبر) وزیر جنگ و اعتلاءالملک کفیل وزارت خارجه شد.

ترتیب داد.[۱۰۱]

«وثوق» برای امنیت کشور گامهایی برداشت؛ کمیته مجازات که از دو سال پیش با ترور چند شخصیت در تهران ایجاد نگرانی کرده بود؛ با کوشش «ژنرال وستداهل» (سوئدی) رئیس شهربانی ازهم پاشیده شد؛[۱۰۲] دستهٔ راهزنان مسلح که از سالهای پیش در اطراف گلپایگان، اصفهان، یزد و کاشان و کرمان امنیت راهها را مختل کرده بودند سرکوب شدند.[۱۰۳]

اعزام نماینده به مجمع ملل متفق

وثوق‌الدوله در آذرماه ۱۲۹۷ مشاورالممالک (علیقلی انصاری) وزیر امورخارجه را با حفظ مقام به ریاست هیئت نمایندگی ایران در مجمع ملل متفق و کنفرانس صلح برگزید، «ذکاءالملک» (محمدعلی فروغی) و «میرزا حسین‌خان علائی» (علاء) و «انتظام‌الملک» و «عبدالحسین‌خان انصاری» دیگر اعضای این هیئت بودند: مشاورالممالک در ۲۰ آذر رهسپاری خود و اعضای هیئت را طی تلگراف به سفارت ایران در پاریس و لندن اطلاع داد و خواستار آن شد که امکانات لازم برای هیئت فراهم شود.[۱۰۴] این هیئت در روزهای پایانی آذر رهسپار فرانسه شد، مشاورالممالک لایحهٔ دعاوی ایران را روز ۲۱ بهمن ۱۲۹۷ به دفتر مجمع ملل داد و در جلسه‌های اول و دوم و سوم مجمع با اعضای هیئت حضور یافت و در هریک از سه جلسه به ترتیب «انصاری» و «فروغی» و «علاء» سخنانی ایراد کردند (مارس ۱۹۱۹/اسفند ۱۲۹۷) و دربارهٔ دعاوی و خسارات ایران توضیح دادند. مشاورالممالک با رؤسای جمهوری فرانسه و آمریکا و وزیر امورخارجهٔ آن دو کشور و نمایندگان وزارت امورخارجهٔ انگلستان دیدار و دربارهٔ دعاوی ایران گفتگو کرد و لایحه‌ای هم با مشورت چند حقوقدان دربارهٔ دعاوی ایران تنظیم کرد و به دفتر مجمع ملل متفق تقدیم داشت، ولی دولتهای برپاکنندهٔ کنفرانس با این استدلال که «ایران در شمار کشورهای بیطرف است و داخل جنگ نبوده» از پذیرفتن ایران در کنفرانس صلح خودداری کردند.[۱۰۵]

۱۰۱. صفحهٔ ۵۰۸ ایران در جنگ بزرگ

۱۰۲. دو نفر از گردانندگان کمیتهٔ مجازات اعدام شدند؛ چند نفر تبعید و یا زندانی گردیدند، چند نفر هم گریختند، یکی از آنان احسان‌الله‌خان که یک کمونیست افراطی بود به نهضت جنگل پیوست و در ردهٔ سران نهضت درآمد.

۱۰۳. صفحهٔ ۴۳۵، ج ۱، رهبران مشروطه

۱۰۴. پوشهٔ ۲۵، جزوه‌دان ۱ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

۱۰۵. پوشهٔ ۲۵، جزوه‌دان ۱ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

نبرد با نهضت جنگل

برای امنیت گیلان و پایان دادن به نهضت جنگل، وثوق‌الدوله در بهمن ماه ۱۲۹۷ وسیله «سیدمحمد تدین» پیام صلح برای «کوچک خان» رهبر نهضت فرستاد و از او خواسته شد نیروی مسلح خود را در اختیار دولت بگذارد ولی پیام مؤثر واقع نشد، وثوق‌الدوله در هجدهم اسفند ماه ۱۲۹۷ «سردار معظم خراسانی» «تیمور تاش» را با اختیارات به استانداری گیلان فرستاد و در خرداد ۱۲۹۸ «کلنل استاروسلسکی» فرماندهٔ نیروی قزاق با اختیارات تام مأمور سرکوب نهضت گیلان شد. در عملیات تسخیر رشت توپخانه و هواپیماهای نظامی انگلیس شرکت داشتند.[۱۰۶] پیش از حمله، کلنل تکاچینکف» فرماندهٔ اتریاد تهران نامهٔ تأمین برای میرزا کوچک خان نوشت و پیشنهاد کرد تسلیم شود ولی او نپذیرفت و پس از درگیری‌های پراکنده عده‌ای از سران نهضت از فومن و جنگلهای اطراف به رشت آمده تسلیم شدند. کوچک خان و شمار بیشتری از سران نهضت به لاهیجان و سپس به کوههای رانکوه و رودسر و تنکابن گریختند.[۱۰۷]

۱۰۶. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۲۵ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

۱۰۷. یکی از سران نهضت به‌نام «دکتر حشمت» که پزشک بود و به‌واسطهٔ خدمت پزشکی در لاهیجان محبوبیت داشت و در آنجا یک گروه مسلح چندصد نفری را به نام «نظام ملی» گرد آورده بود، تسلیم نیروی دولتی گردید و پس از تسلیم از او خواستند که نزد «کوچک‌خان» برود و او را هم وادار به تسلیم کند و اگر موفق شد یا نشد، خود را پس از ده روز معرفی نماید. اما «دکتر حشمت» پس از آنکه به لاهیجان بازگشت دچار تردید شد و چون بازگشتش به‌تأخیر افتاد، یک گردان مأمور دستگیری او شد، او با گردان دولتی به نبرد برخاست. شماری از افراد «نظام ملی» کشته شدند و حشمت دستگیر گردید و در دادگاه زمان جنگ به‌ریاست «سرهنگ عبدالجواد قریب» محکوم به اعدام شد (۴ اردیبهشت ۱۲۹۸) (شمارهٔ ۱۰، سال ۲۴، مجلهٔ خواندنی‌ها و یادداشتهای سید حبیب‌الله مدنی (از یاران جنگل) کتابخانهٔ مرحوم ترجمان‌الممالک فرهنگ. توضیح:

همزمان با اوجگیری نهضت مشروطه در تهران، شماری از آزادیخواهان رشت کانونی به‌نام «مجلس اتحاد» تشکیل دادند و افرادی به نام «فدایی» گرد آوردند. «میرزا کوچک‌خان» که یک طلبه و یک مسلمان راستین بود و افکار آزادیخواهانه داشت به «مجلس اتحاد» پیوست. در ۱۲۸۹ در نبرد با نیروی طرفدار، محمدعلی شاه در ترکمن صحرا شرکت داشت؛ در این نبرد زخمی شد و چندی در بادکوبه در یک بیمارستان بستری بود (نوشتهٔ ساعد مراغه‌ای، روزنامهٔ ارادهٔ آذربایجان، ۱۲ آذر ۱۳۵۲). در ۱۲۹۴ به جای «مجلس اتحاد» «هیئت اتحاد-اسلام» از یک گروه هفده نفری در رشت تشکیل گردید. بیشتر افراد این گروه روحانی بودند و «میرزا کوچک خان» عضو مؤثر این هیئت بود (شمارهٔ پنجم روزنامهٔ جنگل ۲۱ شوال ۱۳۳۵). این هیئت هدف خود را خدمت به اسلام و ایران اعلام داشت و بزودی میرزاکوچک خان رهبری هیئت را برعهده گرفت. پس از اشغال نواحی شمالی ایران از سوی ارتش روسیهٔ تزاری «هیئت اتحاد اسلام» به مبارزه با ارتش تزاری پرداخت و یک گروه مسلح به‌عنوان «فدایی» تشکیل داد و روستای «کسما» را در ناحیهٔ فومن مرکز کار خود قرار داد و در آنجا سازمان اداری و نظامی خود را برپا ساخت. میرزا کوچک‌خان مرامنامه‌ای تنظیم کرد و در آن مرامنامه هدف هیئت اتحاد اسلام را تأمین رفاه کارگران و

←

پس از چند ماه نهضت جنگل نیرو گرفت و تجدید سازمان یافت و چون به‌عنوان یک نهضت مخالف حضور نیروی انگلیس شناخته شده بود، از سوی دولت عثمانی و آلمان کمکهای تسلیحاتی دریافت می‌کرد و مربیان نظامی آلمانی به فداییان نهضت فنون نظامی می‌آموختند. از بادکوبه نیز برای این نهضت اسلحه فرستاده می‌شد و بلشویکهای مسلح برای پیوستن به نهضت، به گیلان اعزام می‌شدند و نمایندگان نهضت و جمهوری بلشویکی آذربایجان قفقاز و «کمیتهٔ اتحاد و ترقی» و«حزب عدالت» بادکوبه و گیلان در رفت و آمد بودند.[۱۰۸] در چنان اوضاعی دولت ایران برای گسترش و استقرار امنیت و از میان برداشتن بحران مالی و ورشکستگی اقتصادی نیاز به امکانات مالی و ایجاد یک ارتش مجهز داشت (همان نیروی متحدالشکل که پیش از این انگلستان

⟵

زحمتکشان و تساوی حقوق مردم و تعدیل مالکیت و مبارزه با عمال روس و انگلیس عنوان نمود. «هیئت اتحاد اسلام» پس از چندی به «کمیتهٔ اتحاد اسلام» تبدیل شد و اعضای آن به ۲۷ نفر افزایش یافت و رهبری «کمیتهٔ اتحاد اسلام» را میرزا کوچک‌خان برعهده گرفت و تا پایان ۱۲۹۶ بجز فومن، بخش وسیعی از گیلان و قسمتی از مازندران و طارم و آستارا و طالش و کجور و تنکابن زیر نفوذ «کمیتهٔ اتحاد اسلام» درآمد؛ این کمیته به «نهضت جنگل» و «حزب جنگل» نیز نامبردارشد (صفحهٔ ۲۵۶ نظام سیاسی و اجتماعی ایران در عصر قاجار، تألیف دکتر غلامرضا ورهرام). در فروردین ۱۲۹۷ فدائیان نهضت جنگل پس از چند درگیری با سپاهیان انگلیس مواضع مهم راه رشت ـ منجیل را در اختیار خود گرفتند. در خرداد ۱۲۹۷ نیروی «کلنل پیچراخوف» افسر روسی که قصد بازگشت از ایران را داشت و با «ژنرال دانسترویل انگلیسی (که او نیز می‌خواست با افراد خود از طریق انزلی به بادکوبه برود) نیز هم‌پیمان شده بود. در منجیل با فداییان «کمیتهٔ اتحاد اسلام» به نبرد پرداخت (در حالی که زره‌پوشها و هواپیماهای انگلیس هم برای کمک به او به حرکت درآمده بودند). پیچراخوف راه منجیل تا رشت و انزلی را گشود و پس از گشوده شدن راه، نیروی انگلیس در مواضع مهم این راه مستقر گردید. در این میان نیروی «کمیتهٔ اتحاد اسلام» رشت را تصرف کرد ولی پس از ده روز نیروی انگلیس با کمک زره‌پوشها و هواپیماها رشت را تسخیر نمود و نیروی «کمیتهٔ اتحاد اسلام» را از رشت بیرون راند (صفحهٔ ۲۴۵ خاطرات ژنرال دانستر ویل، ترجمهٔ حسین انصاری). در ۲۷ مرداد ۱۲۹۷ میان نمایندگان کمیتهٔ اتحاد اسلام با نمایندگان نظامی و سیاسی انگلیس در رشت قراردادی امضا شد و در مسائل مورد اختلاف توافق نمودند (صفحات ۳۶۰ تا ۳۶۱ جنبشهای اجتماعی ایران در عصر قاجار)؛ امضای این قرارداد در کمیتهٔ اتحاد اسلام چنان اختلاف‌نظری پدید آورد که کمیته اتحاد اسلام از هم پاشید. میرزا کوچک‌خان ناچار انحلال «کمیتهٔ اتحاد اسلام» و تشکیل «کمیتهٔ انقلابی گیلان» را اعلام داشت. شماری از سران کمیتهٔ اتحاد اسلام کناره‌گیری کردند و شماری افراد تندرو در کمیتهٔ انقلابی گیلان جای آنان را گرفتند، در حالی که در سالهای جنگ اول جهانی سرزمین گیلان به مناسبت موقعیت خاص جغرافیایی عرصهٔ رقابت چند قدرت بزرگ درگیر جنگ گردیده و هریک به گونه‌ای از نهضت جنگل حمایت می‌کردند، تحولات سیاسی جهانی و بخصوص تغییر سیاست روسیهٔ شوروی در پایان جنگ و تضادهای داخلی سران جنگل، چنانکه در صفحات بعد خواهیم دید، طومار عمر این نهضت را درهم پیچید.

۱۰۸. صفحات ۴۲ و ۱۶۷ خاطرات ژنرال دانسترویل، ترجمهٔ حسین انصاری، و ص ۱۲۰ انقلاب مشروطیت ایران، نوشتهٔ ایوانف، ترجمهٔ آذر تبریزی.

تشکیل آن را به «مستوفی» پیشنهاد کرده بود).

در شرایط بعداز جنگ دولت انگلستان تنها دولتی بود که می‌توانست و از نظر حفظ منافع سیاسی و بازرگانی خود، می‌خواست به ایران کمک کند و با استفاده از غیبت روسیه از صحنهٔ سیاست ایران برای این کمک قدم پیش نهاد. «کاکس» وزیر مختار جدید انگلیس با تعلیمات مخصوص به تهران آمده و از همان آغاز ورود، گفتگوی محرمانه میان او با «وثوق‌الدوله» نخست‌وزیر و «نصرت‌الدوله فیروز» وزیر دادگستری آغاز شده بود. در این هنگام «اعتلاءالملک» امور وزارت خارجه را کفالت می‌کرد، ولی در گفتگوی محرمانه با کاکس شرکت نداشت. با آغاز گفتگوها برای آنکه دولت ایران بتواندناامنی‌های داخلی را از میان بردارد و ثباتی در اوضاع کشور پدید آورد، دویست هزار تومان مساعدهٔ ماهیانه که دولت انگلیس از هنگام نخست‌وزیری «سپهدارتنکابنی» (محمد ولیخان خلعتبری) برای کمک به بودجهٔ ایران منظور داشته بود، به سیصدهزار تومان افزایش یافت و نیز سفارت انگلیس نامه‌ای به «وثوق» نوشت و از سوی دولت بریتانیا تضمین تمامیت ارضی و استقلال ایران و لغو قرارداد ۱۹۰۷ (پس از روی کار آمدن دولت مورد شناسایی انگلیس در روسیه) و واگذاری پلیس جنوب را به دولت ایران تأکید کرد.[۱۰۹]

در این میان «صارم‌الدوله» (اکبر مسعود) به وزارت دارایی و «سپهدار رشتی» (فتح‌الله اکبر) به وزارت جنگ منصوب شدند و گفتگو دربارهٔ قرارداد محرمانه میان «وثوق» و «فیروز» و «مسعود» با وزیر مختار انگلیس دنبال می‌شد.

نامهٔ چیچرین

در حالی که جنگ جهانی در یازدهم نوامبر ۱۹۱۸ پایان یافته بود، در شمال ایران انگلیسها درگیر یک جنگ علنی با قوای دریایی شوروی بودند. انگلیس در انزلی و قزوین حکومت نظامی اعلام کرد.[۱۱۰] و نیروی نهضت گیلان با رسیدن جنگ‌افزار و جنگجویان اعزامی از باکو، از سوی جمهوری آذربایجان و نیز از سوی شوروی تقویت

۱۰۹. صفحهٔ ۴۳۴، ج۱، رهبران مشروطه

۱۱۰. در همین اوقات در جنوب هم به دستور «ژنرال دگلسن» فرماندهٔ اردوی انگلیسی در بوشهر مراکز افراد «زائر خضرخان» و «چاهکوتاهی» که بر ضد انگلیسی‌ها نبردهای پراکنده داشتند، به‌وسیلهٔ دو هواپیمای جنگی انگلیسی بمباران شد.

می‌شد.[۱۱۱] در ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹[۱۱۲] دو روز پس از امضای عهدنامهٔ صلح ورسای «چیچـــرین» کمیسر جدید خارجهٔ جمهوری شوروی نامه‌ای مهم و امیدبخش برای «وثوق‌الدوله» نخست‌وزیر ایران نوشت و با تأکید بر لغو کلیهٔ امتیازات و مطالبات دولت و اتباع روس در ایران شرایط استقرار مناسبات جدید میان دو کشور را پیشنهاد نمود. اینک متن نامهٔ «چیچرین» کمیسر ملی امور خارجهٔ جمهوری اشتراکی اتحاد جماهیر شوروی روسیه (وزیر امور خارجه)

۲۶ ژوئن ۱۹۱۹[۱۱۳] در نامهٔ چهاردهم ژانویهٔ ۱۹۱۸ به شمارهٔ ۱۳۷ کمیسر ملی سابق امور خارجه، اصول مبانی سیاست روسیهٔ شوروی را نسبت به ایران اطلاع داده است. در تکمیل اصول مذکور در نامهٔ مزبور که به‌طور قطع تمام عهود و قراردادهایی را که دولت روسیهٔ تزاری به زور از ایران تحصیل کرده بود و یا اینکه با اصل استقلال و مصونیت ایران مباینت داشته و یا آزادی و ترقی و اجرای ارادهٔ ملت ایران را در خاک خود و در دریای مجاور محدود کرده و مزاحم بودند، لغو می‌نمود. کمیسر ملی امور خارجهٔ جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیهٔ حالیه نیز میل کامل خود را اظهار می‌نماید که با دولت ایران داخل مذاکره شده و عهود تازه و قراردادهای مربوط به وظایف کنسولها و سایر معادلات مبتنی بر اصول رضایت خاطر و احترام متقابل دو ملت منعقد نماید.

نظر به خسارات مهم وارده به شمال ایران و همچنین دستجات قشون عثمانی و انگلیس و توجه کامل مسئولیت آن خسارات بر عهدهٔ حکومتهای سرمایه‌داری انگلستان و عثمانی و روسیهٔ تزاری، دولت شوروی روسیه که نسـبت به ایران صدمه دیده از دولتهای متحدهٔ سرمایه‌دار، دارای احساسات نیکخواهانه است، مایل است که حقاً خسارات وارده به‌وسیلهٔ دستجات قشون روس را جبران کرده و تصور می‌نماید که دولت ایران تکیه به قدرت ملت ایران نموده، وسایلی پیدا خواهد کرد که خسارات وارده به خود را از دولت مستعمراتی انگلیس اخذ نماید.

نظر به میلی که دولت شوروی به جبران خسارات وارده به ملت ایران دارد اعلام می‌نماید که:

۱۱۱. تلگراف ۱۹ (۱۲۹۸) ادارهٔ دوم سیاسی وزارت امورخارجه به کنسول ایران در بادکوبه، جزوه‌دان ۶۷ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه.

۱۱۲. چهارم تیرماه ۱۲۹۸

۱۱۳. همان تاریخ

۱. تمام بدهی‌های ایران مطابق تقبلات زمان تزاری الغا می‌شود.

۲. روسیه از این به‌بعد قطعاً به مداخلهٔ خود در عواید ایران از قبیل عواید گمرکات و تلگرافخانه و پستخانه و مالیاتها و امثال آن خاتمه می‌دهد.

۳. دریای خزر پس از پاک شدن از سفاین قطاع الطریق امپریالیزم انگلیس برای کشتیرانی در زیر پرچم ایران آزاد اعلام خواهد شد.

۴. سرحدات روسیهٔ شوروی با ایران مطابق ارادهٔ آزاد سکنهٔ سرحدی معین خواهد شد.

۵. تمام امتیازات دولتی روس و امتیازات خصوصی باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط است.

۶. بانک استقراضی ایران با تمام متعلقات ارضی و شعبات خود در ایران، ملک ایران اعلام می‌شود.

۷. خط تلگراف بین مشهد و سیستان با تلگراف حوزهٔ استرآباد؛ راه شوسهٔ انزلی ــ تهران با تمام راههای شوسه و ابنیهٔ متعلق به آنها که در دورهٔ جنگ از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به‌وسیلهٔ قشون روس در زمان توقف آنها در ایران ساخته شده‌اند؛ بندر انزلی و تمام ساختمانهای مرتبط به آن با تمام اثاثیه از قبیل کارخانهٔ چراغ برق، ادوات دیگر و امثال آن؛ راه‌آهن جلفا ــ تبریز با تمام ادوات و اثاثیه و ابنیهٔ راه‌آهن و امثال آن[۱۱۴]، همچنین تمام ادارات پستی، خطوط تلگرافی و تلفن روسیه در ایران برای استفاده و مالکیت ملت مستقل ایران واگذار می‌شود. تأدیهٔ حقوق مستخدمین و کارگران مؤسسات مذکوره بر عهدهٔ ملت ایران است.

۸. اصول محاکمات و قضاوت سابق کنسولها کاملاً باطل می‌شود.

۹. میسیون روحانی ارومیه منحل می‌شود.

۱۰. تمام اتباع روسیه متوطن در ایران مکلف هستند کلیهٔ عوارض و مالیاتها را بالسویه با اهالی تأدیه نمایند، در صورتی که این عوارض و مالیاتها مطابق قانون و برای رفع احتیاجات ملت برقرار شده باشد.

۱۱. دولت روسیه حاضر است که با دولت ایران مشترکاً مسئلهٔ راجع‌به حق مالکیت اراضی مزروعی اتباع روس را در ایران، طرق اجاره کردن، تأدیهٔ مالیات و امثال

۱۱۴. سپاهیان عثمانی در تجاوز به آذربایجان تمام لوازم و واگنها و لکوموتیوهای راه‌آهن جلفا به تبریز را به صورت چپاول با خود به خاک عثمانی برده بودند.

آن را تحت شور قرار داده، با مراعات محفوظ ماندن منافع ملت ایران و روس حل نماید.

۱۲. سرحد ایران و روس برای عبور آزاد و حمل مال‌التجاره باز می‌شود، به ایران اجازهٔ ترانزیت مال‌التجاره از روسیه داده می‌شود که از هرجا بخواهد و هرچه بخواهد حمل نماید.

۱۳. دولت روسیهٔ شوروی حاضر است متفقاً با ایران مال‌التجارهٔ ایران را به‌وسیلهٔ وسایل نقلیهٔ روسیه تهیه نماید.

۱۴. دولت روسیه از هر نوع مشارکت در تشکیل قوای مسلح در خاک ایران صرفنظر می‌نماید.

۱۵. دولت روسیه به ملغی شدن کارگزاری‌ها رضایت می‌دهد.

۱۶. به ایران حق داده می‌شود که در کلیهٔ شهرها و بخشهای روسیهٔ شوروی و همچنین در ترکستان و ماورای دریای خزر و در بخارا و خیوه متحد با روسیه کنسولهای خود را تعیین نماید.

با اعلان و تکلیف آنچه در فوق ذکر شد، کمیساریای ملی امورخارجه اطمینان کامل دارد که این اقدام دولت روسیهٔ‌شوروی دورهٔ تازه‌ای را در تاریخ مراودات روسیه و ایران تأسیس کرده و ضمناً ملت انقلابی روسیه سلام برادرانهٔ خود را به ایران فرستاده و صمیمانه آرزومند است که شانه‌های فرسودهٔ ملت ایران تحمیلات انگلیسها و دولتهای مستعمراتی متحدهٔ دیگر را که قصدشان خفه کردن قطعی ایران دست و پا بسته است دور اندازد. ملت روس اعتقاد دارد که ملت سی کروری ایران نمی‌تواند بمیرد و همچو ملتی که دارای گذشتهٔ باافتخار و درخشان است در صفحات تاریخ تمدن حق اساسی را دارا می‌باشد که با یک چنین جنبش توانا از خواب صدساله بیدار شده و جور یغماگران رذل را سرنگون کرده، برادرانه داخل در صفوف ملل متمدن شده، برای سعادت نوع بشرکارهای شایسته خواهد نمود. کمیسر ملی امورخارجهٔ جمهوری اشتراکی اتحادی روسیهٔ شوروی. «چیچرین»[۱۱۵]

قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹

دولت ایران در حالی که از انقلاب روسیه و الغای قرارداد ۱۹۰۷ و الغای دیگر امتیازات و مطالبات روسیهٔ تزاری خشنود بود، در برابر پیشنهاد «چیچرین»» برای

۱۱۵. ترجمهٔ چاپی نامهٔ «چیچرین»، پوشهٔ ۲۸، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

برقراری روابط گامی برنداشت؛ زیرا در همان روزها کار تنظیم قرارداد با انگلیس در حال پایان یافتن بود و برای امضا آماده می‌شد. گفتگو دربارهٔ قرارداد ماهها ادامه داشت و «کاکس» دربارهٔ این گفتگوها به‌وسیلهٔ تلگراف پیوسته با وزارت خارجهٔ انگلیس در تماس بود و سرانجام قرارداد تنظیم و متن آن به وزارت خارجهٔ انگلیس مخابره شد و پس از تأیید وزیران خارجه و دارایی و وزیر امور هندوستان (کرزن ــ چمبرلن ــ مونتاگو)، وزارت امور هندوستان اجازه امضا داد[۱۱۶] و در هفدهم مرداد ۱۲۹۸ (نهم اوت ۱۹۱۹) در تهران بین «کاکس» و «نصرت‌الدوله فیروز» به امضا رسید. دولت انگلستان همزمان با امضای قرارداد، در قراردادی جداگانه تعهد نمود مبلغ دو میلیون لیره استرلینگ به مدت بیست سال با سود صدی هفت به صورت اقساط و با تضمین و اعتبار درآمدهای گمرکی ایران (که قبلاً هم محل تضمین پرداخت وام یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره‌ای انگلیس بود) به ایران وام بدهد و در کلیهٔ قراردادهای موجود بین دو دولت تجدیدنظر نمایند.[۱۱۷]

«وثوق‌الدوله» در همان روز امضای قرارداد، در یک تلگراف رمز امضای قرارداد و خلاصهٔ مواد قرارداد را به اطلاع مشاورالممالک انصاری رسانید و با این تذکر که «اعلیحضرت به‌طور ناشناس روز ۲۵ مرداد از راه‌انزلی، بادکوبه و باطوم عازم اروپا هستند»، برکناری انصاری را از وزارت امورخارجه و ریاست هیئت نمایندگی ایران به او اعلام کرد و تصریح نمود که «شاهزاده نصرت‌الدوله» به سمت وزیر امورخارجه ملتزم رکاب خواهند بود؛ حضرتعالی برای زیارت ملوکانه به استانبول رفته و به‌عنوان سفارت کبری در آن‌جا توقف فرمایید.[۱۸۸]

و نیز «نصرت‌الدوله فیروز» در ۱۹ مرداد به مشاورالممالک در یک تلگراف رمز چنین اعلام کرد:

«چون کمیسیون سابق در طرح تقاضای ایران در مجمعهای متفق معطل مانده‌اند، شما به سفارت استانبول یا برای معالجه به سوئیس بروید، خود این‌جانب اقدامات لازم را در اروپا خواهم نمود».[۱۱۹]

۱۱۶. صفحهٔ ۲۳ اسناد محرمانهٔ وزارت خارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹

۱۱۷. صفحهٔ ۷۲۵، ج ۲، تاریخ ایران، نوشتهٔ «سرپرسی سایکس»، ترجمهٔ فخرداعی

۱۱۸ و ۱۱۹. پوشهٔ ۲۵، جزوه‌دان ۱ (۱۳۳۷ ق) اسناد وزارت امورخارجه. سفیر ایران در استانبول «میرزا محمودخان علامیر ــ احتشام‌السلطنه» پس از ورود احمدشاه به استانبول از سوی «فیروز»، وزیر امورخارجه، برکنار گردید.

روز شانزدهم اوت متن قرارداد در روزنامه های لندن به چاپ رسید و «لرد کرزن» در مجلس اعیان هنگامی که قرارداد را تقدیم مجلس کرد، دربارهٔ آن گفت: ما در قرارداد به هیچ‌وجه نخواسته‌ایم به‌قدر ذره‌ای به استقلال ایران خلل وارد آوریم، بلکه قویاً و صریحاً استقلال آن دولت را تضمین نموده و خواستیم به‌وسیلهٔ این قرارداد وسایل و اسباب کار را برای دولت ایران مهیا سازیم؛ به‌طوری که بتواند استقلال خود را تأمین نماید. ما خواستیم ادارهٔ داخلی را منظم نموده و از خود آن کشور یک قوهٔ نظامی مستقل تشکیل داده، کارشناسانی برای کمک در سازمان دادن آن ارتش گسیل داریم و در موقعی که قرارداد را منعقد نمودیم تعهد کردیم یک وام دو میلیون لیره به اعتبار گمرکات و سایر درآمدهای آن کشور به دولت ایران بدهیم، و نیز مقرر شد در تعرفهٔ گمرک تجدیدنظر شود و این منافع بسیار برای ایران دربر دارد.[۱۲۰]

و اینک متن قرارداد:

نظر به روابط دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران و انگلستان بوده است و نظربه اعتماد کامل به اینکه منافع مشترک اساسی هر دو ملت تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام می‌نماید و نظر به لزوم تهیهٔ وسایل ترقی و سعادت ایران به حد اعلی، بین دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان به نمایندگی از دولت خود از طرف دیگر، مواد زیر مقرر می‌گردد:

۱. دولت انگلستان با قاطعیت هرچه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام به استقلال مطلق و تمامیت ایران نموده است تکرار می‌نماید.

۲. دولت انگلستان هر عده مستشار و کارشناسی را که برای ضرورت استخدام آنها بین دو دولت توافق حاصل گردد به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد؛ این مستشاران با کنترات اجیر، و به آنها اختیارات متناسب داده خواهد شد. چگونگی این اختیارات منوط به توافق دولت ایران و مستشارها خواهد بود.

۳. دولت انگلیس به خرج دولت ایران افسران و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوای متحدالشکل نظامی که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد، تهیه خواهدکرد. عده و مقدار ضروری افسران و ذخایر توسط کمیسیونی که از کارشناسان ایرانی و انگلیسی تشکیل خواهد شد و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوهٔ مزبور تشخیص خواهد داد، معین خواهد شد.

۱۲۰. صفحهٔ ۱۵۵ ضمایم و اسناد پیوست کتاب شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان

۴. برای احتیاجات نقدی لازم جهت اصلاحات مذکور در مواد ۲ و ۳ این قرارداد، دولت انگلستان حاضر است یک وام کافی برای دولت ایران تدارک ببیند و ترتیب انجام آن را بدهد. تضمین این قرض به اتفاق‌نظر دو دولت از عواید گمرک و یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تأمین می‌شود و تا وقتی که گفتگوی استقراض مزبور پایان نیافته دولت انگلستان به‌طور مساعده وجوه لازم را برای اصلاحات مذکور خواهد پرداخت.

۵. دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تأمین و توسعهٔ تجارت و جلوگیری از قحطی در کشور می‌باشد مایل است، با دولت ایران توافق نموده اقدامات مشترک دربارهٔ تأسیس خطوط آهن یا اقسام دیگر وسایط نقلیه را تشویق نماید. در این باره باید قبلاً به کارشناسان مراجعه شده و توافق میان دو دولت در طرحهایی که مهمتر و سهلتر و مفیدتر باشد حاصل گردد.

۶. دو دولت موافقت می‌نمایند دربارهٔ تعیین کارشناسان طرفین، برای تشکیل کمیته‌ای که به تعرفهٔ گمرکی مراجعه کنند و نسبت به آن تجدیدنظر به‌عمل آورند و آن را با منافع کشور و توسعهٔ وسایل ترقی انطباق دهند.[۱۲۱]

نامهٔ پیوست قرارداد

جناب مستطاب اجل اشرف‌افخم، امیدوارم که حضرت اشرف در دورهٔ زمامداری با موفقیت خودتان در امور مملکت ایران، یقین کرده‌اید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی کرده است که آنچه در قوه دارد کابینهٔ حضرت اشرف را برای اینکه در یک طرف اعادهٔ نظم و امنیت در داخلهٔ مملکت تکمیل و از طرف دیگر روابط صمیمانهٔ بین دولتین ایران و انگلستان محفوظ باشد، تقویت نماید. برای ابراز جدید این احساسات که همواره مکنون خاطر کابینهٔ لندن بوده است، من حالا مأذون هستم که به حضرت اشرف اطلاع دهم که در موقع امضای قراردادی که مربوط به رفرمهایی است که کابینهٔ حضرت اشرف اجرای آن را در نظر گرفته‌اند، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهد بود با دولت علیهٔ ایران اجرای تقاضاهای ذیل موافقت نماید:

۱. تجدیدنظر در معاهدات حاضره بین دولتین؛

۱۲۱. متن این قرارداد در چندین کتاب مربوط به تاریخ اخیر ایران به صورت یکسان نقل شده، تنها در برخی از واژه‌ها اندک اختلاف لفظی دیده می‌شود. متن بالا از جلد دوم کتاب تاریخ ایران نقل گردیده.

۲. جبران خسارات مادی وارده بر مملکت ایران به‌وسیلهٔ دولت متخاصم دیگر؛
۳. اصلاحات خطوط سرحدی ایران در نقاطی که طرفین آن را عادلانه تصور نمایند.

انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسایل مقتضیهٔ تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره بین دولتین خواهد بود.

این موقع را برای اینکه احترامات فائقهٔ خود را به حضرت اشرف تقدیم نمایم مغتنم می‌شمارم، پ.ر. کاکس وزیر مختار انگلیس در ایران.[۱۲۲]

همزمان با امضای قرارداد «نصرت‌الدوله فیروز» و «صارم‌الدوله مسعود» با «کاکس» چنین گفتگو کردند که سه امضاکنندهٔ قرارداد باید پولی در اختیار داشته باشند که با دادن پول بتوانند مخالفان قرارداد را ساکت کنند. پس از گفتگو و کسب تکلیف از لندن این پول به مبلغ یکصدوسی‌ویک هزارویکصدوچهل و هفت لیره استرلینگ (معادل چهارصدهزار تومان) بابت قسط اول وام دو میلیون لیره، نصف آن به «نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله» پرداخت شد و نصف دیگر به حساب وثوق‌الدوله واریز گردید،[۱۲۳] و نیز به هر سه امضاکننـــدهٔ قرارداد تضمین داده شد که در صورت لزوم از پناهندگی سیاسی در انگلستان یا مستعمرات آن کشور برخوردار باشند.[۱۲۴]

روز دهم اوت (۱۸ مرداد) کاکس متن قرارداد را برای اطلاع کنسولگری‌های انگلیس مقیم شهرهای ایران فرستاد و امضای قرارداد را اطلاع داد و یادآور شد که این قرارداد بزودی در لندن و تهران چاپ و منتشر می‌شود و به اطلاع عموم می‌رسد.[۱۲۵]

روز ۱۹ مرداد (۱۱ اوت) کاکس دربارهٔ ترتیب اجرای قرارداد به «لردکرزن» چنین تلگراف کرد:

باید ترتیبات لازم نسبت به اعزام مستشار عالیرتبهٔ مالی و تعیین اعضای هیئت نظامی بی‌درنگ داده شود، در مورد هیئت نظامی مسائل عمده‌ای که در پیش داریم عبارت است از:

۱۲۲. صفحات ۹۲ و ۹۳ دیوان عشقی (انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷)
۱۲۳. توضیح: پرداخت پول که به حساب بدهکاری دولت ایران منظور می‌شد، محرمانه بود و در آذرماه ۱۲۹۹ که «نورمن» وزیر مختار انگلیس برای مطالبهٔ این پول نامهٔ رسمی به سپهدار نوشت، موضوع آشکار شد (صورت مذاکرات ۲۹ شهریور و ۲۹ آبان ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی)
۱۲۴. صفحهٔ ۸۹، «اسناد سیاسی انگلیس» پیوست خاطرات ژنرال آیرون ساید، ترجمهٔ بهروز قزوینی
۱۲۵. پوشهٔ ۷، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

در مرحلهٔ اول تعیین شمارهٔ نفراتی که برای ارتش ایران لازم است، سازمان دادن و تقسیم واحدهای ارتشی و پخش این واحدها در سراسر کشور و جذب واحدهای موجود در ارتش نوین.

تنظیم مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به گزینش پرسنل و روش سربازگیری و حقوق ماهیانهٔ افسران و سربازان.

هیئت مستشاری، ستاد تصمیم‌گیرنده خواهد بود؛ طرح سازمانی این هیئت با کمی تغییر و تبدیل باید از الگوی ستاد لشکر در سازمان ارتشی بریتانیا اقتباس شود. در این هیئت نظامی افسران زیر عضویت خواهند داشت:

- یک فرمانده ـ رئیس هیئت
- یک افسر عالیرتبهٔ ستاد ـ معاون
- ژنرال آجودان
- ژنرال مسئول تسلیحات (معاون دوم)
- افسر ارشد نیروی هوایی
- افسر ارشد توپخانه
- افسر سیاسی
- افسر پزشکی و بهداشتی

اعضای این هیئت پس از گزینش باید هرچه زودتر در تهران تشکیل جلسه دهند و پس از آشنا شدن با وضع واحدهای مستقر در پایتخت، به واحدهای شهرستانها سرکشی کنند تا پیش از تسلیم گزارش نهایی خود با اوضاع محلی آشنا گردند، و بهتر است اعضای انگلیسی این هیئت از افسرانی که سابقاً در هندوستان خدمت کرده و از سیستم نظامی آنجا تجربهٔ دست اول دارند برگزیده شوند و باید آشنایی با یکی از دو زبان فارسی یا فرانسه شرط گزینش آنها باشد.[۱۲۶]

«احمدشاه» چند روز پس از امضای قرارداد رهسپار یک سفر غیررسمی به اروپا شد (۲۵ مرداد ۱۲۹۸)[۱۲۷] «کلنل استراسلسکی» فرماندهٔ قزاقخانه تا بندر انزلی شاه را

۱۲۶. صفحهٔ ۳۴ اسناد محرمانهٔ وزارت امورخارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹

۱۲۷. همراهان شاه عبارت بودند از: نصرت‌السلطنه (عموی شاه)، نصرت‌الدوله وزیر امورخارجه، شهاب الدوله رئیس تشریفات دربار، دکتر لقمان‌الدولهٔ ادهم پزشک مخصوص، حکیم‌الدوله، سرتیپ امیر طهماسبی فرماندهٔ گارد مخصوص، محمدحسین فیروز و شماری دیگر از خدمتگذاران دربار

بَــدرقه کرد.«وثوق‌الدوله» متن قرارداد را در اعلامیه‌ای که مقدمه‌اش اعلام مسافرت شاه بود منتشر کرد، و در آن مقدمه به تفصیل از نابسامانی‌های اوضاع ایران از زمان جنگ به این سو و اقداماتی که برای اصلاح امور کشور و ایجاد امنیت معمول داشته و نیز از کمکهای مالی و تسلیحاتی دولت انگلستان سخن رانده و از شرایطی که تنظیم قرارداد را ایجاب می‌نموده یاد کرده و قرارداد را زمینه‌ای برای استقرار امنیت و انجام اصلاحات و تأمین رفاه عمومی دانسته بود.[۱۲۸] «نصرت‌الدوله فیروز»، وزیرخارجه و امضاکنندهٔ قرارداد به عنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران در مجمع ملل‌متفــق، با در اختیار داشتن مقداری از اسناد وزارت امورخارجه، در این مسافرت همراه شاه بود و منظور اصلی او این بود که برای فراهم آوردن ترتیبات مقدماتی اجرای قرارداد، با مقامهای مسئول دولت انگلستان گفتگو و در کنفرانس صلح پاریس شرکت نموده دعاوی ایران را مطرح کند.

«فیروز» همراه «شاه» از طریق انزلی ــ بادکوبه ــ باطوم ــ تفلیس ــ استانبول و سوئیس به پاریس و پس از توقفی کوتاه خود به لندن رفت.[۱۲۹] او در پاریس کار ریاست هیئت نمایندگی ایران را در مجمع ملل متفق برعهده گرفت و در لندن دربارهٔ اجرای قرارداد و دیگر خواستهای ایران با «لردکرزن» وزیر امورخارجه و «سرچارلزهاردینگ» معاون وزارت خارجه دیدارهای پیاپی داشت. نصرت‌الدوله برخلاف «کاکس» عقیده داشت که مستشاران مالی و نظامی نباید از افسران و مأمورانی باشند که در هندوستان پیشینهٔ خدمت دارند.

مخالفت با قرارداد

در این میان که شاه در مسافرت بود، در ایران بر ضد قرارداد مخالفت آغاز شد. برخی از مخالفان قرارداد را «قبالهٔ فروش ایران» می‌نامیدند و برخی دیگر می‌گفتند پیش از گشایش مجلس قرارداد نباید امضا می‌شد. میتینگها و تظاهرات برضد قرارداد برپا می‌شد و احساسات برخی از مردم را تحریک می‌کردند، مخالفتها بیشتر روی احساس میهنی و گاه نیز از سوی مخالفان شخص «وثوق‌الدوله» ترتیب داده می‌شد،

۱۲۸. روزنامهٔ رعد ۱۸ مرداد ۱۲۹۸

۱۲۹. در ایستگاه بادکوبه فرماندهان نیروی نظامی انگلیس و وزیران حکومت آذربایجان از احمدشاه استقبال و پذیرایی کردند، شاه از باطوم با کشتــی جنگی انگلیس به سمــت استانبول رهسپار و در استانبول به‌گونهٔ نیمه‌رسمی از او استقبــال شد و سلطان عثمانی (سلطان محمد خامس) یک ضیــافت نهار به‌افتخار احمدشاه برپا داشت، شاه با پدر خود (محمدعلی میرزا) که پس از انقلاب روسیه از «ادسا» به استانبول آمده بود نیز دیدار کرد.

برخی از مطبوعات و چند تن از شاعران چون عشقی ــ فرخی یزدی در انتقـــاد از قرارداد نوشته‌ها و شعرهای پُرشور پخش می کردند. در همین حال قرارداد طرفدارانی داشت که امضای قرارداد را گامی برای ایجاد ثبات و امنیت و فراهم آوردن امکانات پیشرفت می‌دانستند. در میان مطبوعات روزنامهٔ پُرتیراژ سیاسی رعد[۱۳۰] از قرارداد دفاع می کرد. همچنین ملک‌الشعرا در روزنامهٔ نیمه‌رسمی ایران[۱۳۱] و چند روزنامه‌نویس دیگر نیز به تفسیر قرارداد و توضیح شرایط وموقعیت ایران در آن هنگام می‌پرداختند، و قرارداد را از نظر حفظ امنیت داخلی و اصلاح سازمانهای انتظامی و دارایی ایران گامی مثبت و مفید می‌پنداشتند. «شیخ‌الرئیس قاجار» در مسجد شیخ عبدالحسین بر فراز منبر برضد قرارداد با تندی و کنـــایه سخـــن‌گفت. «میرزاعلی‌اکبر ساعت‌ساز» که دکانش مرکز تجمع برخی از سیاست پیشگان و خود نیز ساعت‌ساز ویژهٔ سفارت انگلیس بود، برای ترساندن شیخ‌الرئیس، در مسجد شیخ عبدالحسین به سوی منبر او تیراندازی کرد؛ شیخ‌الرئیس مسجد راترک گفت و چند روز در خانه‌اش (در خیابان صفی‌علیشاه) تحت‌نظر بود. هفده نفر هم که در مسجد بر ضد قرارداد جنجال برانگیختند دستگیر و به قزوین تبعید شدند.[۱۳۲] چون تبلیغات برضد قرارداد شدت جست، «کاکس» در اول سپتامبر نامه‌ای به «وثوق‌الدوله» نوشت و تصریح کرد که گفته‌های مخالفان قرارداد سوء تعبیر است. هدف قرارداد رعایت استقلال ایران و تهیهٔ اعتبارات و امکانات لازم برای نیرومندی دولت ایران به‌منظور امنیت داخلی و مقابله با خطرهای خارجی است.[۱۳۳]

بازتاب مخالفت با قرارداد تنها در داخل ایران نبود، در برخی از محافل سیاسی و مطبوعاتی آمریکا و فرانسه قرارداد با شگفتی روبه‌رو شد و از این امتیازی که انگلیس بدون اطلاع متفقین خود به‌دست آورده است با اعتراض و انتقاد سخن می‌گفتند و قرارداد را مغایر مقررات مجمع ملل متفق می‌دانستند. روزنامهٔ تان چاپ پاریس نوشت:

۱۳۰. مدیر و صاحب امتیاز روزنامهٔ رعد «سیدضیاءالدین طباطبایی» بود که جهت سیاسی مشخصی داشت.

۱۳۱. مدیر روزنامهٔ ایران «میرزا احمدخان ملک‌زاده» بود ولی کار تحریرات آن زیر نظر ملک‌الشعرا اداره می‌شد.

۱۳۲. صفحهٔ ۴۴۲، ج ۱، رهبران مشروطه و صفحهٔ ۳۱۹ خاطرات و خطرات، تألیف مهدیقلی هدایت؛ و صورت مذاکرات ۲۷ شهریور ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی. توضیح: شیخ‌الرئیس (ابوالحسن میرزا) که ادیبی نکته‌پرداز و کنایه‌گو بود، هنگامی که مسجد را ترک می‌گفت و از جلوی میرزاعلی اکبر ساعت‌ساز رد شد با تندی به او گفت: «ای عقربک خاردار می‌دانم تو را از کجا کوک کرده‌اند» (صفحهٔ ۵۸۷، ج ۱، رهبران مشروطه)

۱۳۳. صفحهٔ ۱۰۸ اسناد محرمانهٔ وزارت امورخارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹

«این قرارداد محروم کردن ایران از استقلال سیاسی است».

«آلبرت توماس» وزیر جنگ فرانسه در پارلمان آن کشور گفت: انگلیس با این قرارداد می‌تواند امپراتوری خود را گسترش دهد.[۱۳۴] سفارت فرانسه و سفارت امریکا اعلامیه‌ای نیز در این باره در تهران انتشار دادند. قرارداد در مجلس سنای امریکا نیز مورد انتقاد قرار گرفت و گفته شد با امضای این قرارداد دولت انگلیس ایران را زیر حمایت خود درآورده است؛ دولت امریکا به وزیر مختار خود در تهران دستور داده بود به زمامداران ایران اطلاع دهد که از این پس در کنفرانس پاریس از ایران حمایت نخواهد کرد.[۱۳۵] دولت شوروی هم با انتشار اعلامیه‌ای گفت: «ایران با امضای این قرارداد سرنوشت خود را به‌دست انگلستان سپرده است».[۱۳۶]

در برابر چنین تبلیغاتی که در داخل و خارج در مخالفت با قرارداد برخاسته بود، «وثوق‌الدوله» تصمیم به سختگیری گرفت و در ۱۷ شهریور با پخش اعلامیه‌ای به شرایط نابسامان امنیتی و اقتصادی ایران که بستن قرارداد را ایجاب می‌کرد، اشاره نمود و تصریح کرد که قرارداد کمترین مغایرتی با استقلال سیاسی کشور ندارد. «وثوق‌الدوله» مخالفان را «منفی‌باف» دانست و تهدید کرد و عصر همان روز پانزده نفر از مخالفان که چند نفرشان روزنامه‌نگار بودند[۱۳۷] بازداشت شدند و پنج نفر از سران مخالف به کاشان تبعید گردیدند.[۱۳۸] در صف مخالفان قرارداد شماری از روحانیون معروف هم بودند؛ مانند «سیدحسن مدرس» و «شیخ‌الرئیس قاجار» و «حاج امام جمعهٔ خویی» که دولت مزاحمتی برای آنان ایجاد نکرد، اما با سختگیری و اعلام مقررات حکومت نظامی، از فعالیت مخالفان قرارداد به‌طور محسوس کاسته شد.

اعزام هیئت فوق‌العاده به قفقاز

در اوایل سال ۱۲۹۸ یک هیئت فوق‌العاده به‌ریاست «اسماعیل زیادخان اف» از آذربایجان قفقـاز برای استقرار روابط بازرگانی به تهران آمد و پس از مدتی گفتگو در

۱۳۴. صفحهٔ ۲۰۷ انگلیسها در میان ایرانیان و ص ۵۰ اسناد محرمانهٔ وزارت خارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹

۱۳۵. پوشهٔ ۱۷، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

۱۳۶. صفحهٔ ۲۰۷ انگلیسها در میان ایرانیان

۱۳۷. «میرزاده عشقی» و «فرخی یزدی» مدیر روزنامهٔ طوفان در این شمار بودند.

۱۳۸. ممتازالملک ــ ممتازالدوله ــ محتشم‌السلطنه ــ مستشارالدوله و معین‌التجار بوشهری

وزارت امورخارجه، یک قرارداد پستی ــ گمرکی در چهاردهم خرداد میان او و رئیس ادارهٔ تحریرات روس در وزارت امورخارجه (مهدی فرخ= معتضم‌السلطنه) امضا شد،[۱۳۹] ولی گفتگو برای تنظیم قرارداد بازرگانی به جایی نرسید و پس از مدتی از سوی «وثوق‌الدوله»، «سید ضیاءالدین طباطبایی» برای گفتگو با مقامهای جمهوری آذربایجان قفقاز و جمهوری ارمنستان و نیز گفتگو با مقامهای سیاسی و نظامی انگلیس مقیم بادکوبه، به‌عنوان نمایندهٔ فوق‌العاده با اختیارات تام در رأس هیئتی روز دوم آذرماه رهسپار بادکوبه شد.[۱۴۰] او برای حفظ حقوق ایرانیان مقیم بادکوبه و جلوگیری از گسترش خطر بلشویزم در گیلان و ایجاد رابطه با جمهوری‌های جدیدالتأسیس همراه «کاظمی» و «نورزاده» و «ساعدالوزاره» (محمد ساعدمراغه‌ای) سرکنسول ایران در بادکوبه، با «نریمانوف» رئیس جمهوری و «حسین اف» وزیر امورخارجهٔ آذربایجان به گفتگو پرداخت. سپس یک قرارداد بازرگانی و گمرکی و پستی با جمهوری آذربایجان امضا کرد (۲۹ اسفند ۱۲۹۸)[۱۴۱] و اسناد قرارداد را توسط میرزا رضاخان فهیمی به تهران فرستاد و خواست به تصویب هیئت دولت و تأیید شاه برسانند و برگردانند که مبادله شود. به دستور وثوق‌الدوله جلسه‌ای در وزارت امورخارجه با شرکت نمایندگان وزارت دارایی ــ وزارت پست و تلگراف و وزارت فواید عامه با حضور «آدلف پرنی» مستشار حقوقی دادگستری و رؤسای اروپایی پست و تلگراف تشکیل گردید و قرارداد رسیدگی شد. برخی مواد آن تأیید نگردید و پس از چند ماه سیدضیاءالدین و هیئت همراه او به تهران بازگشتند. پس از بازگشت سید ضیاءالدین نمایندهٔ سیاسی جمهوری آذربایجان (آذربایجان جمهوریتی) به نام «عادل خان زیادخان» (زیاداف) و نیز پس از او نمایندهٔ سیاسی جمهوری ارمنستان به نام «پرنس ارغوتیان» به تهران آمدند. این دو نمایندهٔ سیاسی که هر یک چند کارمند همراه داشتند، هر کدام، ساختمانی کوچک اجاره کرده دفتر نمایندگی سیاسی کشور خود را گشودند و با مقامات ایرانی برای تنظیم قرارداد بازرگانی و رفت‌وآمد اتباع دو

۱۳۹. پوشهٔ ۷، جزوه‌دان۶۶ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

۱۴۰. «باقر کاظمی(مهذب‌الدوله) و غلامرضا نورزاد (مفاخرالملک)» از اعضای وزارت امورخارجه و «سروان کاظم‌خان سیّاح» و «میرزا رضاخان فهیمی» عضو وزارت معارف و «ابراهیم‌خان‌زند» از اعضای هیئت همراه سیدضیاءالدین بودند.

۱۴۱. پوشهٔ ۵۶، جزوه‌دان۱۵ (۱۳۳۸) اسناد وزارت امورخارجه

کشـــور به گفتـــگو پرداختنـــد.[۱۴۲]

اقدامات «نصرت‌الدوله» در لندن و پاریس

در حالی که «احمدشاه» در فرانسه به‌سر می‌برد، «نصرت‌الدوله فیروز» میان لندن و پاریس در رفت و آمد بود. «احمدشاه» به دعوت «ژرژ پنجم» پادشاه انگلیس روز هفتم آبان ۱۲۹۸[۱۴۳] رهسپار لندن شد و «نصرت‌الدوله» چند روز پیشتر از لندن به پاریس رفت و همراه شاه به انگلستان بازگشت. «احمد شاه» در مهمانی پادشاه انگلیس و در مهمانی شهردار لندن در سخنان خود با نظر موافق از قرارداد «فیروز ــ کاکس» یاد کرد.[۱۴۴] پس از بازگشت «احمد شاه» به پاریس (۱۸ نوامبر) «فیروز» برای پیگیری کار اجرای قرارداد در لندن ماند. با نظر او و نظر مقامهای وزارت خارجه و وزارت جنگ و وزارت دارایی انگلیس، «آرمیتاژ اسمیت» (یکی از معاونان خزانه‌داری بریتانیا) و «ژنرال دیکسن» برای ریاست هیئت مستشاران مالی و نظامی انتخاب شدند و آن دو همکاران خود را برگزیدند. یک هیئت سه نفری هم به ریاست «واتکینز» برای گمرک ایران انتخاب شد.

قراردادها در لندن تنظیم و از سوی «نصرت‌الدوله» و مقامهای انگلیسی و خودمستشاران به امضا رسید و مستشاران در دسامبر ۱۹۱۹ به ایران رهسپار شدند و پس از ورود به تهران «آرمیتاژ اسمیت» و همکارانش در وزارت دارایی و «ژنرال دیکسن» و همکارانش در وزارت جنگ مستقر گردیدند و «دیکســـن» و همکارانش با «سپهـدار

۱۴۲. در نیمهٔ دوم سال ۱۳۰۰ هیئتی به ریاست «اسماعیل خان ممتازالدوله» و عضویت «ترجمان‌السلطنه» و «ممتاز همایون» و «اعتصام‌السلطنه» به بادکوبه رهسپار شد و به تفلیس و ایروان نیز سفر کرد و در دی‌ماه ۱۳۰۰ یک عهدنامهٔ بازرگانی و گمرکی با موافقت و حضور نمایندهٔ جمهوری روسیهٔ شوروی در بادکوبه با نمایندگان جمهوری آذربایجان و گرجستان و ارمنستان تنظیم کرد و به تهران‌فرستاد، کمیسیون خارجهٔ مجلس شورای ملی در آن عهدنامه تغییراتی داد و برای «ممتازالدوله» بازپس فرستاده شد. ممتازالدوله در خرداد ۱۳۰۱ به عنوان نمایندهٔ فوق‌العادهٔ ایران مأمور آنکارا شد و گفتگوی با نمایندگان جمهوری‌های قفقاز به تقی‌زاده (که در رأس هیئتی برای بستن عهدنامه‌های پستی و تلگرافی تجارتی در مسکو به‌سر می‌بردند) محول گردید (پوشهٔ ۵۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۳۰۱) اسناد وزارت امورخارجه)

۱۴۳. ۲۱اکتبر ۱۹۱۹

۱۴۴. سخنان «لرد کرزن» در پارلمان انگلیس (روزنامهٔ یرکشایرپست، چاپ انگلستان، نوامبر ۱۹۱۹) ژنرال آیرون‌ساید فرماندهٔ نیروی انگلیس در شمال ایران نیز از موافقت «احمدشاه» با قرارداد «فیروز کاکس» صریحاً یاد کرده است (صص ۶۷ و ۶۸ خاطرات آیرون‌ساید)

رشتی» (فتح‌الله اکبر) وزیر جنگ و «سالار لشکر» (عباس میرزا) معاون وزارت جنگ به گفتگو و کسب اطلاع و مشورت پرداختند و در ۲۸ دی ماه «کمیسیون مختلط» نظام آغاز به‌کار کرد.[۱۴۵] این کمیسیون هفته‌ای دوبار تشکیل جلسه می‌داد و برای سازمان دادن ارتش نوین و نیروی انتظامی ایران به مشورت و مطالعه و بررسی می‌پرداخت.

سازمان نیروهای نظامی و انتظامی در آن هنگام بدین‌گونه بود:

۱. پلیس جنوب زیر نظر افسران انگلیسی مرکب از ۵۴۰۰ سرباز ایرانی و ۴۷ افسر انگلیسی و ۲۵۶ افسر جزء انگلیسی و هندی و ۱۹۰ افسر جزء ایرانی.

۲. نیروی قزاق زیر نظر افسران روسی مرکب از ۷۸۵۶ قزاق ایرانی، ۵۶ افسر روسی و ۶۶ افسر جزء روسی و ۲۰۲ افسر ایرانی.

۳. نیروی ژاندارمری مرکب از ۸۴۰۰ ژاندارم زیر نظر افسران سوئدی و دویست و پنجاه افسر ارشد و افسر جزء ایرانی.

پلیس هم زیر نظر افسران سوئدی بود:

کمیسیون مختلط نظام پس از مدتی گفتگو و مطالعه برای سازمان ارتش و نیروی انتظامی، طرحی بدین‌گونه تهیه کرد.

تشکیل یک ارتش متحدالشکل ۳۶۰۰۰نفری، و تجدید سازمان ژاندارمری با ۱۲۰۰۰ ژاندارم و تجدید سازمان پلیس با هشت‌هزار پلیس و تجدید سازمان قزاق با چهارهزار قزاق.[۱۴۶] برای مجموع این نیرو، ده میلیون تومان بودجه پیش‌بینی شده و حقوق و مزایای هریک از افسران ارشد و جزء و درجه‌دار و سرباز و ژاندارم و قزاق و پلیس ساده تعیین شد، ولی طرحهای این کمیسیون سرانجام باید به تصویب دولت می‌رسید و صورت اجرایی پیدا می‌کرد.[۱۴۷]

۱۴۵. پوشهٔ ۱، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه. اعضای انگلیسی کمیسیون مختلط نظام «ژنرال دیکسن» (رئیس هیئت)، «ژنرال هادلستن» کاپیتان فرت استیو ــ کلنل گاف، «کلنل فریزر»، «کلنل مونت»، «کلنل استیل» و «کلنل موئینز» (منشی کمیسیون)؛ اعضای ایرانی «سپهدار» (فتح‌الله اکبر) وزیر جنگ، عباس میرزا سالار لشکر (برادر نصرت‌الدوله) معاون وزارت جنگ (عباس میرزا رستهٔ توپخانه را در ارتش فرانسه گذرانده بود)، سردار مقتدر، سرهنگ فضل‌الله‌خان (آق‌اولی) (منشی کمیسیون)، سرهنگ عزیزالله‌خان (افسر ژاندارمری)، سرهنگ فضل‌الله خان چند ماه بعد خودکشی کرد (نقل از یادداشتهای سپهبد فرج‌الله آق‌اولی برادر سرهنگ فضل‌الله خان) و صفحات ۲۱ و ۲۲ کتاب نخست‌وزیران، نوشتهٔ ابراهیم صفائی).

۱۴۶. صفحهٔ ۴۷، ج ۱، تاریخ احزاب سیاسی.

۱۴۷. فکر سازمان جدید وزارت جنگ و ستاد ارتش (ارکان حرب) و استقرار لشکرها و تیپها در استانها و تأسیس ادارهٔ بهداری و تدارکات و نقلیهٔ ارتش و تأسیس نیروی هوایی و ایجاد روش سربازگیری عمومی (نظام اجباری=وظیفه)

←

در همین حال دولت انگلیس به عنوان مساعده هر ماه سیصدهزار تومان در اختیار ایران می‌گذاشت که زیر نظر «آرمیتاژ اسمیت» به مصرف می‌رسید و نیز موقتاً هر ماه شصت هزار تومان برای کمک به بودجهٔ لشکر قزاق، از وزارت هندوستان داده می‌شد[۱۴۸] و از این رو افسران انگلیسی عملاً بر نیروی قزاق نظارت یافتند. «نصرت‌الدوله» میـــان لنـــدن و پاریس در رفت و آمد بود و با مقامهای وزارت امورخارجه دو کشور گفتگو داشت، او در لندن با «لرد کرزن» وزیر امورخارجه و «هاردینگ» معاون و «آلیفنت» رئیس بخش خاورمیانهٔ وزارت امورخارجهٔ انگلیس برای جبران خسارات ایران و خرید جنگ‌افزار و وصول مطالبات ایران از شرکت نفت و ایجاد خط‌آهن از مرز خانقین به کرمانشاهــ همدانــ تهران و احداث راههای شوسه و تأسیس سرویس هوایی گفتگوها کرد و پیشنهادهایی چند مطرح نمود.[۱۴۹] موضوع مهمتر در گفتگوهای «نصرت‌الدوله» اصلاح خطوط مرزی ایران بود. «نصرت‌الدوله» در تمام این مسائل با «وثوق‌الدوله» در مکاتبه و مشاوره بود. دعاوی ارضی ایران بسیار گسترده بود؛ در آن سوی ارس، نخجوان و ایروان و در پیرامون خزر، سرزمین ترکمنهای یموت و جزیرهٔ «آشوراده» و در آن سوی کردستان موصل و بخشی از سرزمینهای مرزی عثمانی و در آن سوی خراسان، سرخس کهنه، عشق‌آباد، لطف‌آباد، مرو و هرات را در بر می‌گرفت.

«نصرت‌الدوله» نقشهٔ این مناطق را پیوست درخواست خود از سوی دولت ایران به‌وسیلهٔ «هاردینگ»، در اختیار «لرد کرزن» گذاشت و درخواست کرد هنگامی که این دعاوی را در مجمع ملل مطرح می‌کند، انگلیس از این دعاوی پشتیبانی نماید. او موفقیت در پیشبرد این دعاوی یا قسمتی از این دعاوی را موجب اقتدار دولت ایران و تثبیت حکومت «وثوق» می‌دانست.[۱۵۰]

نصرت‌الدوله دعاوی ایران را گسترده‌تر از آنچه مشاورالممالک قبلاً در مجمع ملل متفق عنوان کرده بود، مطرح ساخت اما وزیر امورخارجهٔ انگلیس به او گفت:

انگلستان با تقدیم درخواست ایران به کنفرانس صلح مخالف نیست، ولی با

به‌منظور گسترش امنیت و آرامش، از طرحهای این کمیسیون بود که بعداز کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در ایران به مرحلهٔ عمل درآمد.

۱۴۸. صفحهٔ ۹۰ خاطرات ژنرال آیرون‌ساید.

۱۴۹. صفحهٔ ۹۰ خاطرات ژنرال آیرون‌ساید؛ صفحات ۱۸۲، ۲۱۷ و ۲۵۸ .اسناد محرمانهٔ وزارت خارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹، صفحهٔ ۳۰۹، اسناد پیوست کتاب زندگی سیاسی احمدشاه (چاپ چهارم)

۱۵۰. صفحهٔ ۲۷۸ اسناد محرمانهٔ وزارت خارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹.

اصل درخواست جز در مورد آشوراده و مرز کردستان نمی‌تواند موافقت کند؛ چون دعاوی ایران بسیار گسترده و غیرمنطقی و نامعقول است وافزود: دولت انگلیس می‌خواهد ایران در داخل مرزهای کنونی خود نیرومند و مستقل باشد.[۱۵۱]

«نصرت‌الدوله فیروز» برای شرکت در کنفرانس صلح موفق نشد (همچنانکه مشاورالملک موفق نگردید)، زیرا گردانندگان کنفرانس تنها به نمایندگان کشورهایی که در جنگ شرکت داشتند اجازهٔ شرکت در این کنفرانس را می‌دادند ودر رعایت این نکته چندان پافشاری داشتند که حتی پس از تنظیم عهدنامهٔ صلح هنگامی که «ویلسن» رئیس جمهور امریکا پس از بازگشت از پاریس در روزی که قرار بود با تشریفات ویژه و در حضور نمایندگان سیاسی کشورهای خارج مقیم امریکا، پیمان صلح را به کنگرهٔ امریکا تقدیم کند (۱۲ ژوئیهٔ ۱۹۱۹)[۱۵۲]، تنها نمایندگان کشورهایی که در جنگ شرکت داشتند در این مراسم دعوت شدند.[۱۵۳]

«نصرت‌الدوله» در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۹[۱۵۴] در پاریس الحاق ایران را به (مجمع ملل متفق) رسماً به دبیرکل جامعه اطلاع داد و وثوق‌الدوله را از این اقدام خود مطلع ساخت. «کلمانسو» نخست‌وزیر فرانسه و رئیس کنفرانس مجمع ملل ضمن یک تلگراف، نظریهٔ وثوق‌الدوله نخست‌وزیر ایران را دربارهٔ الحاق ایران به مجمع ملل جویا شد. وثوق‌الدوله به کلمانسو تلگرافی پاسخ داد و ضمن سپاسگزاری چنین یادآور شد: به‌طوری که شاهزاده نصرت‌الدوله وزیر امورخارجهٔ ایران روز ۲۱ نوامبر ۱۹۱۹ به مدیر دارالانشای مجمع ملل متفق اظهار نموده، ایران الحاق بلاشرط خود را به مجمع ملل متفق اعلام می‌دارد و عضویت آن مجمع را می‌پذیرد.[۱۵۵] از آن پس نصرت‌الدوله دعاوی ارضی ایران و خسارات جنگی ایران را هم بار دیگر عنوان کرد. در حالی که «فیروز» در پاریس و لندن کوششهای خود را برای تثبیت اوضاع سیاسی ایران ادامه می‌داد و قرارداد نهم اوت را نیز وسیله‌ای برای تثبیت اوضاع ایران می‌دانست، در ایران مخالفت با دولت و ناآرامی‌های پراکنده گسترش می‌یافت و در شمال ایران «نهضت جنگل» بار دیگر با کمک تجهیزات و افراد مسلح اعزامی از سوی جمهوری آذربایجان و اعضای حزب عدالت

۱۵۱. صفحهٔ ۲۷۸ اسناد محرمانهٔ وزارت خارجهٔ بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹

۱۵۲. ۱۹ تیرماه ۱۲۹۸

۱۵۳. نامهٔ ۳۰ژوئیهٔ ۱۹۱۹ سفارت ایران در واشنگتن؛ پوشهٔ ۷، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

۱۵۴. ۲۸آبان ۱۲۹۸

۱۵۵. پوشهٔ ۱۷، جزوه‌دان ۶۶ (۱۳۳۸ق.) اسناد وزارت امورخارجه

«بادکوبه» نیرو گرفته و بخشهایی از گیلان را زیر سلطهٔ خود داشت. در چنین اوضاعی بامداد روز ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ دوازده ناو جنگی شوروی بندر غازیان را گلوله‌باران کرد. «ژنرال شاپیه» یکی از فرماندهان بلشویک آن ناوها با اسکورت به ساحل آمده و به فرمانداری انزلی رفت و تهدید کرد که در صورت مقاومت، غازیان و انزلی را با خاک یکسان خواهد کرد. فرماندهان ناوگان بلشویک در انزلی در ساختمان «لیانازف» روسی (صاحب امتیاز شیلات) اقامت جستند. «فیروز» وزیر امورخارجه ضمن تلگراف به «چیچرین» کمیسر خارجی شوروی اعتراض کرد، ولی چیچرین پاسخ داد: فرماندهٔ نیروی دریایی خزر برای تصرف کشتی‌های «دنیکین» (ژنرال ضدانقلاب روس که انگلیسها از او حمایت می‌کردند) چنین اقدامی کرده و پس از تحویل گرفتن کشتی‌ها و افسران و ناویان آن کشتی‌ها، غازیان و انزلی را ترک خواهند گفت.[۱۵۶] در مورد این تجاوز «وثوق‌الدوله» تلگرافی به نصرت‌الدوله دستور داد از هیئت اجرایی مجمع ملل متفق تقاضای تشکیل جلسهٔ فوق‌العاده نماید. «نصرت‌الدوله» هم از رئیس دبیرخانهٔ مجمع ملل متفق به استناد مادهٔ یازدهم مقررات مجمع برای رسیدگی به تجاوز کشتی‌های شوروی با بهای ایران تقاضای تشکیل جلسهٔ فوق‌العاده کرد.[۱۵۷] پس از ابلاغ شکایت ایران به دولت شوروی، آن دولت به مجمع ملل پاسخ داد: شوروی حاضر است نیروی خود را به فوریت از انزلی فرا خواند، مشروط بر آنکه دولت ایران شکایت خود را مسترد دارد.[۱۵۸]

در همین اوقات نصرت‌الدوله وزیر امورخارجهٔ ایران به دستور وثوق‌الدوله در لندن با «کراسین» نمایندهٔ شوروی (مقیم لندن) برای ایجاد روابط سیاسی در گفتگو بود، و پیشنهاد کرد یک هیئت سیاسی برای آغاز گفتگوهای دوستانه از تهران به مسکو اعزام دارد. «چیچرین» کمیسر خارجی شوروی که به وسیلهٔ «کراسین» از این تصمیم آگاه شده بود، ضمن یک تلگراف به نصرت‌الدوله اتخاذ این تصمیم را تبریک گفت و یادآور گردید برای هیئتی که از تهران به مسکو خواهد رفت تمام امکانات پذیرایی متناسب با شئونات نمایندگان سیاسی فراهم خواهد شد.[۱۵۹]

۱۵۶. صفحهٔ ۱۶۹ نهضت میرزا کوچک‌خان، نوشتهٔ دکتر شاپور رواسانی و صفحهٔ ۱۰۹ اقتصاد سیاسی ایران، تألیف دکتر کاتوزیان، ترجمهٔ محمدرضا نفیسی

۱۵۷. پوشهٔ ۶، جزوه‌دان ۴۴، (۱۳۳۸ق.) اسناد وزارت امورخارجه

۱۵۸. پوشهٔ ۶، جزوه‌دان ۴۴ (۱۳۳۸ق.) اسناد وزارت امورخارجه

۱۵۹. پوشهٔ ۲۹، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۸) اسناد وزارت امورخارجه

بلشویکها می‌خواستند انزلی را هم تصرف کنند زیرا حضور نیروی انگلیس در انزلی تهدیدی بود برای بادکوبه و منابع نفتی آنجا. درهمین روزها برای ضبط کشتی‌های «دنیکین» میان بلشویکها و نیروی انگلیس درگیری روی داد. سرانجام نیروی انگلیس پس از ضبط مقداری از اموال کشتی‌های «دنیکین» و سوزاندن مقداری دیگر (احتمالاً اسناد و اوراق)، کشتی‌های «دنیکین» را با شصت نفر ناویان آن به بلشویکها تحویل داد و نیروی انگلیس به دستور «ژنرال شامپانی» (فرماندهٔ نیرو) از غازیان و انزلی به رشت و سپس به منجیل و قزوین عقب‌نشینی کرد (۱۳ و ۱۴ خرداد ۱۲۹۹)[۱۶۰] عقب‌نشینی نیروی انگلیس به سقوط رشت و برپایی «کمیتهٔ انقلاب سرخ» و اعلام الغای سلطنت و برپایی جمهوری شوروی سوسیالیستی به‌ریاست میرزا کوچک‌خان (زیر نفوذ بلشویکها و کمیتهٔ انقلاب سرخ) منتهی گردید. حزب عدالت باکو در کنگرهٔ خود موجودیت حزب کمونیست ایران را اعلام داشت و «حزب کمونیست ایران» برای نخستین بار به ریاست «چلبابین» روسی رئیس کمیتهٔ بلشویکی بندر انزلی در انزلی تشکیل شد. «میرزا کوچک خان» با مخابرهٔ یک تلگراف از دولت شوروی خواست حکومت جمهوری سوسیالیستی ایران را که در گیلان تشکیل شده به‌رسمیت بشناسد و نیز با مخابرهٔ تلگراف دیگری برپایی جمهوری سوسیالیستی ایران را به آگاهی سفارتخانه‌های مقیم تهران رسانید، ولی به هیچ یک از تلگرافهای او پاسخ داده نشد.[۱۶۱]

بازگشت شاه، تغییر وزیر مختار انگلیس، کناره‌گیری وثوق‌الدوله

در حالی که ناموفق ماندن «وثوق‌الدوله» در گشایش مجلس و قطعیت بخشیدن به‌کار قرارداد و اعلام جمهوری سوسیالیستی در گیلان موقعیت او را تضعیف کرده بود، «احمدشاه» پس از سفر هشت ماهه، روز سیزدهم خرداد ۱۲۹۹ به تهران بازگشت. شاه

۱۶۰. صفحهٔ ۱۶۹ نهضت میرزاکوچک‌خان؛ صفحهٔ ۱۰۹ اقتصاد سیاسی ایران

۱۶۱. صفحهٔ ۳۹۱ ایران در جنگ بزرگ؛ توضیح: اختلاف و تضاد عقیده میان «کوچک‌خان» ملی‌گرا و مذهبی و معتدل با دیگر سران تندرو بلشویک و کمونیست و انقلابی حکومت گیلان موجب شد که او با تعرض رشت را به سوی فومن ترک کند (۱۸ تیرماه). طرح توطئه‌ای هم برای ترور او از سوی سران بلشویک افراطی شایع شد. پس از رفتن کوچک‌خان چپگرایان تندرو نهضت «احسان‌الله‌خان دوستدار» را به‌عنوان «سرکمیسر و کمیسر خارجی» (رئیس دولت و وزیر امورخارجه) برگزیدند و وزیران دیگر را نیز انتخاب کردند. پنج نفر از سران کمیتهٔ انقلاب سرخ («ابوکف» فرماندهٔ قوا، «ترونین» رئیس ادارهٔ سیاسی «بولومکین» رئیس کمیساریا، «گوسف» مسئول امنیت نظامی و «آبیخ» معاون دژبان نظامی)، کمونیست روسی یا قفقازی بودند و بیشتر اختیارات را در دست داشتند.

به‌واسطهٔ عدم موفقیت «وثوق‌الدوله» ازاوسلب اعتماد کرده و اختلاف شخصی و مالی نیز با او داشت[۱۶۲] و در همین روزها «هرمان نورمن» وزیر مختار جدید انگلیس با تعلیمات لازم به تهران آمد (۱۸ خرداد) و مجموع اوضاع سرنوشت قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ را به تردید و ابهام کشاند.

«نورمن» بر خلاف «کاکس» با «وثوق‌الدوله» نظر موافق نداشت و او را نزد مردم ایران منفور و بقای حکومتش را برای انگلستان مفید نمی‌دانست؛[۱۶۳] در چنین شرایطی ادامهٔ حکومت برای «وثوق‌الدوله» دشوار می‌نمود، سرانجام در چهـــارم تیرماه استعفا داد و پس از چند روز از سوی شاه با موافقت «نورمن» «مشیرالدوله» (حسن پیرنیا) به نخست‌وزیری منصوب شد.[۱۶۴] خبر استعفای «وثوق‌الدوله» موجب نگرانی نصرت‌الدوله شد و ضمن تلگرافی که به وثوق‌الدوله مخابره نمود ابراز تأسف کرد و اثرات این استعفا را برای ایران زیانبار دانست.[۱۶۵]

«پیرنیا» نخست‌وزیری را پذیرفت ولی در گفتگو با «نورمن» تشیکل دولت را موکول به قبول درخواست خود از انگلستان نمود و این درخواست را در دو جمله خلاصه کرد:

۱. موقوف‌الاجراء ماندن قرارداد «نصرت‌الدوله» و «کاکس» تا افتتاح مجلس و تعیین تکلیف آن از سوی مجلس شورای ملی؛

۲. کمک دولت انگلستان در وصول مطالبات ایران از شرکت نفت.[۱۶۶]

نورمن این پیشنهاد را تلگرافی به وزارت خارجهٔ انگلیس گزارش داد، وزارت خارجهٔ انگلیس به پیشنهاد «نورمن» با این درخواست موافقت نمود مشروط برآنکه دولت ایران مجلس را حداکثر تا سه ماه دیگر بگشاید و قرارداد را به مجلس بدهد.[۱۶۷] روز ۱۲ تیرماه «نورمن» به دیدار «مشیرالدوله» رفت و پاسخ وزارت امورخارجهٔ انگلستان را به اطلاع او رسانید و نیز موافقت شد تا چند ماه مساعده‌ای را که برای کمک به بودجهٔ دولت ایران می‌داد قطع نکنند.[۱۶۸]

۱۶۲. صفحه ۳۱۳ اسناد وزارت خارجهٔ انگلستانو پیوست چاپ چهارم کتاب زندگانی سیاسی احمدشاه؛ تألیف حسین مکی، صفحهٔ ۳۹، ج۱، تاریخ مختصر احزاب سیاسی.

۱۶۳. گزارش تلگرافی ۱۵ ژوئن ۱۹۲۰ نورمن، صفحهٔ ۳۱۸ پیوست چاپ چهارم کتاب زندگانی احمدشاه

۱۶۴. تلگراف «لردکرزن» به «نورمن»، صفحهٔ ۳۳۶ اسناد وزارت خارجهٔ انگلستان، پیوست کتاب بالا

۱۶۵. پروندهٔ ۷، جزوه‌دان ۶۶ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه

۱۶۷ و ۱۶۶. صفحهٔ ۴۷۶، ج۱، رهبران مشروطه

۱۶۸. روزنامهٔ ایران، شمارهٔ ۱۳، تیرماه ۱۲۹۹

پسٰ از اعلام این موافقت «مشیرالدوله» روز هفدهم تیرماه وزیران خود را معرفی نمود.[۱۶۹] «ژنرال دیکسن» و مستشاران نظامی انگلیس با موافقت «مشیرالدوله» قرار شد تا افتتاح مجلس و تعیین تکلیف قرارداد در ایران بمانند.[۱۷۰]

کار کمیسیون نظام تقریباً متوقف شد ولی نظارت افسران انگلیسی بر بریگاد قزاق و کمک ماهیانه به بودجهٔ قزاقخانه از سوی وزارت هندوستان ادامه داشت. «اسمیت» مستشار مالی از سوی دولت برای وصول مطالبات ایران از شرکت نفت به مأموریت لندن رفت و در این مأموریت چندصد هزار لیره برای دولت ایران وصول کرد.[۱۷۱] «مشیرالدوله» زندانیان و تبعیدیان زمان «وثوق الدوله» را که به مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ برخاسته بودند آزاد کرد و برای اصلاح کار گیلان که «احمدشاه» بر آن تأکید بسیار داشت، در آغاز از طریق مسالمت گام پیش نهاد و «سردار فاخر» (رضا حکمت) را با نامه و پیام نزد «میرزا کوچک خان» فرستاد؛ او داخل جنگل در روستای «گوراب زرمخ» با «میرزا کوچک خان» دیدار کرد ولی این دیدار نتیجه‌ای نداشت.[۱۷۲] چون قدرت تصمیم‌گیری در «کمیتهٔ انقلاب سرخ گیلان» با بلشویکها و انقلابیونی بود که از بادکوبه یا روسیه به انزلی و رشت آمده و با غیبت «میرزا کوچک خان» زمام حکومت را هم در دست داشتند.

در این هنگام که ناامنی و فشار و مصادرهٔ اموال از سوی عوامل حکومت جمهوری سوسیالیستی بر گیلان سایه افکنده و هزاران خانوادهٔ گیلانی خانه و هستی خود را رها کرده و به قزوین و تهران می‌گریختند، «احمدشاه» به «مشیرالدوله» دستور اعزام نیروی نظامی را داد. «کلنل استاروسلسکی» فرماندهٔ بریگاد قزاق، که پس از استقرار نظارت افسران انگلیسی بر قزاقخانه اختیاراتش محدود شده بود، با موافقت همان افسران انگلیسی از سوی شاه عنوان «سردار» و درجهٔ «امیرنویان» (معادل سپهبد) و

۱۶۹. هیئت دولت (مشیرالدوله) نخست‌وزیر ــ ابوالفتح والاتبار (حشمت‌الدوله) وزیر کشور ــ میرزااحمدخان مستشارالسلطنه، وزیر امورخارجه ــ مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) وزیر دارایی ــ مهدی دادور (وثوق‌السلطنه) وزیر جنگ ــ جعفرقلی هدایت (نیرالملک) وزیر پست و تلگراف ــ ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) وزیر فرهنگ (معارف) اعتلاءالسلطنه، وزیر راه (طرق و شوارع و فواید عامه) حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک) و حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک) وزیر مشاور

۱۷۰. صورت جلسهٔ ۱۵ بهمن ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی

۱۷۱. صفحهٔ ۴۴۶، ج ۱، رهبران مشروطه.

۱۷۲. صفحهٔ ۶۵۸، ج ۲، رهبران مشروطه، توضیح: «سردار فاخر» در دورهٔ ۲۰/۱۹/۱۸/۱۶/۱۵ ریاست مجلس شورای ملی را برعهده داشت.

نشان و حمایل گرفت و با مقام فرماندهٔ قزاقخانه مأمور برچیدن بساط جمهوری سوسیالیستی گیلان شد. هنگام رهسپاری نیروی قزاق به شمال، از سوی دولت در تهران فرمانداری نظام برپا شد و «مشیرالدوله» با پخش اعلامیه‌ای به روزنامه‌ها متذکر گردید که از قیام‌کنندگان تنها با عنوان «متجاسرین» بایستی نام ببرند. روزنامه‌ها را نیز زیر نظر وزارت جنگ قرار داد.[۱۷۳] «استاروسلسکی» با چندهزار نیروی قزاق و بخشی از نیروی اضافهٔ ژاندارمری روز ۱۸ تیرماه از تهران حرکت کرد و تا پایان تیرماه، بندر گز ـ ساری ـ مشهدسر (بابلسر) و تنکابن را در مازندران تسخیر کرد. احسان‌الله‌خان که تا تنکابن به قصد تسخیر تهران پیش آمده‌بود، در آنجا به مقاومت برخاست ولی با دادن تلفات از آنجا گریخت.

«استاروسلسکی» پس از گماردن نیرو برای پاس امنیت مازندران، رهسپار گیلان شد و روز ۳۱ مرداد رشت را تصرف کرد، بلشویکها در آغاز مقاومت شدید داشتند ولی با دادن تلفات بسیار و به آتش کشیدن بخشی از شهر، به جنگلها گریختند و بیش از پانصد نفر از اتباع روس و قفقاز که در صف نیروی «کمیتهٔ انقلاب سرخ» در برابر قزاقها می‌جنگیدند به اسارت نیروی قزاق درآمدند.[۱۷۴] از آن پس به‌دستور «استاروسلسکی» دو تیپ از نیروی قزاق برای سرکوبی بلشویکها که‌در بندر انزلی موضع گرفته و حمله به رشت را تدارک می‌دیدند، به انزلی حمله کرد (۲۴ مهر ۱۲۹۹) ولی با گلوله‌باران توپخانهٔ بلشویکها و آتش‌باری بی‌امان رزمناوهای شوروی روبه‌رو شد و با دادن تلفات سنگین عقب‌نشینی کرد و در حین عقب‌نشینی دو هواپیمای نظامی انگلیس که از قزوین برخاسته بود آنان را زیر بمباران قرار داد. مقامهای نظامی انگلیس گفتند دو هواپیمای نظامی نیروی قزاق را نیروی بلشویک پنداشته و اشتباه شده است.[۱۷۵] یکی از دو تیپ شکست خورده و بمباران‌شده، تیپ پیادهٔ همدان به فرماندهی سرتیپ رضاخان بود.[۱۷۶]

پس از این رویداد «استاروسلسکی» ناگهان فرمان عقب‌نشینی داد و در دادن این فرمان به سازش پنهانی با فرماندهان نیروی شوروی در انزلی متهم شد. با اعلام فرمان عقب‌نشینی، نیروی قزاق که در رشت مستقر بود به هاشم‌آباد و منجیل عقب

۱۷۳. صفحهٔ ۴۸۷، ج ۱، رهبران مشروطه، صفحهٔ ۳۹۴ ایران در جنگ بزرگ

۱۷۴. این اسیران مدتها در تهران و سمنان و قزوین بازداشت بودند و پس‌از استقرار مناسبات سیاسی میان ایران و شوروی با پیگیری «روتشتاین» وزیر مختار روسیه آزاد شده، از طریق بندر جز به روسیه یا قفقاز گسیل شدند.

۱۷۵. صفحهٔ ۳۴۲ کتاب نگاهی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگل، تألیف مصطفی شعاعیان

۱۷۶. یادداشتهای سرلشکر اسماعیل شفائی

نشست؛ منجیل پایگاه سپاهیان انگلیس بود که برای جلوگیری از پیشروی، بلشویکها در آنجا مستقر بودند. نیروی شکست‌خوردهٔ قزاق که بیشترشان کفش پاره و لباس پاره داشتند به سوی قزوین عبور کرد.[۱۷۷] «مشیرالدوله» از سویی در برابر اوضاع گیلان درماند و خطر سقوط تهران را هم احتمال می‌داد و از دیگر سو از گشودن مجلس طفره می‌رفت و شاید صلاح نمی‌دانست، و برای آنکه توجیهی در این باره داشته باشد با صدور یک اعلامیه درستی انتخابات مجلس را مورد تردید قرار داد و تأیید انتخابات را موکول به مراجعه به آرای عمومی نمود. برخی از نمایندگانِ منتخب و از آن میان «عبدالحسین‌خان سردار معظم» (تیمور تاش) نمایندهٔ قوچان و نیز شماری از سیاست پیشگان و نویسندگان به اعلامیهٔ «مشیرالدوله» به این استدلال که مراجعه به آرای عمومی (رفراندم) در قانون اساسی ایران هیچ موضوع و مجوزی ندارد و خودداری از گشودن مجلس کاری قانون‌شکنانه می‌باشد، اعتراض کردند. طرفداران «قرارداد کاکس» که آن را در شرایط زمان مفید به حال ایران می‌دانستند و یا به سیاست انگلیس گرایش داشتند، نیز به رهبری «سید ضیاءالدین طباطبایی» مدیر روزنامهٔ سیاسی رعد و «تیمورتاش» در زرگنده با مخالفان دولت جلسه تشکیل می‌دادند و «مشیرالدوله» را به بی‌کفایتی و قانون‌شکنی و مخالفت با گشودن پارلمان متهم می‌کردند و روزنامهٔ رعد و چند روزنامهٔ دیگر انتقادهای کوبنده بر «او» وارد می‌ساختند. دولت انگلیس هم پس از آنکه «مشیرالدوله» به وعدهٔ خود برای گشودن مجلس عمل نکرد دویست هزارتومان مساعدهٔ ماهیانه راکه از زمان نخست‌وزیری «سپهدار خلعتبری» به دولت ایران می‌داد (و در نخست وزیری وثوق آن را افزوده بود) قطع کرد و تنها پرداخت کمک به بریگاد قزاق (که افسران انگلیسی پس ازبرپایی کمیسیون مختلط نظامی بر آن نظارت داشتند و از بودجهٔ وزارت هند تأمین می‌شد) ادامه داشت. «مشیرالدوله» در برابر چنان اوضاعی خود را قادر به ادامهٔ خدمت ندید و روز چهارم آبان ۱۲۹۹ استعفای خود را به «احمدشاه» تقدیم کرد و کناره‌گیری نمود. تنها کار مثبت دولت «مشیرالدوله» این بود که «مشاورالممالک» (علیقلی خان انصاری) را که در سالهای پیش سه سال به‌عنوان مستشار سفارت ایران در روسیه خدمت کرده و از

۱۷۷. با عقب‌نشینی نیروی قزاق، بلشویکها بار دیگر بر رشت چیره شدند و بار دیگر هزاران نفر از مردم گیلان خانهٔ خود را رها کرده به‌سوی قزوین و تهران گریختند و در مسافرخانه‌ها و کاروانسراها و مساجد جای داده شدند و یک کمیسیون اعانه (زیر نظر نصرت‌السلطنه، عموی احمدشاه) برای کمک و سامان دادن به کار آنها تشکیل شد.

این پیش به ریاست هیئت نمایندگی ایران در مجمع ملل شرکت نموده و در این هنگام در استانبول بود، به عنوان سفیر فوق‌العاده با اختیارات تام مأموریت داد برای آغاز گفتگو با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روسیه رهسپار مسکو شود[۱۷۸] و پاسخ نامهٔ ۲۶ژوئن ۱۹۱۸ (۴تیر ماه ۱۲۹۷) «چیچرین» و مواد شانزده‌گانهٔ مندرج در آن نامه را برای «مشاورالممالک» فرستاد تا با «چیچرین» در مسکو گفتگو کند.

مشاورالممالک نخست به بادکوبه رفت و پس از دیدار و گفتگو با «نریمان‌اف» سرکمیسر و «حسین اف» کمیسر خارجی حکومت جمهوری بلشویکی آذربایجان دربارهٔ فراخوانی نیرو و بلشویکهای قفقازی از انزلی و آزادی ایرانیان بازداشت شده در بادکوبه و جبران خسارات ایرانیانی که اموالشان در آن شهر مصادره شده بود، از راه تفلیس و راستوف خود را به مسکو رسانید (۸ آبان ۱۲۹۹)[۱۷۹]. «لنین» رئیس حکومت اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی، مشاورالممالک و هیئت همراهش را پذیرفت، سپس با «چیچرین» کمیسر خارجی (وزیر امورخارجه) و «کاراخان» معاون او گفتگو دربارهٔ برقراری روابط دو کشور و تنظیم قرارداد را آغاز نمود؛ گرچه پیش از ورود او به مسکو «مشیرالدوله» از نخست‌وزیری استعفا داده بود، اما او با جدیت مأموریت خود را دنبال می‌کرد.

حضور «مشاورالممالک» و گفتگوهای او در مسکو موجب شد که رفته رفته اتحاد جماهیرشوروی از حمایت جمهوری سوسیالیستی گیلان دست برداشت و آخرین نمایندگان جمهوری گیلان را که عازم مسکو بودند نپذیرفت و حتی اجازهٔ حرکت از بادکوبه به آنها داده نشد.[۱۸۰]

۱۷۸. «حمید سیاح» و «غلامرضا نورزاد» به‌عنوان دبیر اول و دوم سفارت ایران در مسکو در این مأموریت با «انصاری» همکاری داشتند.

۱۷۹. بر اثر گفتگوی مشاورالممالک چندصدنفر از ایرانیان بازداشت شده در باکو آزاد شدند و دربارهٔ فراخوانی نیروی قفقاز «نریمان اف» گفت: ما به خواهش کوچک‌خان و عناصر بلشویک ایران به انزلی نیرو فرستادیم که برای بیرون راندن نیروی انگلیس به آنها کمک کند. شما عدم تجمع و تهاجم نیروی انگلیس را در انزلی و رشت تضمین نمایید تا ما نیروی خود را ببریم (تلگراف ۵ آبان ۱۲۹۹ مشاورالممالک، جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹ اسناد وزارت امورخارجه).

۱۸۰. تلگراف ۶ژانویهٔ ۱۹۲۱ (۱۶دی ۱۲۹۹) جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه.

پس از کناره‌گیری «مشیرالدوله» به پیشنهاد «نورمن» وزیر مختار انگلیس «سپهدار رشتی» از سوی «شاه» به نخست‌وزیری منصوب شد (پنجم آبان ۱۲۹۹).[۱۸۱] «سپهدار» وزیر جنگ کابینهٔ «وثوق» بود و در کمیسیون مختلط نظامی انگلیس همکاری نزدیک داشت.

«سپهدار» پیش از تشکیل دولت نزد «نورمن» رفت و دربارهٔ تشکیل کابینه و مشکلات دولت با او گفتگو و مشورت نمود و خواست دولت انگلیس نیم میلیون تومان برای جبران کسر بودجه در اختیار دولت بگذارد و برای یک یا دو ماه دیگر نیز سیصدوپنجاه هزار تومان به دولت کمک شود و کمک ماهیانهٔ بریگاد قزاق نیز پرداخت گردد[۱۸۲] و نیز پذیرفت که تا ۳۱ دسامبر (نهم دی ماه) موجبات برپایی مجلس و تصویب قرارداد را فراهم نماید.[۱۸۳]

پایان کار «استاروسلسکی» و افسران روسی قزاقخانه

«استاروسلسکی» پس از عقب‌نشینی از شمال با اتومبیل به تهران آمد و با «احمدشاه» دیدار کرد و این در حالی بود که دولت انگلیس چندی پیش به حضور افسران روسی در قزاقخانهٔ ایران اعتراض کرده و اولتیماتوم داده بود،[۱۸۴] در دربار به او گفته شد که از کار برکنار شده است ولی فرمان برکناری را هنوز به او نداده بودند. «استاروسلسکی» و دیگر افسران روسی قزاقخانه بر پایهٔ پیشنهاد «ژنرال آیرون‌ساید» و بر پایهٔ اطمینانی که او به «احمدشاه» داده بود، از خدمت در قزاقخانهٔ ایران معاف شده بودند[۱۸۵] ولی استاروسلسکی که قصد تسخیر تهران را داشت، اقامتگاه خود را زیر نظر یکصدوپنجاه قزاق مسلح قرار داد و نقطه‌ای را میان قزوین و تهران برای تمرکز لشکر قزاق مشخص نمود. خود از آن نقطه بازدید کرد و شماری قزاق هم در آنجا گماشت و به تهران بازگشت، سپس به وسیلهٔ تلگراف با قزوین، به افسران روسی و ایرانی لشکر قزاق دستور داد از منجیل و قزوین در آن نقطه متمرکز شوند.

۱۸۱. «اسناد وزارت خارجهٔ انگلیس»، پیوست کتاب زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، (چاپ چهارم)
۱۸۲. همان، صفحهٔ ۳۴۱
۱۸۳. همان، صفحهٔ ۳۶۰
۱۸۴. پوشهٔ ۱، جزوه‌دان ۶۳، اسناد وزارت امورخارجه
۱۸۵. همان.

مأموران ادارهٔ سیاسی انگلیس در قزوین (به ریاست کلنل هایگ) که پست و تلگراف آن شهر را زیر سانسور دقیق خود داشتند، با نظر فرماندهٔ نظامی انگلیس تلگراف «استاروسلسکی» را ضبط کردند و در یک تلگراف ساختگی با امضای او به افسران ایرانی لشکر قزاق دستور دادند در اردوگاه «آق‌بابا» (چند کیلومتری آن سوی قزوین در آغاز راه منجیل) متمرکز شوند و به افسران روسی لشکر قزاق نیز با امضای «استاروسلسکی» دستور دادند خود را به فرمانداری قزوین برسانند و در آنجا با «استاروسلسکی» دیدار کنند؛ افسران ایرانی لشکر قزاق با افراد خود در «آق‌بابا» متمرکز شدند و افسران روسی خود را برای دیدار با «استاروسلسکی» به فرمانداری قزوین رساندند، ولی در آنجا به‌وسیلهٔ مقامهای نظامی انگلیس بازداشت شدند.[186] «استاروسلسکی» نیز در روزی که خود در تلگرافش (تلگرافی‌که توسط مقامهای انگلیسی قزوین ضبط شده بود) مشخص کرده بود با اتومبیل به نقطه‌ای که برای تمرکز لشکر قزاق تعیین نموده بود، رفت ولی یک زره‌پوش انگلیسی او را بازداشت کرده و به قزوین برد و به بازداشتگاه دیگر افسران روسی تحویل گردید و پس از چند روز او و تمام افسران روسی لشکر قزاق زیر نظر نظامیان انگلیسی از طریق کرمانشاه از ایران بیرون رانده شدند و نظارت بر اردوی قزاق به «کلنل اسمایت» انگلیسی واگذار شد؛ او از سوی دولت ایران رابط میان نیروی انگلیس و نیروی قزاق شناخته شد و لباس و کفش کهنهٔ سربازان هندی و انگلیسی را برای این اردو جمع‌آوری می‌کرد و به آنها می‌داد. از سوی «احمدشاه» نیز «قاسم‌خان سردار همایون» به فرماندهی قزاق منصوب گردید.[187] «سردار همایون» قزاقخانه را در تهران که دارای شماری افسر و پانصد قزاق بود، تحویل گرفت، در حالی که تمام اسناد آن قبلاً به‌وسیلهٔ افسران روسی به سفارت روسیه برده شده بود. افسران ایرانی به جای افسران روسی بر واحدهای مختلف قزاقخانه گمارده شدند[188] و روز بیستم آبان «سردار همایون» برای تحویل گرفتن لشکرقزاق به قزوین رفت. او با «آیرون‌ساید» دیدار کرد، «آیرون‌ساید» او را در دفتر خود به «کلنل

۱۸۶. صفحهٔ ۴۴ خاطرات آیرون ساید

۱۸۷. همان، صفحات ۴۳، ۴۴، ۴۶ و ۴۷، توضیح: «استاروسلسکی» چند ماه حقوق افسران قزاقخانه را که هر ماه در بانک استقراضی روس یا بانک انگلیس به حساب او ریخته می‌شد نپرداخته بود، از این رو به دستور دولت از سوی وزارت دارایی موجودی‌های او در بانک استقراضی روس و بانک انگلیس توقیف شد (نامهٔ ۲۶۴۷۵، ۲۹ آبان ۱۲۹۹ وزارت دارایی)

۱۸۸. ادارهٔ امور قزاقخـــانهٔ تهران به «محمدخان سردار مخصوص» و خزانه و مهمات به «سردار رفعت» سپرده شد.

اسمایت» معرفی نمود و هرسه برای بازدید اردوگاه «آق‌بابا» رفتند، بسیاری از قزاقها و افسران قزاق ایرانی که پس از عقب‌نشینی از گیلان پیاده و با سختی از میان باتلاقها و جنگلها و کوهها خود را به منجیل رسانده و چندی به‌طور پراکنده در اطراف قزوین سرگردان بودند، اکنون در این اردوگاه گرد آمده و بیشتر زیر نفوذ «سرتیپ رضاخان» بودند. این نیرو برای استقرار امنیت و جلوگیری از خطر احتمالی بلشویکهای گیلان باید تقویت می‌شد؛ از این رو ستاد نیروی انگلیـــس در قزوین کفش و لباس و خواربار در اختیار آنان گذارد و از سوی دولت به آنان کمک مالی می‌شد. برای نظم مجموع کمک‌رسانی، از سوی وزارت جنگ نیز یک شورا زیر نظر سه افسر از نیروی قزاق متمرکز در «آق‌بابا» (زمان‌خان بهنام ــ مسعودخان کیهان ــ کاظم‌خان سیاح) و «سرتیپ محمد نخجوان» (امیر موثق) رئیس قزاق قزوین برپا شد.[۱۸۹]

«سردار همایون» لشکر قزاق را در قزوین تحویل گرفت ولی خود در انجام این وظیفه اظهار ناتوانی می‌کرد و نفوذی هم بر افسران قزاق نداشت. «آیرون‌ساید» متوجه شد که او از عهدهٔ این فرماندهی بر نمی‌آید و در صدد گزینش یک افسر قزاق ایرانی برای معاونت فرماندهی و سرپرستی لشکر قزاق متمرکز در اردوگاه آق‌بابا برآمد.[۱۹۰] او و «کلنل اسمایت» که در هر فرصت از اردوگاه آق‌بابا دیدن می‌کردند، نظم و ترتیب تیپ همدان[۱۹۱] و تحرک افراد این تیپ توجهشان را به فرماندهٔ این تیپ معطوف نمود.[۱۹۲] این افسر یک فرمانده بود که بر افسران و افراد قزاق نفوذ داشت و پس از تمرکز در «آق‌بابا» بسیاری از افراد و افسران قزاق را گرد خود جمع کرده بود.[۱۹۳]

روزنامهٔ دیلی اکسپرس دربارهٔ مأموریت آیرون‌ساید و آشنایی او با رضاخان

۱۸۹. افراد قزاقخانهٔ قزوین هم از پانصدنفر تجاوز نمی‌کردند.

۱۹۰. صفحهٔ ۴۷ خاطرات آیرون‌ساید

۱۹۱. همان، صفحهٔ ۴۸؛ «خاطرات آیرون ساید» این کتاب از این تیپ به‌عنوان تیپ تبریز یاد کرده است.

۱۹۲. از همان آغاز تمرکز رضاخان و افسران و افرادش در «آق‌بابا»، کدخدای آن روستا به‌نام «کدخدا میرزایی» در تهیهٔ خواربار برای افراد قزاق داوطلبانه خدمت می‌کرد و خانهٔ او نیز در اختیار «رضا خان» بود.

۱۹۳. «آیرون‌ساید» از این فرمانده چنین یاد می‌کند:

مردی بود با قامتی بلند و شانه‌های فراخ و چهره‌ای بسیار مشخص و متمایز و سیمایی زنده که در آن مکان دور از انتظار بود، او مرا به یاد راجه‌های مسلمانی می‌انداخت که در هند مرکزی دیده بودم، نام او «رضاخان» بود، مردی بود قوی و سرنترسی داشت. به این ترتیب مردی که قرار بود بر سرنوشت کشورش تأثیری عظیم بگذارد رفته‌رفته در معرض توجه قرار گرفت و تصمیم گرفتم او را فوراً به‌طور موقت به فرماندهی بریگاد قزاق منصوب کنم.

در سالهای بعد چنین نوشت:

«پس از جنگ جهانی اول پدر «سر شاپورریپورتر» مشاور شرقی سفارت بریتانیا در ایران بود، ژنرال آیرون‌ساید از لندن دستور یافت شاهی را که سلطنت می کرد خلع کند و به یافتن فرمانروای جدید که به شکل واقعی ترمنویات ملی ایران را منعکس سازد کمک نماید. ژنرال برای مشورت به «مستر اردشیرجی» مراجعه کرد، وی گفت تنها یک نفر را می‌شناسد که دارای کمالات اخلاقی– قدرت تصمیم– و لیاقت عقلی اجرای چنین وظیفه‌ای است و او «رضاخان» افسر بریگاد قزاق است. آیرون‌ساید وقتی رضاخان را دید به او علاقه‌مند شد و او را وارد دولت ساخت و به‌زودی رضاخان نخست‌وزیر شد و این اتفاق برای ایران جنبهٔ حیاتی یافت.»[۱۹۴]

ارتشبد سابق «حسین فردوست» نوشته است:

«کودتای ۱۲۹۹ طبق اسنادی که دیده‌ام یا شنیده‌ام در ملاقات ژنرال آیرون‌ساید با رضاخان با حضور سیدضیاءالدین طباطبائی برنامه‌ریزی شد و پس از کودتا هم قریب پنج‌سال طول کشید تا رضاخان به سلطنت رسید. در این مدت رضاخان «سردار سپه»، «وزیر جنگ» و «نخست‌وزیر» شد.[۱۹۵]

باری، فرماندهی لشکر متمرکز در اردوگاه «آق‌بابا» که افسران و افرادش به «سرتیپ رضاخان» وفادار بودند در اختیار او درآمد، ولی این نیرو تا پیش از رفتن «آیرون‌ساید» زیر کنترل او بود.[۱۹۶] «قرارداد وثوق‌الدوله» موقوف‌الاجرا مانده ولی لغو نشده بود، هنوز آثار قرارداد و نفوذ انگلستان در سیاست داخلی و خارجی ایران در همه‌جا دیده می‌شد. دولت انگلیس که برقراری یک ارتش منظم را برای امنیت ایران و حفظ منافع خود خواستار بود، (در همان اوقاتی که نیروی پراکندهٔ قزاق در اردوگاه

۱۹۴. دیلی اکسپرس، ۲۰ مارس ۱۹۷۲– ۲۹ اسفند ۱۳۵۱ (چاپ لندن) به‌نقل از صفحات ۱۹۵ و ۱۹۶ جلد دوم ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، (نوشته «دیلی اکسپرس» با نوشته «آیرون ساید» دربارهٔ آیندهٔ «احمد شاه» اختلاف دارد)

۱۹۵. صفحهٔ ۸۲، ج ۱، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

۱۹۶. «آیرون‌ساید» روز ۲۵ بهمن ۱۲۹۹ (۱۴ فوریهٔ ۱۹۲۱) به بغداد فراخوانده شد، او هنگام واگذاری فرماندهی لشکر قزاق به «رضاخان» گفته بود که هنگام رهسپاری از ایران «رضاخان» و نیروی قزاق از زیر کنترل او خارج خواهند شد و از «رضاخان» قول گرفت که هنگام عقب‌نشینی نیروی انگلیس به این نیرو حمله نکند و نیز سلطنت «احمدشاه» را سرنگون نسازد و اجازهٔ چنین کاری را به دیگری هم ندهد. «آیرون‌ساید» وقتی برای خداحافظی با «نورمن» وزیر مختار انگلیس به تهران آمد، او را در جریان گفتگوهای خود با «سرتیپ رضاخان» گذاشت، و روز ۲۷ بهمن همراه «نورمن» در کاخ فرح‌آباد با «احمدشاه» دیدار و تودیع کرد و همان روز به قزوین بازگشت و چند روز دیگر قزوین را به قصد بغداد ترک گفت (صفحات ۴۷، ۶۱ و ۶۶ خاطرات آیرون‌ساید)

«آق بابای» قزوین متمرکز می‌شد) «نورمن» وزیر مختار انگلیس در دهم آذر به «سپهدار» پیشنهاد کرد یک نیروی مجهز هفت‌هزار نفری زیر نظر افسران انگلیسی با نظارت وزارت جنگ ایران برای امنیت و دفاع کشور (و به موجب قرارداد جداگانه) تشکیـــل شود، «سپهـــدار» این پیشنهاد را مؤدبانه رد کرد ولی پس از آنکه «سیدضیاءالدین طباطبائی» و «عبدالحسین خان سردار معظم» (تیمور تاش) از این موضوع آگاه شدند به «سپهدار» شدیداً اعتراض کردند؛ چون برپایی فوری یک ارتش را برای حفظ پایتخت و امنیت ایران، امری بسیار حیاتی می‌دانستند.[۱۹۷]

«سپهدار» از «نورمن» خواست با تنظیم یک قرارداد مستقل یک نیروی پانزده‌هزار نفری زیر نظر افسران انگلیسی و تحت فرمان وزارت جنگ تشکیل شود و نیروی ژاندارمری و پلیس نوسازی گردد و قسمتی از نیروی پلیس جنوب هم به ژاندارمری ملحق شود و دولت انگلیس یک میلیون لیره به صورت وام برای تشکیل نیرو و خرید اسلحه در اختیار ایران بگذارد که زیر نظر مستشاران مالی انگلیس به مصرف این کار برسد.[۱۹۸] «نورمن» این طرح را به وزارت خارجهٔ انگلستان پیشنهاد کرد ولی «لردکرزن» با تجربه‌ای که از «قرارداد وثوق‌الدوله ــ کاکس» داشت، به ««نورمن» دستور داد این موضوع را تا هنگام گشایش مجلس شورای ملی ایران به‌تأخیر بیندازد.[۱۹۹] پس‌از آنکه «نورمن» این نظریهٔ وزیرخارجهٔ انگلیس را به اطلاع «سپهدار» رساند و از او دربارهٔ افتتاح مجلس سئوال کرد، سپهدار گفت: هدف اصلی تمام مخالفان قرارداد، پول است و راه موفقیت را برای گشودن مجلس و تصویب قرارداد در این دانست که دولت در حدود یکصدهزار لیره برای توزیع میان مخالفان قرارداد و ساکت کردن آنها در اختیار داشته باشد؛ در آن صورت می‌تواند قرارداد را به تصویب برساند. اما دولت انگلستان با این پیشنهاد نیز موافقت نکرد و پاسخ داد:

علاقهٔ دولت انگلیس برای تصویب قرارداد تنها ملاحظهٔ منافع خودش نیست، بلکه در این کار بیشتر منافع ایران را در نظر دارد و اگر دولت ایران نخواهد یا نتواند مجلس را بگشاید و قرارداد را تا موعد مقرر به تصویب برساند، مسئولیت این کار بر عهدهٔ دولت ایران است و در این صورت نباید از دولت انگلیس انتظار حمایت و کمک

۱۹۷. پس از رد این پیشنهاد بود که سیدضیاءالدین (چنانکه در صفحات بعد خواهیم دید) متوجه اردوی قزاق متمرکز در قزوین شد و با فرماندهٔ آن اردو ارتباط برقرار کرد و برای آن اردو از سپهدار کمک مالی گرفت و ژنرال آیرون‌ساید هم به تمرکز و تجهیز و تقویت آن نیرو پرداخت.

۱۹۸ و ۱۹۹. صفحات ۱۰۹ و ۱۱۰ خاطرات ژنرال آیرون ساید.

داشته باشد.[۲۰۰]

قرارداد ۱۹۲۱

«مشاورالممالک» که از هشتم آبان ۱۲۹۹ با مقامهای وزارت خارجهٔ اتحاد جماهیرشوروی برای تنظیم عهدنامه در گفتگو بود، و پیوسته با مبادلهٔ تلگراف پیشنهادهای شوروی را به وزارت خارجه گزارش می‌داد و پیشنهادهای وزارت امورخارجهٔ ایران را نیز دریافت می‌کرد و در گفتگوهای خود با مقامهای وزارت خارجهٔ شوروی مطرح می‌نمود، روز (۲۹آذر ۱۲۹۹) طی تلگراف شمارهٔ ۳۶۷ به نخست‌وزیر چنین گزارش داد:

در عهدنامه، موافقت حاصل شده و شرایط آن از قرار ذیل است:

۱. دولت جمهوری روسیه تمام عهدنامه‌ها، قراردادها و معاهدات دولت سابق روسیه را با ایران لغو می‌نماید.

۲. دولت جمهوری روسیه تمام معاهدات و قراردادهای دولت سابق روسیه را با دولت ثالثی راجع‌به ایران لغو می‌نماید.

۳. دولتین‌متعاهدتین از دخالت در امور داخلی یکدیگر احتراز می‌نمایند.

۴. دولت جمهوری روسیه قروض ایران را به روسیه باطل می‌شمارد و در محلی که برای تأدیهٔ قروض مزبور معین شده دخالت نخواهد نمود.

۵. روسیه بانک استقراضی روس را با نقود و اشیای قیمتی و محاسبات و اموال منقول و غیرمنقول به ایران تفویض می‌کند.

۶. روسیه راه شوسهٔ تهران، انزلی و قزوین، همدان را با کافهٔ ملحقات آن و اسکله و وسایل نقلیه، دریاچهٔ ارومیه و تمام خطوط تلگرافی که روسیه در ایران کشیده و پرت انزلی و تمام متعلقات آن را به ایران تفویض و تسلیم می‌دارد.

۷. دو دولت در کشتیرانی در دریای خزر حق مساوی خواهند داشت.

۸. تمام امتیازاتی که دولت سابق روسیه و اتباع آن از ایران گرفته‌اند از درجهٔ اعتبار ساقط و از اراضی و املاکی که روسیهٔ سابق دارا بوده، فقط عمارت سفارت در تهران و زرگنده و عمارت کنسولگری‌ها به ملکیت روسیه باقی می‌ماند و دولت ایران وعده می‌دهد که امتیازات مزبور را به دولت دیگری یا به اتباع دولتهای دیگر ندهد؛

۲۰۰. صفحهٔ ۳۴۹، «اسناد وزارت خارجهٔ انگلستان»، پیوست کتاب زندگی سیاسی احمد شاه، چاپ چهارم

دولت روسیه در ادارهٔ قریهٔ زرگنده مداخله نخواهد داشت.

۹. جزیرهٔ آشوراده و فیروزه به دولت ایران اعاده می‌شود؛ در رود اترک دو طرف معاهده حق مساوی دارند؛ برای رفع اجحافات از حیث اراضی و میاه (آبها) در طرف خراسان کمیسیونی از روس و ایران معین و اصلاح خواهند کرد؛ دولت ایران مالکیت روس را در سرخس روس تصدیق می‌نماید.

۱۰. دولت روس تمام ادارات روحانی روس را در ایران منحل و عمارت آنها را به ایران واگذار می‌نماید که برای تأسیسات ملی به‌کار برند.

۱۱. حق قضاوت کنسولها بکلی باطل و رعایای طرفین در روس و ایران تابع قانون محلی خواهند بود.

۱۲. اتباع طرفین در خاک یکدیگر از خدمت نظامی و پرداخت عوارض جنگی معاف هستند.

۱۳. در مسافرت اتباع طرفین در خاک یکدیگر، رعایای روس در ایران و رعایای ایران در روس حقوق ملل کاملةالوداد خواهند داشت.

۱۴. تجارت و حقوق گمرک امتعهٔ روس در ایران به موجب نظامنامهٔ علیحده در کمیسیونی مرکب از مأمورین طرفین معین خواهد شد.

۱۵. طرفین حق ترانزیت از خاک یکدیگر خواهند داشت.

۱۶. طرفین هرچه زودتر باب مخابرات پست و تلگراف را باز خواهند کرد؛ قرارداد توسط کمیسیون علیحده معین می‌شود.

۱۷. طرفین در پایتخت یکدیگربارعایت حقوق بین‌الملل نماینده گسیل خواهند کرد.

۱۸. طرفین در نقاطی که لازم بدانند کنسولگری تأسیس خواهند کرد.

۱۹. عهدنامه در مدت سه ماه به تصویب دولت خواهد رسید.

۲۰. قرارداد که به فارسی و روسی نوشته شده، هر دو سندیت دارد.

۲۱. عهدنامه بعداز امضا فوراً مجریٰ خواهد بود.

صورت عهدنامهٔ محرمانه به قرار زیر است:

۱. اگر ارتش دشمن روسیه بخواهد از ایران به روسیه حمله کند و ایران قادر به جلوگیری نباشد، روسیه حق داخل کردن ارتش به ایران خواهد داشت و روسیه از آذربایجان و ارمنستان در تجاوز به ایران ممانعت خواهد کرد.

۲. هرگاه افسران دریایی که ایران استخدام کند بخواهند از خدمت دولت ایران

سوء استفاده کنند و بر علیه روسیه اقدام نمایند، روسیه انفصال آنان را از ایران خواهد خواست.

۳. دولت ایران انتشار سوسیالیزم و تشکیل اصنافی را در ایران در صورتی که بر علیه دولت نباشد بر طبق قانونی که از مجلس شورای ملی بگذرد اجازه خواهد داد و به اشخاصی که در انقلابهای گیلان و تشکیل دولت کمونیزم در آنجا دخالت داشته‌اند عفو عمومی خواهد داد.

۴. دولت ایران وعده می‌دهد بعداز انقضای مدت امتیاز شیلات در باب اعطای این امتیاز به دولت روسیه، داخل مذاکره شود و نیز مساعدت خواهد کرد که صاحب امتیاز مزبور به روسیه ماهی به بهای عادله بفروشد.

۵. در هر شهری بانک استقراضی خانه داشته باشد و در آنجا کنسولگری روسیه منزل نداشته باشد، یکی از خانه‌های بانک برای کنسولگری داده خواهد شد.

۶. تا قشون روس در رشت و انزلی اقامت دارند، پرت انزلی روس تحت حفاظت آنها خواهد بود.

۷. روس متعهد می‌شود که تمام خساراتی که از قشون سرخ به استان گیلان وارد شده جبران کند، برای تعیین خسارات کمیسیونی از طرفین برپا خواهد شد.[۲۰۱]

«سپهدار» تلگراف «مشاورالممالک» را به «نورمن» نشان داد و مشورت کرد. «نورمن» ضمن تلگراف به وزارت خارجهٔ انگلستان چنین اظهار کرد: «ما نیروی خود را از ایران بیرون می‌بریم و از پرداخت پول به ایران برای تشکیل یک نیروی جایگزین خودداری می‌نماییم و در حالی که آنها را تا چند ماه دیگر بلادفاع خواهیم گذاشت، آنها در فرصتی که دارند می‌خواهند به بهترین توافق ممکن با دشمن خود دست یابند.[۲۰۲] سفارت انگلیس با بسته شدن قرارداد ایران و شوروی مخالفت ننمود ولی در ۱۲ دی ماه به دستور وزیر امورخارجهٔ انگلیس به وزارت خارجهٔ ایران چنین اخطار کرد: «هر مذاکره‌ای که دولت ایران با دولت روسیه یا دولتهای دیگر نماید، حقوق و مصالح دولت انگلیس و کمپانی‌های انگلیس در ایران نمی‌تواند مورد هیچ نقصی واقع شود».

وزارت خارجه به دستور نخست‌وزیر به سفارت انگلیس چنین پاسخ داد:

«البته دولت علیه حقوق و مصالح دولت فخیمهٔ انگلیس را همیشه محترم داشته و هر

۲۰۱. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه

۲۰۲. تلگراف «نورمن»، صفحهٔ ۱۳۸ «اسناد وزارت خارجهٔ انگلیس» پیوست خاطرات آیرون‌ساید

- مذاکره‌ای با دولت روسیهٔ ساویت یا دولت دیگر بکند سکته به اساس روابط دولت ایران با دولت فخیمهٔ انگلیس وارد نمی‌آورد».[۲۰۳]

پس از آن «سپهدار» شماری از رجال را نیز دعوت کرد و در حضور وزیران با آنان ساعتها به رایزنی پرداخت و سرانجام پس از چند بار مبادلهٔ تلگراف رمز با «مشاورالممالک» و تجدید گفتگوی او با وزارت خارجهٔ جماهیرشوروی، ایران قرارداد پیشنهاد شده را با تصرفاتی مختصر پذیرفت و متن اصلاح‌شده را در شانزدهم دی ماه ۱۲۹۹ در یک تلگراف رمز به انصاری اطلاع داد.

متن پیشنهاد ایران

۱. دولت شوروی تمام عهدنامه‌های دولت سابق روس را با ایران لغو می‌نماید.
۲. دولت شوروی تمام قراردادهای دولت سابق روسیه با دولت ثالثی راجع به ایران را لغو می‌نماید.
۳. دو دولت از دخالت در امور داخلی یکدیگر احتراز می‌کنند.
۴. شوروی قروض ایران به روسیه را باطل می‌شمارد و در محل عواید ایران که برای تضمین بود مداخله نخواهد کرد.
۵. بانک استقراضی با نقود و اشیای قیمتی و اموال منقول و غیرمنقول مجاناً به ایران واگذار می‌شود.
۶. راه شوسهٔ انزلی ــ تهران و قزوین ــ همدان با تمام متعلقات آن به ایران واگذار می‌شود.
۷. دو دولت در کشتیرانی دریای خزر حق مساوی دارند.
۸. تمام امتیازاتی که دولت سابق روسیه و اتباع آن از ایران گرفته‌اند از درجهٔ اعتبار ساقط است.
۹. جزیرهٔ «آشوراده» و «فیروزه» به ایران برگردانده می‌شود و در رود اترک طرفین حق مساوی دارند.
۱۰. دولت روس تمام ادارات روحانی روس را در ایران منحل و ساختمانهای آنها را برای تأسیسات ملی به ایران واگذار می‌کند.

۲۰۳. جزوه‌دان ۳ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه

۱۱. حق قضاوت کنسولی بکلی باطل است.
۱۲. اتباع طرفین در خاک یکدیگر از خدمت نظامی و پرداخت عوارض معاف‌اند.
۱۳. اتباع دو طرف در مسافرت در خاک یکدیگر از حقوق کاملة‌الوداد برخوردارند.
۱۴. حقوق بازرگانی و گمرک کالاهای روسی به موجب نظامنامه تعیین خواهد شد.
۱۵. اتباع طرفین در خاک یکدیگر حق ترانزیت دارند.
۱۶. طرفین هرچه زودتر ارتباط پستی و تلگرافی را از سر خواهند گرفت.
۱۷. طرفین در پایتخت یکدیگر با رعایت حقوق بین‌المللی نمایندهٔ سیاسی خواهند داشت.
۱۸. طرفین در نقاطی که لازم بدانند کنسولگری تأسیس خواهند کرد.
۱۹. اگر دشمن روسیه بخواهد از راه ایران به روسیه حمله کند و ایران قادر به جلوگیری نباشد، از ورود قشون روسیه ممانعت نخواهد نمود.
۲۰. افسران دریایی که ایران استخدام می‌کند اگر بر علیه روسیه اقدام کنند روسیه انتقال آنها را از ایران خواهد خواست.
۲۱. دولت ایران در باب اعطای امتیاز شیلات با کمپانی‌های روس داخل مذاکره خواهد شد و برای فروش و حمل ماهی تسهیلات فراهم می‌آورد.
۲۲. در هر شهری از ایران که بانک استقراضی ساختمان دارد و در آن شهر کنسول روس خانه نداشته باشد، یکی از خانه‌های بانک به کنسولگری داده خواهد شد.
۲۳. دولت انقلابی روس متعهد می‌شود خساراتی را که از سپاهیان روس بر اهالی گیلان وارد شده جبران نماید.
۲۴. عهدنامه در مدت سه ماه به تصویب خواهد رسید.
۲۵. عهدنامه ۱۵روز پس از تصویب قابل اجراست.
۲۶. عهدنامه به روسی و فارسی نوشته شده و هر دو نسخه معتبر است.

سپهدار در پایین این تلگراف یادآور شد که با انگلیسها در گفتگو است، در اول بهار سپاهیان خود را از ایران می‌برند مشروط بر اینکه روسها هم این کار را بکنند و خواست که مشاورالممالک در این زمینه هم گفتگوی جدی بنماید و نیز گفت مسئلهٔ

فرستادن وزیر مختار با کمال میل پذیرفته می‌شود، زودتر روانه نمایند از طرف خراسان، با کالسکه بهتر است، وسایل و تشریفات هم فراهم می‌شود.[۲۰۴] مشاورالممالک که وظیفه و مسئولیتی بسیار مهم و حساس داشت پیش از رسیدن تلگراف حاوی مواد عهدنامه، تلگراف دیگری به سپهدار مخابره و از تأخیر پاسخ اظهار دلتنگی کرد.

سپهدار، نخست‌وزیر، تلگراف را چنین پاسخ داد:

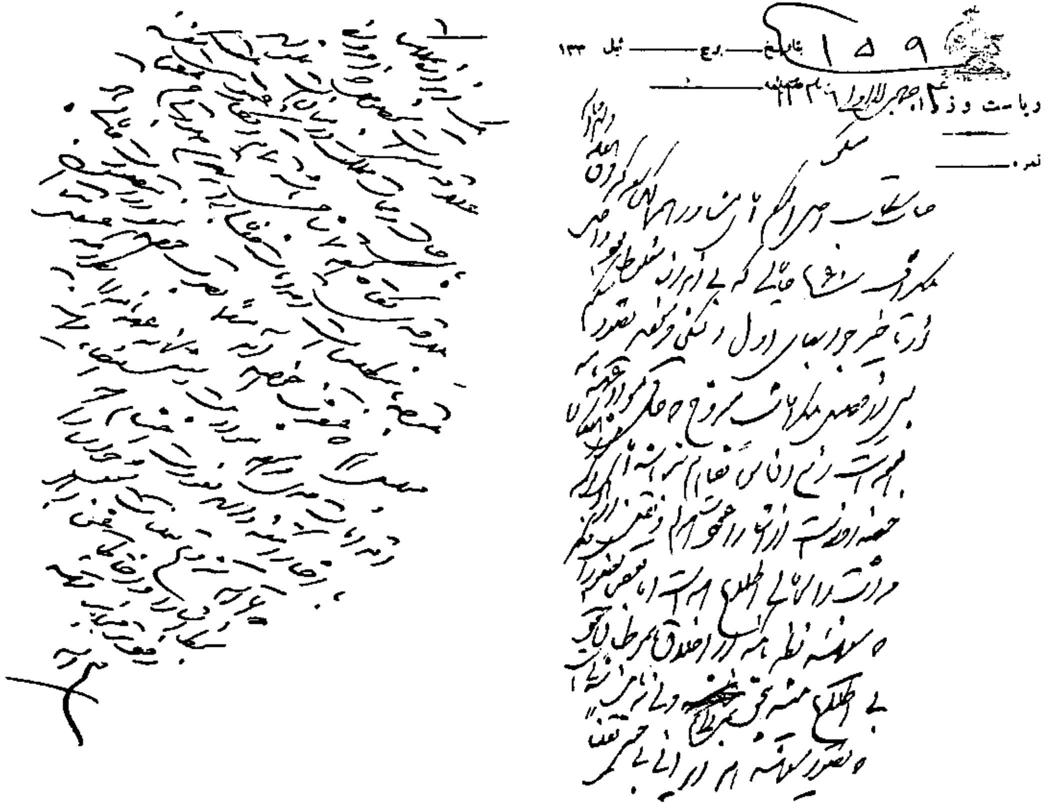
نمرهٔ ۱۵۹ (۴ جمادی‌الاول ۱۳۳۹)

مسکو– جناب مستطاب اجل آقای مشاورالممالک سفیرکبیر فوق‌العاده، دام اقباله، تلگراف نمرهٔ (۶۰) جنابعالی که بی‌اندازه مغلوط بود و اصل، از تأخیر جوابهای اول دلتنگی فرمودند. تصور می‌کنم پس از وصول تلگرافات مشروح که حاوی مواد عهدنامه بوده است رفع آن سوءتفاهم شده باشد. آقای منشور الملک[۲۰۵] را چند روز است از آستارا عودت داده‌ام و یقین از بادکوبه مراتب را به جنابعالی اطلاع داده است. اما بعضی تصورات دیگر که می‌فرمایید، نظر به اینکه از اخلاق هموطنان خود بی‌اطلاع نیستند، بی‌حق نمی‌دانم ولی زمانی شده است که تصور می‌فرمایند هر ایرانی بی‌حسی یک اندازه به مملکت علاقه‌مند است، بخصوص که امروزه پای حیات و ممات مملکت در میان است نمی‌تواند به لاقیدی نگاه کرده، تماشاچی باشد. تمام افکار عمومی ملت متوجه به این مطلب است اقدامات جنابعالی را به بهترین صورتی حسن تلقی می‌کنند. مجلس هم عنقریب خواهد آمد، مسلماً تصویب خواهند نمود. در این صورت جنابعالی باید اقدامات جدی فرموده مواد بیست‌وشش گانهٔ عهدنامه را به‌طوری که عرض شده است با اختیاراتی که دارید بفوریت اختتام داده، امضا فرمایند که ان‌شاءالله شروع به عملیات شود. جواب را به خط آستارا و احتیاطاً عشق‌آباد زودتر مخابره فرمایید– فتح‌الله.[۲۰۶]

۲۰۴. پیش‌نویس تلگراف رمز شمارهٔ ۱۴۸، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ (۱۶ دی ماه ۱۲۹۹) سپهدار، پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (سال ۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه

۲۰۵. منشورالملک = کارگزار وزارت امور خارجه در استرآباد و نمایندهٔ ایران در جمهوری آذربایجان

۲۰۶. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه



پیش‌نویس تلگراف سپهدار (فتح‌الله اکبر) با خط خودش، پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه.

«سپهدار» دستور امضای قرارداد را داد، اما مقامهای وزارت خارجهٔ شوروی در چند مورد تغییراتی را پیشنهاد کردند. «مشاورالممالک» که از آغاز گفتگو هر پیشنهاد و تغییری را که نمایندگان وزارت امورخارجهٔ شوروی عنوان می‌کردند، به‌وسیلهٔ تلگراف رمز به وزارت امورخارجه وبه نخست وزیراطلاع می‌داد و کسب تکلیف می‌کرد، این بار هم تغییرات مورد نظر نمایندگان وزارت خارجهٔ شوروی را پیشنهاد کرد و یادآور شد که امضای قرارداد موکول به قبول این تغییرات است. ولی «سپهدار» فراخوانی نیروی بلشویک را از شمال ایران شرط قبول آن تغییرات دانست.

مشاورالممالک با مقامهای وزارت امورخارجهٔ شوروی گفتگو کرد. آنها گفتند: تا از بیرون رفتن سپاهیان انگلیسی اطمینان نداشته باشیم نمی‌توانیم سپاهیان خود را از شمال ایران فرا خوانیم زیرا حضور سپاهیان انگلیس تهدیدی است برای قفقاز.[۲۰۷] «سپهدار» که از سوی سفارت و مقامهای انگلیس برای بیرون رفتن سپاهیان انگلیس از ایران در ماه آوریل (فروردین ۱۳۰۰) اطمینان یافته و تشکیل کمیسیونی را برای بیرون رفتن تمام نیروهای انگلیس و روس و آذربایجان قفقاز با شرکت نمایندگان آن سه دولت و دولت ایران پیشنهاد کرده بود، در هفدهم دی ماه به مشاورالممالک چنین پاسخ داد:

> «سابق به جنابعالی تلگراف شده حالا هم صریحاً اطلاع می‌دهم که قشون انگلیس تا اوایل آوریل (نیمهٔ فروردین ۱۳۰۰)ایران را تخلیه خواهند کرد و شما می‌توانید دولت جمهوری سویت را در این باره اطمینان کامل بدهید و اقدامات سریع در رجعت قشون روسیه بفرمایید».[۲۰۸]

سپهدار برای بازگشت نیروی بلشویک از انزلی و رشت می‌کوشید ولی امضای قرارداد را موکول به تخلیهٔ رشت و انزلی از سپاهیان بلشویک قفقازی و روسی می‌کرد.[۲۰۹] «مشاورالممالک» از اینکه نخست‌وزیر تلگرافهای او را به‌نظر وزیر مختار انگلیس می‌رسانید در یک تلگراف رمز به نخست‌وزیر اعتراض کرد و با اشاره چنین گفت: از اینکه تلگرافهای بنده به اطلاع مقامات دیگر می‌رسد خیلی متأسفم[۲۱۰] و افزود: دوام

۲۰۷. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امورخارجه

۲۰۸. همان

۲۰۹. پروندهٔ ۲، جزوه‌دان ۲۷ (سال ۱۳۳۹ق) اسناد وزارت امورخارجه

۲۱۰. در صفحات پیشین این کتاب دیدیم که «نورمن» وزیرمختار انگلیس هم گفته بود که «سپهدار» تلگرافهای انصاری را به‌نظر او می‌رسانده است («اسناد وزارت امورخارجهٔ انگلیس»، صفحهٔ ۱۲۸ کتاب خاطرات ژنرال آیرون ساید)

جمهوری کمونیست رشت به واسطهٔ طفره و تعللی است که در نگرفتن تصمیم قطعی از سوی دولت مشهود می‌شود. نمی‌دانیم اخلال از کجاست؟ ولی تا کی باید برای رضایت طرفی که مکرر صدمهٔ او را دیده‌ایم کشور را به اغراض طرف دیگر بسوزانیم.»[۲۱۱]

«مشاورالممالک» در تلگراف دیگر ضمن تصریح و اطمینان به اینکه هرگاه سپاهیان انگلیس ایران را ترک کنند، سپاهیان روس هم بی‌درنگ از ایران خواهند رفت، به «سپهدار» اعلام خطر نمود و گفت: اگر قرارداد امضا نشود ممکن است روسها از هر طرف، چه گیلان و چه آذربایجان و چه خراسان به ایران حمله کنند و افزود: «با تمام ملاحظات صلاح را در امضای قرارداد می‌بینم».[۲۱۲] در همین روز که تلگراف اعتراض‌آمیز «مشاورالممالک» رسید، سپهدار که در برابر فشار سیاستهای داخلی و خارجی درمانده شده بود، بر اثر یادداشت سفارت انگلیس حاکی از قطع کمک مالی استعفا داد (۲۴ دی).[۲۱۳]

«احمدشاه» به «مشیرالدوله» و سپس به «مستوفی‌الممالک» پیشنهاد نخست‌وزیری کرد، ولی هیچ‌کدام این مسئولیت را نپذیرفتند.[۲۱۴] «شاه» ناچار سپهدار را خواست و بار دیگر به او تکلیف نخست‌وزیری نمود. «سپهدار» پذیرفت و برای بار دوم فرمان نخست‌وزیری به او داده شد؛ «سپهدار» چند هفته به تشکیل دولت، موفق نشد زیرا کسانی را باید به وزارت برمی‌گزید که مورد قبول شاه و سفارت انگلیس باشند.[۲۱۵]

سرانجام در ۲۸ بهمن ماه وزیران خود را که (بجز محتشم‌السلطنه اسفندیاری وزیر امورخارجه) همان وزیران سابق او بودند معرفی کرد. «سپهدار» بر آن بود که با صدور اعلامیه‌ای نمایندگان را برای گشودن مجلس شورای ملی فرا خواند و نیز یادآور شود که چون «قرارداد وثوق‌الدوله ــ کاکس» قابل اجرا نیست، برای انعقاد یک قرارداد جدید با انگلستان گفتگوهای تازه آغاز خواهد کرد. سپهدار که به واسطهٔ ضعف ولاتکلیفی دولت و آشفتگی امور کشور مورد انتقاد شدید و توهین‌آمیز چند روزنامه قرار گرفته بود، در آخرین روزهای بهمن ماه با انتشار اعلامیه‌ای فرمانداری نظامی برقرار کرد، اما او آخرین روزهای حکومت ناتوان خود را می‌گذرانید. «احمدشاه» که نگران امنیت تهران

۲۱۱. تلگراف رمز شمارهٔ ۴۵۶، (۲۴دی ۱۲۹۹) انصاری؛ پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۳۳۹ق) اسناد وزارت امورخارجه

۲۱۲. تلگراف ۵۷۵، ۱۹بهمن انصاری؛ پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۳۳۹ق) اسناد وزارت امورخارجه

۲۱۳. صفحهٔ ۲۸ نخست‌وزیران

۲۱۴. تلگراف ۱۱ فوریهٔ ۱۹۲۱ «نورمن»؛ سالنامهٔ دنیا، ۱۳۴۷

۲۱۵. سالنامهٔ دنیا، ۱۳۴۷؛ تلگراف ۱۱فوریهٔ ۱۹۲۱ «نورمن»

بود و حتی بر جان خود بیم داشت، پس از آنکه درخواستش از دولت انگلستان برای ادامهٔ حضور نیروی انگلیس در شمال ایران رد شد، در اندیشهٔ رفتن به اصفهان بود و برای گارد همراه خود به ژاندارم اطمینان نداشت: «سیدضیاء» به‌وسیلهٔ «معین‌الملک» رئیس دفتر و منشی مخصوص احمدشاه پیشنهاد کرد شاه پانصد نفر از اردوی قزاق متمرکز در قزوین را برای ملازمت خود به تهران فرا خواند.[۲۱۶] احمدشاه بی‌خبر از نقشهٔ «سیدضیاء» این پیشنهاد را پسندید و دستور احضار پانصد نفر قزاق را داد.

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

با این دستور شاه فرماندهٔ نیروی قزاق برای حرکت به سوی تهران بهانه به دست آورد و فردای روزی که آیرون‌ساید قزوین را به سوی بغداد ترک گفت، «سرتیپ رضاخان» پس از یک دیدار محرمانه با «سید ضیاء» در قزوین با نیروی دوهزار و پانصد نفری زیر فرمان خود به سوی تهران حرکت کرد.[۲۱۷] یک هفته پیشتر «سید ضیاء» که ازسوی «سپهدار» با «نورمن» وزیر مختار انگلیس گفتگو کرده و مبلغ صدهزار تومان از همان محل کمکهای انگلیس برای قزاقخانه گرفته بود، پس از گفتگو با «سپهدار» و «سردار همایون» هشتاد هزار تومان از این پول را برای نیروی قزاق فرستاده بود که امکانات حرکت خود را فراهم کرده، و تدارکات لازم را تهیه نمایند و از این موضوع در تمام قزاقخانه تنها «رضاخان» و «مسعودخان» و «کاظم خان» آگاهی داشتند.[۲۱۸]

«سید ضیاء» که با بعضی از مقامات سفارت انگلیس ارتباط نزدیک داشت و آگاه بود که نیروی انگلیس بزودی ایران را ترک خواهد کرد و به ادعای خود برای جلوگیری از کمونیزم از چندی پیش به‌وسیلهٔ سروان کاظم‌خان سیاح (بعد کلنل سیاح)[۲۱۹] و «ماژر مسعود خان کیهان» دو افسر اردوی «آق بابا» با «سرتیپ رضاخان» در ارتباط بود و

۲۱۶. شمارهٔ دوم، اردیبهشت ۱۳۰۲، روزنامهٔ شفق سرخ؛ صورت مذاکرات ۱۷/اسفند/۱۳۲۲ مجلس شورای ملی، شمارهٔ اسفندماه ۱۳۶۲ مجلهٔ خواندنی‌های تاریخی

۲۱۷. از افسران معروف این نیرو «امیر پنجه احمد آقاخان» (امیر احمدی) و «سرتیپ مرتضی خان» (یزدان‌پناه) و «سرگرد مسعود خان» (کیهان) و «سرگرد محمد خان» (درگاهی) و «سرگرد اسماعیل خان «شفائی» و «سروان کاظم خان» (سیاح) و «سروان رضا قلیخان» (امیر خسروی) بعدها به درجات بالای ارتش و مقامهای مهم دولتی رسیدند.

۲۱۸. گفتار سید ضیاء، صورت جلسهٔ ۱۷ اسفند ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی

۲۱۹. کاظم خان سیاح در ۱۲۹۸ عضو هیئت همراه سید ضیاءالدین در مأموریت قفقاز بود.

چند بار از نخست‌وزیر محرمانه (از محل مساعده‌ای که انگلیسها ماهیانه از طریق بانک شاهنشاهی به دولت ایران می‌دادند) کمک مالی برای نیروی قزاق متمرکز در آق‌بابا گرفته و بوسیلهٔ دو افسر نامبرده برای «رضاخان» فرستاده[۲۲۰] بود و خود نیز چند بار به قزوین رفته با «رضاخان» دیدار و گفتگو کرده بود، در تنظیم طرح کودتا نقش اساسی داشت و این نقش و نقشه با گفتگوهای محرمانهٔ «آیرون‌ساید» و «سرتیپ رضاخان» نیز پیوسته بود. خود سید ضیاء نیز روز دوم اسفند در نزدیکی تهران به این نیرو پیوسته و دربارهٔ چگونگی برپایی حکومت آینده قول و قرار نهایی میان او و سرتیپ رضاخان داده شد. هنگامی که خبر حرکت تمامی نیروی قزاق به اطلاع شاه و نخست‌وزیر رسید، «سردار همایون» رئیس قزاقخانه را مأمور جلوگیری از ورود این نیرو نمودند. سردار همایون در میان راه کرج ــ تهران، برای دیدار فرمانده نیروی قزاق شتافت و وقتی به ستاد نیرو رسید با «میرپنج احمد آقاخان» (امیر احمدی) دیدار کرد، ولی اجازهٔ دیدار با فرماندهٔ نیرو به او داده نشد و با بی‌حرمتی او را جواب گفتند. او از همانجا که برگشت استعفا داد، سپس «معین‌الملــک» رئیس دفتر شاه و «ادیب‌السلطنه» (حسین سمیعی) نمایندهٔ نخست‌وزیر و «هاوارد» دبیر سفارت انگلیس و «کلنل هواستون» وابستهٔ نظامی سفارت انگلیس در هفت کیلومتری تهران به دیدار سرتیپ رضاخان شتافتند و خواستند او را از ورود به‌پایتخت باز دارند، ولی موفق نشدند.[۲۲۱]

هنگامی که نمایندگان یاد شده تکرار کردند، نخست‌وزیر (رئیس‌الوزراء) چنین پیغام داد. چنین گفته... «سرتیپ رضاخان» به آنان گفت: «اینکه هی می‌گویید نخست‌وزیر چنین گفته و چنین خواسته، نخست‌وزیر کیست؟» و اشاره به «سید ضیاء نمود و گفت: «نخست‌وزیر همین شخص است که اینجا نشسته است.[۲۲۲]»

در ساعات آغازین شب یکشنبه سوم اسفند نیروی قزاق وارد تهران شد و از سوی نیروی پلیــس و ژاندارم مقاومتی نشــد. «سپهدار» پس از تشکیل دولت از «سیــدضیاء» برای قبول وزارت دعوت کرد، او نپــذیرفت ولی خواستار آن شد که از سوی نخست‌وزیر برای امنیــت پایتخت بر پلیــس و ژاندارمری نظارت داشته باشد، این مقــام به او داده شد و توانست در شب سوم اسفنــد نیروی پلیــس و ژاندارم را از مقاومت باز دارد. جز در مرکز شهربانی و دو کلانتری مقاومتی نشد؛ آن مقاومت جزئی

۲۲۰. صورت مذاکرات ۱۷ اسفند ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی
۲۲۱. مجلهٔ خواندنی های تاریخی، شمارهٔ اسفند ۱۳۶۲
۲۲۲. روزنامهٔ اطلاعات، شمارهٔ سوم اسفند ۱۳۴۶

هم برای جلوگیری از اشغال مرکز پلیس توسط نیروی قزاق بود. نیروی قزاق به‌آسانی بر تمام مراکز اداری و انتظامی پایتخت مسلط گشت و نیروی پلیس و ژاندارم را هم زیر فرمان گرفت.

«سرتیپ رضاخان» روز سوم اسفند ۱۲۹۹ (۱۴ جمادی‌الثانی) اعلامیهٔ معروف «حکم می‌کنم» را در تهران انتشار داد، متن اعلامیه:

حکم می‌کنم مواد مطروحهٔ ذیل را مردم تهـــران نصـــب‌للعین قرار داده و فرداً فرد تشریک‌مساعی نمایند و در صورت تخلف شدیداً عقوبت خواهند شد.

۱. تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع اوامر نظامی باشند.

۲. حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و مأموران انتظامی شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.

۳. کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.

۴. تمام روزنامه‌جات و اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت بکلی موقوف و برحسب حکم و اجازه‌ای که بعداً داده خواهد شد، باید منتشر شود.

۵. اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوهٔ قهریه متفرق و جلب خواهند شد.

۶. تا دستور ثانوی تمام مغازه‌های مشروب فروشی و تئاترها و قمارخانه‌ها و کلوبها تعطیل است و هر کس مست دیده شود به محکمهٔ نظامی جلب خواهد شد.

۷. تا زمانی که دولت تشکیل نشده است ادارات و دوایر دولتی به استثنای ادارهٔ ارزاق، تعطیل خواهند بود، پستخانه و تلگرافخانه و تلفونخانه هم مطیع این حکم خواهند بود.

۸. کسانی که در اطاعت از موارد فوق سرپیچی نمایند، به محکمهٔ نظامی جلب و به سخت‌ترین مجازات خواهند رسید.

۹. «کاظم خان» به سمت کماندانی شهر انتخاب و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق[۲۲۳] است. چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۳۹، رئیس دیویزیون قزاق و فرماندهٔ کل قوا ــ رضا[۲۲۴]

۲۲۳. به سروان کاظم خان سیاح (افسر ژاندارمری) درجهٔ سرهنگ دومی داده شد و به «کلنل کاظم خان» معروف گردید.

۲۲۴. روزنامهٔ اطلاعات، سوم اسفند ۱۳۴۶

عصر همان روز رضاخان در کاخ فرح‌آباد با احمد شاه ملاقات کرد و به او اطمینان داد که جز جلوگیری از خطر بلشویکهای شمال و استقرار امنیت و حفظ تاج‌وتخت پادشاه مقصودی ندارد. برای انتخاب نخست‌وزیر میان «شاه» و «رضاخان» گفتگو شد و روز دیگر فرماندهٔ نیروی قزاق در اعلامیهٔ دیگر اعلام داشت: «بزودی دولت جدید و مقتدری زیر فرمان شاه تشکیل خواهد شد تا بتواند مالیاتها را وصول کند، سلطنت شاه را صیانت کند و ارتشی نیرومند برای از میان برداشتن آشوبهای داخلی و اجرای اوامر دولت تشکیل دهد.[۲۲۵]

روز پنجم اسفند «شاه» رئیس دفتر خود (معین الملک) را با کالسکهٔ سلطنتی به خانهٔ «سید ضیاءالدین» (در خیابان نادری) فرستاد و دیدار او را خواستار شد. «سید ضیاء» جوان ۳۰ساله، مدیر روزنامهٔ سیاسی رعد (که در پشت پرده، رهبر سیاسی کودتا بود) به کاخ فرح‌آباد برفت و پس از دو ساعت گفتگو فرمان نخست‌وزیری گرفت.[۲۲۶] «احمد شاه» همان روز، تشکیل دولت جدید را گامی در راه رفع تزلزل و بی‌ثباتی و استقرار امنیت و آسایش در کشور اعلام کرد.

«سید ضیاء» که لباس روحانی بر تن داشت تغییر لباس داد، همچنان که در مأموریت قفقاز تغییر لباس داده بود، و چند روز بعد وزیران خود را برگزید.[۲۲۷]

«سید ضیاء» در همان روز آغاز زمامداری بیانیه‌ای انتشار داده اشرافیت و مفتخوری را محکوم کرد و برنامهٔ دولت خود را چنین اعلام داشت:

از نظر سیاست داخلی ایجاد قوای نیرومند نظامی ـ اصلاح دادگستری ـ ترمیم دارایی و وصول مالیاتها[۲۲۸] ـ تقسیم املاک خالصهٔ دولتی میان روستائیان ـ انحلال ادارات زاید، توسعهٔ مدارس ـ تأسیس شهرداری ـ گسترش تأسیسات بهداشتی ـ توسعه و تشویق صناعت و تجارت.

۲۲۵. روزنامهٔ دیلی میل، ۲۹ فوریهٔ ۱۹۲۱

۲۲۶. سخنان سید ضیاء، جلسهٔ ۱۵ بهمن ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی

۲۲۷. سید ضیاءالدین (نخست‌وزیر و وزیر کشور) ماژر مسعود خان کیهان (وزیر جنگ) میرزا محمود خان مدیرالملک «محمود جم» (وزیر امور خارجه) مصطفی خان عدل «منصور السلطنه» (کفیل وزارت دادگستری) نیرالملک «جعفرقلی هدایت» (وزیر معارف) مؤدب‌الدوله نفیسی (وزیر بهداری) میرزا حسینخان عدل‌الملک «دادگر» (معاون و کفیل وزارت کشور)

۲۲۸. چند افسر سوئدی برای مستشاری ژاندارمری و دو مستشار حقوقی از فرانسه برای مستشاری دادگستری استخدام شدند و برای مستشاری مالی همان «اسمیت» که درزمان «وثوق» به ایران آمده و در زمان «پیرنیا» مأمور گفتگو با شرکت نفت در لندن شده بود، به تهران فراخوانده شد.

از نظر سیاست خارجی افتتاح روابط دوستانه با روسیه. الغای کاپیتولاسیون با حفظ روابط دوستانهٔ دولتهای ذی‌نفع و الغای قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس_ تخلیهٔ ایران از قشون اجانب_ تجدید نظر در امتیازاتی که به اجانب داده شده است.[۲۲۹]

در روزهای آغازین کودتا بیش از دویست نفر از صاحبان القاب، که بیشترشان در شمار بدهکاران عمده مالیاتی بودند (برای جلوگیری از تحریکات بر ضد دولت) بازداشت شدند. شماری سیاست‌پیشه و روزنامه‌نویس نیز در این میان بودند.[۲۳۰]

امضای قرارداد ایران و شوروی

«سید ضیاء» در همان روز ششم اسفند ضمن یک تلگراف، با اعلام نخست‌وزیری خود به «مشاورالممالک» در مسکو دستور داد فوری عهدنامهٔ ایران و شوروی را امضا کنند.[۲۳۱]

با دستور سید ضیاءالدین نخست‌وزیر جدید، روز ۲۶ فوریهٔ ۱۹۲۱[۲۳۲] قرارداد ایران و شوروی در مسکو میان «مشاورالممالک» و «گئورکی چیچرین» و «کاراخان» (قره‌خان) وزیر و معاون وزارت امور خارجهٔ اتحاد جماهیر شوروی به امضا رسید.[۲۳۳] اینک متن عهدنامهٔ امضا شدهٔ ایران و شوروی:

چون دولت ایران از یک طرف و دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه از طرف دیگر نهایت درجه مایل بودند که روابط محکم و حسنه همجواری و برادری در آتیه مابین ملتین ایران و روس برقرار باشد، لهذا مصمم شدند که داخل مذاکره در این باب شده و برای این مقصود اشخاص ذیل را وکلای مختار خود معرفی نمودند.

۲۲۹. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۲۷ (۱۳۳۹) اسناد وزارت امور خارجه

۲۳۰. نصرت‌الدوله فیروز (عاقد قرارداد ۱۹۱۹) و پدرش «فرمانفرما» که در تأسیس پلیس جنوب در هنگام استانداری فارس با «ژنرال سایکس» همکاری کرده بود و برادرش عباس‌میرزا سالار لشکر، و سعدالدوله و عین‌الدوله و حشمت‌الدوله و محتشم‌السلطنه و مشاورالدوله و ممتازالدوله و امین الضرب و مدرس نیز در شمار بازداشت شدگان بودند.

۲۳۱. مشاورالممالک بواسطهٔ نرسیدن پول از سوی دولت ایران، در مضیقه بود تا آنجا که چند هزار دلار از مقامهای وزارت امور خارجهٔ شوروی قرض کرده بود. «سید ضیاء» مبلغ کافی پول برای او فرستاد و مبلغی هم در تهران در اختیار خانوادهٔ او گذاشت: پوشهٔ ۲ و ۵۵، جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امور خارجه

۲۳۲. هشتم اسفند ۱۲۹۹

۲۳۳. پس از انقلاب روسیه، دولت ایران نخستین دولتی بود که با رژیم شوروی عهدنامهٔ دوستی و استقرار روابط سیاسی و بازرگانی امضا کرد.

ــ از طرف دولت ایران «علیقلی خان مشاورالممالک»
ــ از طرف دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه «گئورکی و اسیلیویچ چیچرین» و «میخائیلویچ کاراخان» (قره خان)، وکلای مختار مزبور پس از ارائهٔ اعتبارنامه‌های خود که موافق قاعده و ترتیبات مقتضیه بوده در آنچه ذکر می‌شود توافق نظر حاصل نمودند.

فصل اول

دولت روسیهٔ شوروی مطابق بیانیه‌های خود راجع به مبـــانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ یانوار ۱۹۱۸ (ضمیمهٔ (۱) و ۲۶ ایوان ۱۹۱۹ (ضمیمهٔ (۲))، یک مرتبهٔ دیگر رسماً اعلان می‌نمایند که از سیاست جابرانه که دولتهای مستعمراتی روسیه که به ارادهٔ کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند، نسبت به ایران تعقیب می‌نمودند قطعاً صرف‌نظر می‌نمایند.

نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به اینکه ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارایی خود تصرفات لازمه را بنماید، دولت روسیهٔ شوروی تمام معاهدات و مقاولات و قراردادها را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می‌نمود، ملغی و از درجهٔ اعتبار ساقط شده اعلان می‌نماید.

فصل دوم

دولت روسیهٔ شوروی از سیاست دولتهای روسیهٔ تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانهٔ تأمین استقلال ملل مزبوره با سایر ممالک اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد می‌نمودند (که بالنتیجه منجر به استملاک آن می‌گردید)، اظهار تنفر می‌نماید. این سیاست جنایتکارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم می‌نمود، بلکه ملل زندهٔ مشرق را طعمهٔ حرص غارتگران اروپایی و تعدیات مرتب آنها قرار می‌داد، دولت روسیه شوروی بدون هیچ شرطی نفی می‌نماید.

نظر به آنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول و چهارم این معاهده، دولت روسیه شوروی استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامی که منجر به تضعیف و عدم حفظ سیادت ایران بشود اعلان نموده و کلیهٔ معاهدات و قراردادهایی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی به ضرر ایران منعقد نموده است ملغی و از درجهٔ اعتبار ساقط می‌داند.

فصل سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت می‌دهند که سرحد مابین ایران و روسیه را مطابق تعیین کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند. ضمناً بواسطهٔ عدم میلی که دولت روسیه شوروی از استفاده از ثمرات سیاسی غاصبانهٔ دولت تزاری سابق روسیه دارد، از انتفاع از جزایر «آشوراده» و جزایر دیگری که در سواحل ولایت «استرآباد» ایران واقع می‌باشند، صرفنظر کرده و همچنین قریهٔ «فیروزه» را با اراضی مجاورهٔ آن که مطابق قرارداد ۲۸ مه ۱۸۹۳ از طرف ایران به روسیه انتقال داده شده است، به ایران مسترد می‌دارد.

دولت ایران از طرف خود رضایت می‌دهد که شهر سرخس معروف به «سرخس روس» یا «سرخس کهنه» با اراضی مجاور آن که منتهی به رودخانهٔ سرخس می‌شود، در تصرف روسیه باقی بماند. طرفین معظمتین متعاهدتین با حقوق مساوی از رودخانه «اترک» و سایر رودخانه‌های سرحدی بهره‌مند خواهند شد و ضمناً برای تنظیم قطعی مسئلهٔ انتفاع از آبهای سرحدی و برای حل کلیهٔ مسائل متنازع فیهای سرحدی و اراضی، یک کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد.

فصل چهارم

با تصدیق اینکه هر یک از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید، هر یک از طرفین معظمتین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرفنظر کرده و جداً خودداری خواهد نمود.

فصل پنجم

دولتین معظمتین متعاهدتین تقبل می‌نمایند که از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروپ‌ها) به هر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصودِ تشکیلات و اشخاص مزبوره مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحد با روسیه باشد، در خاک خود ممانعت و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیز نفرات برای صفوف قشون و یا قوای مسلحهٔ تشکیلات مزبوره در خاک خود ممانعت نمایند.

۲. به کلیهٔ ممالک و یا تشکیلات قطع‌نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد، نباید اجازه داده شود که به خاک هر یک از طرفین معظمتین متعاهدتین تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود،

وارد نموده و یا عبور دهد.

۳. با تمام وسایلی که به آن دسترس باشد، از توقف قشون و یا قوای مسلح مملکت ثالث دیگری در صورتی که احتمال برود توقف قوای مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می‌شود، باید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نماید.

فصل ششم

دولتین معظمتین متعاهدتین موافقت حاصل کردند که هر گاه ممالک ثالثی بخواهند بوسیلهٔ دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجرا دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند، و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادی روسیهٔ شوروی و یا متحدین آن را تهدید نماید و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت‌شوروی خودش نتواند این خطر را رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمهٔ نظامی را به عمل آورد. دولت شوروی متعهد است که پس از رفع خطر، بلادرنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.

فصل هفتم

نظر به اینکه ملاحظات مذکوره در فصل ششم می‌تواند همچنین در باب امنیت در «بحر خزر» مورد پیدا نماید، طرفین معظمتین متعاهدتین موافق هستند که اگر جزء افراد بحریهٔ ایران، اتباع دولت ثالثی باشند که از بودن خود در بحریهٔ ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت به روسیه استفاده نمایند، دولت شوروی حق خواهد داشت که انفصال عناصر مضرهٔ مزبوره را از دولت ایران بخواهد.

فصل هشتم

دولت شوروی انصراف قطعی خود را از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب می‌نمود و به دولت ایران نه از نقطه‌نظر توسعهٔ اقتصادی و ترقی ملت ایران، بلکه برای اسارت سیاسی ایران پول می‌داد، اعلان می‌نماید.

بنابراین دولت شوروی از هر نوع حقوق خود نسبت به قروضی که دولت تزاری به دولت ایران داده است، صرفنظر کرده و این‌گونه استقراضها را نسخ شده و غیرقابل

تأدیه می‌شمارد و همچنین دولت شوروی از تمام تقاضاهای راجع به انتفاع از عواید مملکتی ایران که وثیقهٔ استقراضهای مذکوره بودند، صرفنظر می‌نماید.

فصل نهم

دولت شوروی نظر به اعلام نفی سیاست مستعمراتی سرمایه‌داری که باعث بدبختی‌ها و خونریزی‌های بی‌شمار بوده و می‌باشد، از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیهٔ تزاری که قصد آنها اسارت اقتصادی ایران بوده صرفنظر می‌نماید.

بنابراین دولت شوروی تمام نقدینه و اشیای قیمتی و کلیهٔ مطالبات و بدهی بانک استقراضی ایران را و همچنین کلیهٔ دارایی منقول و غیرمنقول بانک مزبور را در خاک ایران به ملکیت کامل ایران واگذار می‌نماید. توضیح آنکه در شهرهایی که مقرر است کنسولگری‌های روسیه تأسیس شوند و در آنجا خانه‌های متعلقه به بانک استقراضی ایران وجود داشته و مطابق همین فصل به دولت ایران منتقل می‌شود، دولت ایران رضایت می‌دهد که یکی از آن خانه‌ها را مجاناً برای استفاده مطابق انتخاب دولت شوروی برای محل کنسولگری روسیه واگذار نماید.

فصل دهم

دولت شوروی کوشش سیاست مستعمراتی دنیا را که در ساختن راهها و کشیدن خطوط تلگرافی در ممالک غیر برای تأمین نفوذ نظامی خود بر توسعهٔ تمدن ملل ترجیح می‌دهد، نفی کرده و مایل است که وسایل مراودات و مخابرات که برای استقلال و تکمیل تمدن هر ملتی لزوم حیاتی دارد، به اختیار خود ملت ایران واگذار شود و ضمناً هم به قدر امکان خسارات وارده به ایران بواسطهٔ قشون دولت تزاری جبران شود؛ لهذا دولت شوروی مؤسسات روسی ذیل را بلا عوض به ملکیت قطعی ملت ایران واگذار می‌نماید:

الف) راههای شوسه از انزلی به تهران و از قزوین به همدان با تمام اراضی و ابنیه و اثاثیهٔ متعلق به راههای مذکوره.

ب) خطوط راه‌آهن از جلفا به تبریز و از صوفیان به دریاچهٔ ارومیه با تمام ابنیه و وسایل نقلیه و متعلقات دیگر.

ج) تمام خطوط تلگرافی و تلفونی با تمام متعلقات و ابنیه و اثاثیه که در حدود ایران توسط دولت سابق تزاری ساخته شده است.

د) بندر انزلی «پرت» با انبارهای مال‌التجاره و کارخانهٔ چراغ برق و سایر

ابنیه.

فصل یازدهم

نظر به اینکه مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه، عهدنامهٔ منعقده در دهم فورال ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمانچای نیز که فصل هشتم آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجهٔ اعتبار ساقط است؛ لهذا طرفین معظمتین متعاهدتین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتیرانی آزاد را در زیر بیرقهای خود در بحر خزر داشته باشند.

فصل دوازدهم

دولت شوروی پس از آنکه رسماً از استفاده از فواید اقتصادی که مبتنی بر تفوق نظامی بوده صرفنظر نموده، اعلان می‌نماید که علاوه بر آنچه در فصول ۹ و ۱۰ ذکر شد، سایر امتیازات نیز که دولت سابق تزاری عنفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود، از درجهٔ اعتبار ساقط می‌باشند.

دولت شوروی از زمان امضای این عهدنامه تمام امتیازات مذکوره را اعم از آنکه به موقع اجرا گذارده شده باشند و یا گذارده نشده باشند و تمام اراضی را که بواسطهٔ آن امتیازات تحصیل شده‌اند، به دولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار می‌نماید.

از اراضی و مایملکی که در ایران متعلق به دولت تزاری سابق بوده محوطهٔ سفارت روس در تهران و زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه موجود در آنها و همچنین محوطه‌ها و ابنیه و اثاثیهٔ جنرال کنسولگرهای سابق روسیه در ایران در تصرف روسیه باقی می‌ماند. توضیح اینکه دولت شوروی از حق اداره کردن قریهٔ زرگنده که متعلق به دولت سابق تزاری بود، صرفنظر می‌نماید.

فصل سیزدهم

دولت ایران از طرف خود وعده می‌دهد که امتیازات و مایملکی را که مطابق این عهدنامه به ایران مسترد شده است به تصرف و اختیار و یا استفادهٔ هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالثی واگذار ننموده و تمام حقوق مذکوره را برای رفاه ملت ایران محفوظ بدارد.

فصل چهاردهم

با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشهٔ روسیه، دولت ایران پس از انقضای اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت به شیلات مزبوره، حاضر است که با ادارهٔ ارزاق جمهوریت اتحادی اشتراکی شوروی قراردادی در باب صید ماهی با شرایط خاصی که تا آن زمان معین خواهد شد منعقد نماید. همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعهٔ وسایلی شود که حالیه نیز تا رسیدن موقع شرایط مذکوره در فوق امکان رساندن مواد شیلات مزبوره را به روسیه در نظر ادارات ارزاق جمهوری اشتراکی روسیه تأمین نماید.

فصل پانزدهم

دولت شوروی نظر به اصول اعلام شده خود در باب عقاید مذهبی، مایل است به تبلیغات مذهبی که مقصود باطنی از آن اعمال نفوذ سیاسی در تودهٔ مردم و کمک به وسایل سبعانهٔ تزاری بوده، در ممالک اسلامی خاتمه دهد.

بنابراین دولت شوروی انحلال تمام هیئتهای روحانی را که دولت تزاری در ایران تأسیس کرده بود، اعلان می‌نماید و اقدام خواهد نمود که بعدها از روسیه به ایران این‌گونه هیئتها اعزام نشوند.

دولت شوروی اراضی و ابنیه و دارایی «هیئت ارتودکس» را در ارومیه و همچنین تمام دارایی سایر مؤسسات سنخ هیئت مزبوره را بلاعوض دائمی به ملت ایران که دولت ایران نمایندهٔ آن است، واگذار می‌نماید. دولت ایران اراضی و ابنیه و دارایی مزبور را به مصرف ساختن مدارس و سایر مؤسسات معارفی خواهد رساند.

فصل شانزدهم

نظر به مندرجات مراسلهٔ دولت شوروی به تاریخ ۲۵ ایون ۱۹۱۹ (ضمیمهٔ ۲) راجع به ابطال قضاوت کنسولها، اتباع روسیهٔ ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسیه از تاریخ امضای این معاهده دارای حقوق متساوی با سکنهٔ محلی بوده و محکوم قوانین مملکت متوقف فیها خواهند بود و به تمام کارهای قضایی آنها در محاکم محلی رسیدگی خواهد شد.

فصل هفدهم

اتباع ایران در روسیه و همچنین اتباع روسیه در ایران از خدمت نظامی و تأدیهٔ هر نوع مالیات نظامی یا عوارض نظامی معاف هستند.

فصل هجدهم

اتباع ایران در روسیه و اتباع روسیه در ایران در آزادی مسافرت در داخلهٔ مملکت دارای حقوقی می‌باشند که به اتباع دولت کاملة الوداد، بغیر از دول متحده با روسیه واگذار می‌شود.

فصل نوزدهم

دولتین معظمتین متعاهدتین در مدت قلیلی پس از امضای این عهدنامه اقدام در تجدید روابط تجارتی خواهند نمود.

وسایل تنظیم واردات و صادرات مال‌التجاره و تأدیهٔ قیمت آن و همچنین طرز دریافت و میزان حقوق گمرکی که از طرف ایران بر مال‌التجارهٔ روس تعلق می‌گیرد، مطابق قرارداد خاص تجارتی که بوسیلهٔ کمیسیون خاص از نمایندگان طرفین تشکیل خواهد شد، معین خواهد گردید.

فصل بیستم

دولتین معظمتین متعاهدتین متقابلاً به همدیگر حق ترانزیت می‌دهند که از طریق ایران و یا روسیه به ممالک ثالثی مال‌التجاره حمل نمایند. ضمناً برای مال‌التجارهٔ حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال‌التجارهٔ دول کاملة الوداد، غیر از ممالک متحده با جمهوری شوروی روسیه، اخذ می‌شود، نباید تعلق بگیرد.

فصل بیست و یکم

دولتین معظمتین متعاهدتین در اقل مدت پس از امضای این عهدنامه، اقدام در استقرار روابط تلگرافی و پستی مابین ایران و روسیه خواهند نمود. شرایط روابط مذکوره در قرارداد خاص پستی و تلگرافی معین خواهد شد.

فصل بیست و دوم

برای تثبیت روابط ودادیه و همجواری و تهیهٔ موجبات درک حسن نیت همدیگر که

پس از امضای این عهدنامه فیمابین برقرار می‌شود، هر یک از طرفین معظمتین متعاهدتین در پایتخت طرف مقابل نمایندهٔ مختار خواهند داشت که چه در ایران و چه در روسیه دارای حق مصونیت خارج از مملکت و سایر امتیازات مطابق قوانین بین‌المللی و عادات و همچنین قواعد و مقررات جاریه در مملکتین نسبت به نمایندگان سیاسی باشند.

فصل بیست و سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین به نیت توسعهٔ روابط مملکتین متقابلاً در نقاطی که به رضایت طرفین معین خواهد شد، تأسیس کنسولگری‌ها خواهند نمود. حقوق و صلاحیت کنسولها در قرارداد مخصوصی که بلاتأخیر از امضای این عهدنامه منعقد خواهد شد و همچنین مطابق قواعد و مقررات جاریه در هر دو مملکت، نسبت به مؤسسهٔ کنسولها معین خواهد شد.

فصل بیست و چهارم

این عهدنامه باید در ظرف سه ماه تصدیق شود؛ مبادلهٔ تصدیق نامه‌ها در شهر تهران حتی الامکان در مدت قلیلی به عمل خواهد آمد.

فصل بیست و پنجم

این عهدنامه به زبان فارسی و روسی در دو نسخهٔ اصلی نوشته شده و در موقع تفسیر آن هر دو نسخه معتبر می‌باشد.

فصل بیست و ششم

این عهدنامه فوراً پس از امضا دارای اعتبار خواهد شد. برای تصدیق آنچه گفته شد، امضا کنندگان، ذیل این عهدنامه را امضا کرده و به امهار خود ممهور نمودند، در شهر مسکو در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ تحریر شد؛ امضاء، کئورگی چیچرین– کاراخان– مشاورالممالک[۲۳۴]

امضای قرارداد ایران و اتحاد جماهیر شوروی که از نظر روابط سیاسی دو کشور

۲۳۴. صفحات ۵۴ و ۵۸ مجموعهٔ معاهدات دو جانبهٔ دولت ایران تا سال ۱۳۴۹، چاپ وزارت امور خارجه

اقدامی مهم بود و رفع اختلافات و حل مسئلهٔ گیلان را در پی داشت، در بیشتر شهرهای ایران بوسیلهٔ کارگزاری‌های وزارت امور خارجه به آگاهی مردم رسید.

دربارهٔ انحلال جمهوری گیلان، «مشاورالممالک» پیش از امضای پیمان، موافقت دولت اتحاد جماهیر شوروی را جلب کرده و در تلگراف سوم جمادی‌الثانی ۱۳۳۹[۲۳۵] به وزارت خارجه چنین گزارش داده بود: «رئیس جمهور قفقاز (نریمان اف) که در مسکو بود، پریروز به قفقاز حرکت کرد؛ به اوامر داده شده جمهوری کمونیست گیلان را فوری منحل کند.[۲۳۶]

لغو قرارداد ۱۹۱۹

در صفحات پیشین دیدیم که «سپهدار» از دولت انگلیس خواست یکصد هزار لیره در اختیار او بگذارد تا مجلس را بگشاید و با دادن پول به نمایندگان مجلس قرارداد را به تصویب برساند، ولی دولت انگلیس موافقت نکرد و «سپهدار» درصدد تنظیم قرارداد تازه با دولت انگلیس برآمد، زیرا او و نیز «نورمن» با توجه به آنچه در یک سال‌ونیم دربارهٔ قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ گذشته بود، به غیرقابل اجرا بودن قرارداد معتقد شده بودند و نه تنها آن دو بلکه طرفداران جدی قرارداد هم همین عقیده را پذیرفتند و با چنین تغییر عقیده‌ای دربارهٔ قرارداد (که یک سال‌ونیم بر تمام مناسبات سیاست داخلی و خارجی ایران سایه افکنده بود) «سید ضیاءالدین» که در زمان «وثوق‌الدوله» از مدافعان سرسخت قرارداد بود، یک هفته پس از آغاز نخست‌وزیری خود با توجه به اینکه قرارداد هم در ایران و هم در انگلستان در بسیاری از محافل سیاسی محکوم و غیر قابل اجرا شناخته شده بود، برای آنکه تکلیف قرارداد را یکسره کند و این مشکل سیاسی را از پیش پای بردارد، روز سیزدهم اسفند ۱۲۹۹ موضوع قرارداد را در جلسهٔ هیئت وزیران مطرح کرد و هیئت وزیران متفقاً الغای قرارداد را اعلام داشتند[۲۳۷] و پس از لغو قرارداد در هیئت وزیران از سوی وزارت امور خارجه، این تصمیم ضمن نامه‌ای (که پیش‌نویس آن نیز به‌تصویب

۲۳۵. ۲۴ بهمن ۱۲۹۹

۲۳۶. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (سال ۱۲۹۹) اسناد وزارت امور خارجه

۲۳۷. متن تصویب‌نامهٔ هیئت وزیران

هیئت وزرا در جلسهٔ سیزدهم حوت پیچی‌ئیل ۱۲۹۹ به اتفاق آرا تصویب نمودند که معاهدهٔ مورخهٔ نهم اوت ۱۹۱۹ منعقده فیمابین ایران و انگلیس الغاء گردد و وزارت خارجه الغای آن را به سفارت انگلیس اعلام دارد. سواد مراسله‌ای که می‌بایست از طرف وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس ارسال شود قرائت و تصویب شد.

هیئت‌وزیران رسیده بود) در هجدهم اسفند به سفارت انگلیس ابلاغ شد.
اینک متن نامه:
نمرهٔ ۲۲۵۱/۲۹۳۸ــ۱۸ حوت ۱۲۹۹/ ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹

جناب آقای وزیرمختارــ عقیدهٔ حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزرا که در بیانیهٔ خود اعلام نمودند به این تعلق گرفت که برای رفع هر گونه سوءتفاهم و محض تحکیم مناسبات ودادیه مابین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اعلیحضرت شاهنشاه ایران که تاریخ یک قرن آن را تثبیت نموده است، قرارداد ایران و انگلستان مورخهٔ اوت ۱۹۱۹ که اجرای آن معلق به تصویب مجلس شورای ملی گذاشته بود، الغا گردد. قرارداد مزبور موقعی انعقاد یافت که اجرای آن از نظر تجدید تشکیلات متضمن فواید بسیار برای مملکت بود، وضعیت سیاست دنیا و مخصوصاً پیشامدهای ایران مانع اجرای آن گردید. در همان حال ناگهان در حوادث چنان تغییر اساسی راه یافت که حتی بزرگترین طرفداران قرارداد مزبور اعتراف می‌نمایند که اجرای آن در حال حاضر قرین مخاطره خواهد بود؛ زیرا نه تنها استعداد قبول اجرای آن در ایران فراهم نبود، حتی افکار عمومی انگلیس هم آن را با شبهه تلقی می‌کرد. نقض این قرارداد زمینه را برای مناسبات مستحکم‌تری فراهم می‌نماید؛ متمنی است مراتب را به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده و این وزارتخانه را از جواب، که امید است کاملاً مساعد خواهد بود مستحضر فرمایید. وزیر امور خارجهــ مدیرالملک.

و نیز این تصمیم به صورت بخشنامه به سفارتخانه‌های مقیم تهران ابلاغ شد.[۲۳۸]

سفارت انگلیس پس از گزارش موضوع به وزارت خارجهٔ انگلستان در ۲۳ مارس ۱۹۲۱[۲۳۹]، موافقت وزارت خارجهٔ انگلستان را دربارهٔ لغو قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ به وزیر امور خارجهٔ ایران اعلام داشت؛ متن نامهٔ سفارت انگلیس:

۱۳ رجب ۱۳۳۹/ ۲۳ مارس ۱۹۲۱ آقای وزیر شرف دارم جنابعالی را مستحضر دارم که تصمیم دولت علیه مندرج در مراسلهٔ ۲۷جمادی‌الثانی راجع به فسخ قرارداد انگلیس و ایران مورخهٔ ۱۹۱۹ را به دولت متبوعهٔ خود اطلاع دادم، حال از وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان دستورالعمل رسیده که جنابعالی را مستحضر دارم که دولت انگلیس هیچ‌وقت به قدر دقیقه‌ای مایل نبوده است که در قبول قرارداد از طرف

۲۳۸. پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۲۷ (سال ۱۲۹۹) اسناد وزارت امور خارجه
۲۳۹. چهارم فروردین ۱۳۰۰

دولت ایران و مجلس شورای ایران یا اهالی ایران اصرار نماید. «جناب لرد کـرزن»[۲۴۰] اظهار می‌دارند که دولت انگلستان از دوستی سیصد سالهٔ ایران صرفنظر نمی‌کند و به الغای قرارداد ایرادی ندارد. اگر در آینده ایران به مساعدت انگلیس نیاز داشته باشد، الغای قرارداد مانع مساعدت دولت انگلیس نخواهد بود. این بر عهدهٔ دولت ایران است که دوستی صادقانهٔ خود را به منصهٔ ظهور رساند، بدیهی است دولت ایران بواسطهٔ فسخ قرارداد بابت یکصدوسی‌ویک هزار لیره که در ماه اوگوست (اوت) ۱۹۱۹ پس از انعقاد قرارداد/بابت قرض دو میلیون لیره گرفته‌اند، مسئول می‌باشند.[۲۴۱] و همچنین قیمت اسلحه وقورخانه که همزمان با امضای قرارداد به ایران داده شده است باید بپردازند. «نورمان»

پس از وصول نامهٔ سفارت انگلیس سید ضیاءالدین نخست‌وزیر در هفدهم فروردین رسماً لغو قرارداد ۱۹۱۹ را اعلام داشت.[۲۴۲]

لغو گوشه‌ای از کاپیتولاسیون

با تحولات و دگرگونی نظام حکومت در روسیه و عثمانی هیئت دولت در جلسهٔ شب ۲۵ اسفند ۱۲۹۹ تصمیم گرفت که از این پس محاکمات اتباع روس ــ آذربایجان ــ گرجستان ــ ارمنستان و اتباع عثمانی ــ بین‌النهرین (عراق) و سوریه در دادگاههای دادگستری مورد رسیدگی قرار گیرد و این تصمیم هیئت‌وزیران طی‌نامهٔ ۱۲۷۰۱، ۲۷ اسفند به امضای سید ضیاءالدین نخست‌وزیر به وزارت خارجه ابلاغ و دستور اجرای آن داده شد.

۲۴۰. «لرد کرزن» وزیر امور خارجهٔ انگلستان خود طراح قرارداد ۱۹۱۹ بود.

۲۴۱. یکصدوسی‌ویک هزار لیره مبلغی بود که همزمان با امضای قرارداد بابت قسط اول وام دو میلیون لیره‌ای در اختیار «وثوق‌الدوله، نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله گذارده شده بود، «صورت مذاکرات ۲۹ شهریور و ۲۹ آبان ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی»

۲۴۲. همزمان با اقدامات ایران در امضای قرارداد با اتحاد جماهیر شوروی و اعلام لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، میان دولت انگلیس و شوروی نیز پس از چند سال قطع روابط در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۲۱ (۲۶ اسفند ۱۲۹۹) یک قرارداد بازرگانی به امضا رسید که در آن ضمن اعلام آزادی رفت‌وآمد اتباع دو کشور برای کارهای بازرگانی و معافیت اتباع هر دو کشور از عوارض محلی، هر دو کشور متعهد شدند که هیچ اقدامی بر ضد یکدیگر ننمایند و در راه بازرگانی میان دو کشور یا هر یک از دو کشور با کشورهای دیگر هیچ‌گونه مانع ایجاد نکنند. امضای این قرارداد و برپایی ارتباط بازرگانی میان انگلیس و شوروی نیز تا حدی در ایجاد تفاهم میان آن دو دولت دربارهٔ پایان دادن به اختلافاتشان در ایران بی‌تأثیر نبود (پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۵ (۱۲۹۹) اسناد وزارت امور خارجه)

ورود نمایندهٔ مختار شوروی

پس از امضای قرارداد ایران و شوروی در مسکو (زوتشتاین) که قبلاً به‌عنوان نمایندهٔ مختار دولت اتحاد جماهیر شوروی برگزیده شده بود، با «مشاورالممالک» سفیر فوق‌العادهٔ ایران در مسکو دیدار کرد و دربارهٔ مسافرت خود گفتگو نمود. پذیرش او از سوی وزارت خارجهٔ ایران اعلام گردید و با امضای قرارداد راهی ایران شد. «مشاورالممالک» از نخست‌وزیر و وزارت خارجهٔ ایران خواست ترتیب پیشواز و تشریفات ورود این مهمان هرچه زودتر و بهتر داده شود.

از سوی ایران پیشنهاد شد به ملاحظهٔ امنیت بیشتر، نمایندهٔ مختار شوروی از طریق خراسان به ایران بیاید و «نادر آراسته» که در حدود یک ماه پیش به‌عنوان نمایندهٔ سیاسی ویژهٔ ایران در عشق‌آباد اقامت داشت، به‌عنوان مهماندار نمایندهٔ مختار شوروی تعیین گردید و به او دستور داده شد همراه نمایندهٔ مختار شوروی به تهران بیاید. وزارت خارجهٔ شوروی با این پیشنهاد موافقت کرد؛ در عشق‌آباد «کاخ کروپاتکین» (اقامتگاه نادر آراسته) برای ورود «روتشتاین» اختصاص داده شد و نمایندهٔ مختار شوروی در این کاخ مهمان «آراسته» بود و پس از چند روز به مرز ایران رهسپار شد. نمایندهٔ «کلنل محمد تقی خان پسیان» کفیل استانداری خراسان در مرز باجگیران با تشریفات ویژه به استقبال نمایندهٔ مختار شوروی شتافت.[۲۴۳] (قوام‌السلطنه استاندار خراسان، در ۱۳ فروردین به دستور نخست‌وزیر بازداشت شده بود) «روتشتاین» همینکه وارد قوچان شد، تلگراف خوشامد وزیر امور خارجهٔ ایران را دریافت کرد، سپس با همراهان از قوچان رهسپار مشهد گردید. در مشهد اتومبیل قوام‌السلطنه در اختیار «روتشتاین» گذارده شد و «کلنل محمد تقی خان پسیان»[۲۴۴] با تشریفات بایسته از او

۲۴۳. چون دولت اتحاد جماهیر شوروی از ایران خواسته بود سفارتخانه و کنسولگری‌های روسیه را تحت نظر بگیرد و آرشیو آنها را مهروموم نماید، اینک که نمایندهٔ مختار شوروی به ایران گام می‌نهاد وزارت امور خارجه روز ششم فروردین طی نامهٔ ۲۵۸۱ مراتب را به «گیلد برانت» کاردار سفارت سابق روسیه اطلاع داد و در روزهای ۱۲ و ۱۵ و ۱۷ فروردین با حضور «ساعدالملک» رئیس تشریفات وزارت امور خارجه و «اسحاق رهبر» عضو ارشد ادارهٔ روس تمام آرشیو سفارت و سرکنسولگری روس و ساختمان سفارت در پامنار بسته و مهروموم شد و صورت مجلس به امضای «ساعدالملک» و «اسحاق رهبر» و «گیلد برانت» کاردار سفارت سابق و «نادننکو» سرکنسول سابق روس رسید و نیز کنسولگری‌های روس در مشهد و تبریز و رشت و شیراز و اصفهان و ساری و بابل و دیگر جاها به همین‌گونه توسط فرمانداری‌ها مهروموم شد. در حالی که آرشیو بیشتر کنسولگری‌ها قبلاً به تهران حمل و به سفارت روس تحویل داده شده بود (جزوه‌دان ۳، پوشهٔ ۱۱ (۱۳۳۹) اسناد وزارت امور خارجه)

۲۴۴. «کلنل محمد تقی خان پسیان، از افسران میهنخواه ژاندارمری که مدرسهٔ ژاندارمری سوئدی‌های را در تهران طی

←

پذیرایی نمود، او در مشهد گفت: «برای انحلال حکومت جمهوری گیلان در روسیه اقدام لازم انجام شد.» و نیز گفت: «کمیسیونی تعیین خواهد شد که قوای روس و انگلیس در موقع معین ایران را تخلیه کنند.»[۲۴۵]

در مشهد از سوی استانداری سه کالسکه و سه گاری در اختیار «روتشتاین» گذارده شد و در اواخــر فروردین با پنج نفر همراهان ارشد خود[۲۴۶] به سوی تهران حرکت کرد، دیگر همراهان «روتشتاین» و اعضای سفارت که شمارشان به هفتاد نفر می‌رسید در چند گروه با فاصله‌های چند روزه به تهران حرکت کردند.[۲۴۷] همینکه «روتشتاین» به تهران نزدیک شد، از سوی دولت چهار اتومبیل برای سواری او و همراهانش به «خاتون آباد» فرستادند.[۲۴۸] او روز دوشنبه پنجم اردیبهشت وارد تهران شد و چند مقام عالیرتبهٔ وزارت امور خارجه او را به «پارک اتابک» که برای پذیرایی او و همراهان اختصاص یافته بود راهنمایی کردند.[۲۴۹] معاون وزیر خارجه از او دیدن کرد و

کرده و در هنگامی که درجهٔ سرگردی داشت چند سال برای تکمیل تحصیلات نظامی به آلمان رفت و در بازگشت «۱۲۹۸» به ریاست ژاندارمری خراسان منصوب شد و سازمان ژاندارمری خراسان را نظم و گسترش داد و مدرسهٔ ژاندارمری تأسیس کرد و به امنیت خراسان خدمت کرد ودر۱۳ فروردین۱۳۰۰ با توقیف قوام‌السلطنه (به دستور سید ضیاءالدین) کفالت استانداری خراسان را نیز عهده‌دار شده بود.

کلنـــل محمد تقی خان پس از برکنـــاری دولت سیـــد ضیاءالدین (چهـــارم خرداد ۱۳۰۰) و تشکیـــل دولت قوام‌السلطنه از شناسایی و پذیرفتن تعلیمات دولت جدید خودداری کرد و چند ماه خراسان را بالاستقلال زیر فرمان داشت. در نیمهٔ مهرماه قرار بود میان او و امیر شوکت‌الملک علم (به نمایندگی دولت مرکزی) در نقطه‌ای از قائنات دیدار و گفتگو انجام شود. کلنل محمد تقی خان روز ششم مهر برای بازدید پستهای نظامی به گناباد رفت، اما با شنیدن خبر حملهٔ سالار معزز بجنوردی به قوچان و خلع سلاح ژاندارمری قوچان، خود با عده‌ای ژاندارم رهسپار قوچان گردید و در درگیری در تپه‌های جعفرآباد کشته شد (۹ مهر ۱۳۰۰).

۲۴۵. گزارش ۱۶ فروردین کارگزاری خراسان (پوشهٔ ۱۴، جزوه‌دان ۲ (۱۳۳۹ ق.) اسناد وزارت امور خارجه) توضیح: این کمیسیون بعداً با شرکت نمایندگان ایران و شوروی و انگلیس و آذربایجان قفقاز تشکیل گردید و به تخلیهٔ رشت و انزلی از نیروی آذربایجان و شوروی انجامید.

۲۴۶. «نیکانویچ» دبیر اول سفارت «برلسکین» دبیر دوم سفارت «بریانکف» منشی مخصوص «راکاتچیف» وابستهٔ نظامی و «چایکین» مترجم.

۲۴۷. نام شمار دیگر از همراهان «روتشتاین» «بوتسکی»ناظر سفارت و خانم بوتسکی، «مایر» پزشک سفارت «خانم مایر» و دختر او «خانم راکاچف» کارمند سفارت با دخترش «خانم اسمیر نوف» ماشین‌نویس «خانم ژرفسکـــی» مدیر دفتر گذرنامه «خانم برتشکین» کارمند دفتر گذرنامه «نیکلاویچ» عضو دفتر گذرنامه «کوتلارف» و «کلانتر اف» کارمند سیاسی «بیلیکف» وابستهٔ اقتصادی (پوشهٔ ۱۴، جزوه‌دان ۲، اسناد وزارت امور خارجه (۱۳۳۹ ق.)

۲۴۸. «خاتون آباد» روستایی در سر راه تهران به خراسان ـــ نزدیک تهران.

۲۴۹. پارک اتابک (محل کنونی سفارت شوروی) را میرزا علی اصغرخان اتابک در هنگام صدارت خود در سالهای

خوشامد گفت. «روتشتاین» براساس وقت از پیش تعیین شده روز نهم اردیبهشت با مترجم خود همراه معاون تشریفات سلطنتی که به پارک اتابک رفته بود، در ساعت سه پس از نیمروز در کالسکهٔ سلطنتی در کاخ فرح‌آباد نزد «احمدشاه» بار یافت و پس از تقدیم استوارنامه، در کاخ گلستان از «ولیعهد» (محمدحسن میرزا) و در کاخ بادگیر از «نخست‌وزیر» (سید ضیاءالدین) دیدن کرد و روز سیزدهم اردیبهشت با وزیر امور خارجه برای تعیین تکلیف قرارداد راجع به کنسولهای دو دولت که مأمور به شهرهای کشور یکدیگر خواهند شد، گفتگو نمود و روابط بازرگانی بطور غیر رسمی میان ایران و شوروی در شمال ایران برقرار گردید[۲۵۰] و نمایندهٔ کمیساریای ملی بازرگانی خارجهٔ روسیهٔ شوروی به نام «ملگوف» در تهران معرفی شد.[۲۵۱] در اردیبهشت دولت با یک تصویبنامه ادارهٔ محاکمات کنسولی و نیز کارگزاری‌های وزارت امور خارجه را در شهرستانها منحل کرد و وظایف قضایی ادارهٔ محاکمات و کارگزاری را به دادگاههای دادگستری محول نمود، با تأکید بر اینکه پیش از لغو کاپیتولاسیون دعاوی مربوط به اتباع خارجه باید بر پایهٔ مقررات همان عهدنامه‌های موجود مورد رسیدگی و داوری قرار گیرد؛ و آن قسمت از وظایف کارگزاری‌ها که مربوط به مناسبات مأمورین خارجی بود بر عهدهٔ معاونین فرماندارها محول گردید.[۲۵۲]

کار فراخوانی نیروهای انگلیس و آذربایجان و شوروی نیز در فروردین و اردیبهشت پایان یافت ولی نیروی شوروی قسمتی از تأسیسات دریایی و بازرگانی انزلی

←

پایانی پادشاهی «ناصرالدین شاه» برای پذیرایی مهمانان خارجی ساخته بود و مهمانی‌های خود را هم در آنجا برگزار می‌کرد. این پارک در رهن «ارباب جمشید» بازرگان و صراف زرتشتی بود. پس از اتابک مهمانان معتبر دولت مانند مستشاران امریکایی و مستشاران سوئدی ژاندارمری در آنجا پذیرایی می‌شدند. مدرسه ژاندارمری هم از سوی «ژنرال یالمارسن» رئیس ژاندارمری در همانجا تأسیس شد. این پارک بعد در برابر بدهی ارباب جمشید به بانک استقراضی روس و ورشکستگی او به تصرف بانک استقراضی در آمد. پس از انقلاب روسیه به موجب فصل نهم قرارداد ۲۶ فوریهٔ ۱۹۲۱ اموال و املاک بانک استقراضی به دولت ایران واگذار گردید ولی به استناد ذیل فصل نهم قرارداد، از اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ پارک اتابک به تصرف سفارت شوروی در آمد و بعضی ساختمانهای دیگر هم که متعلق به بانک یا اتباع سابق روس بود برای کنسولگری‌ها در اختیار روس در آمد و متقابلاً در مسکو و دیگر شهرهای روسیه هم شماری از خانه‌های شهری و ییلاقی ایرانیان که پس از انقلاب ضبط شده بود، برای محل سفارت و کنسولگری‌ها و سکونت شخصی سفیر یا کنسولها رایگان در اختیار مأمورین دولت ایران گذارده شد.

۲۵۰. جزوه‌دان ۲۹ (سال ۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه

۲۵۱. پوشهٔ ۵۶، جزوه‌دان ۱۵ (سال ۱۳۰۱) اسناد وزارت امور خارجه

۲۵۲. پوشهٔ ۹، جزوه‌دان ۲۹ (سال ۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه

را همچنان در اختیار داشت.[۲۵۳] گفتگو برای تحویل گرفتن پلیس جنوب نیز آغاز شد. ناگهان در چهارم خرداد «سید ضیاءالدین» نخست‌وزیر از سوی «احمد شاه» برکنار گردید و روز دیگر با اسکورت یک عده قزاق تهران را به سوی عراق ترک گفت و چندی در بصره اقامت جست و سپس رهسپار سوئیس شد.[۲۵۴] پس از برکناری «سید ضیاء» روز هشتم خرداد «قوام‌السلطنه» که به دستور «سید ضیاء» در عمارت کلاه فرنگی عشرت‌آباد بازداشت بود، از سوی «احمد شاه» به نخست‌وزیری برگزیده شد. او روز چهاردهم خرداد وزیران خود را معرفی کرد[۲۵۵] و در ۱۵ خرداد زمامداری او طی یک بخشنامه به سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های سیاسی مقیم تهران اعلام گردید.

گشایش مجلس و تحولات دیگر

در حالی که پس از کودتا آرامش در کشور بتدریج گسترده می‌شد، دورهٔ چهارم مجلس شورای ملی (پس از شش سال تعطیل) در روز اول تیر با سخنان احمد شاه افتتاح شد و چندی پس از تصویب اعتبارنامه‌ها و انتخاب هیئت رئیسه و آغاز کار مجلس، دولت قرارداد هشتم اسفند ۱۲۹۹ (۲۶ فوریهٔ ۱۹۲۱) را برای تصویب به مجلس داد و «روتشتاین» که با «قوام» مناسبات حسنه داشت تصویب هر چه سریعتر قرارداد را خواستار بود. به دنبال تحولات داخلی در جمهوری ارمنستان، «روتشتاین» در ۱۹ خرداد به وزارت امور خارجه نوشت:

«چون حکومت ارمنستان دیگر وجود ندارد، نمایندهٔ آن حکومت را به رسمیت نشناسید.[۲۵۶]»

۲۵۳. در بهمن ماه ۱۳۰۴ دولت ایران این تأسیسات را تحویل گرفت ولی کشتی شن‌کش آنجا را روسها به بادکوبه برده بودند و قریه فیروزه را هم به ایران مسترد نداشتند.

۲۵۴. تلگراف رمز ۱۰۳۳ (۲۰ خرداد ۱۳۰۰) «داود مفتاح» وزیر مختار ایران در لندن تصریح دارد که دولت شوروی و وزیر مختار آن دولت در تهران «سید ضیاء» را طرفدار انگلیس می‌دانستند و موجب برکناری او شدند. «سید ضیاء» بعدها دربارهٔ برکناری خود گفت: «وقتی شاه دستخط ریاست وزرایی را به من داد، از من قول گرفت پس از آنکه امنیت مستقر شد وسایل سفر او را به اروپا فراهم کنم. من قول دادم ولی نتوانستم و بین ما به‌هم خورد (صورت جلسهٔ مذاکرات ۱۵ اسفند ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی)

۲۵۵. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر و وزیر کشور، رضاخان (سردار سپه) وزیر جنگ، عمیدالسلطنه وزیر دادگستری، مشارالسلطنه وزیر فرهنگ، مصدق‌السلطنه (دکتر محمد مصدق) وزیر دارایی، محتشم‌السلطنه (حسن اسفندیاری) وزیر امور خارجه، مستشارالدوله (میرزا صادق خان صادق) وزیر مشاور.

۲۵۶. نامهٔ ۱۹ جوزا ۱۳۰۰ سفارت شوروی (پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۰ (۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه)

در پی این اخطار، در ۲۲ خرداد از سوی «بکزاریان» کمیسر امور خارجهٔ سابق ارمنستان به «پرنس ارغوتیان» نمایندهٔ سیاسی سابق ارمنستان تلگرافی دستور داده شد که سفارت را تحویل نمایندهٔ مختار جمهوری شوروی بدهد.[۲۵۷] همچنین «حسین اف» کمیسر خارجی حکومت آذربایجان به «عادل خان زیاداف» نمایندهٔ آن حکومت در تهران دستور داد امور سفارت را به نمایندهٔ مختار جمهوری شوروی تحویل دهد.[۲۵۸] «روتشتاین» با «قوام» و با وزیر امور خارجه دیدار کرد و به تقاضای او و دستور «قوام»، روز دوم تیرماه با حضور «ساعدالملک» رئیس تشریفات وزارت امور خارجه اسناد و آرشیو سفارت آذربایجان و روز بیست‌ودوم تیرماه اسناد و آرشیو سفارت ارمنستان به «نیکلاویچ» دبیر اول سفارت شوروی تحویل گردید. از این پس «قوام‌السلطنه» برای حل مسئلهٔ گیلان که دولت شوروی متعهد شده بود، با «روتشتاین» به گفتگو پرداخت. «روتشتاین» برای «میرزا کوچک خان» پیغام داد که در برابر دولت مرکزی تسلیم شود یا تأمین‌نامه بگیرد و هر کجا می‌خواهد برود.[۲۵۹]

چند بار نمایندگان «میرزا کوچک خان» به تهران به دیدار «روتشتاین» آمدند و نامه و پیغام او را رساندند. آنها خواستار عقب‌نشینی نیروی دولتی به قزوین و واگذاری امنیت گیلان به جمعیت جنگل شدند و خواستند انتصاب حکمران، رئیس دارایی، شهربانی و افسران ژاندارمری با نظر آنها باشد و خواهان‌نوعی‌خودمختاری برای گیلان بودند. «روتشتاین» با «قوام» نخست‌وزیر و «سردار سپه» وزیر جنگ گفتگو کرد و به «میرزا کوچک خان» پیغام داد؛ شما نیروی خود را به جنگل ببرید، حکومت گیلان با توافق بین دولت و من و شما تعیین شود و برای امنیت داخلی یک نیروی کوچک ژاندارم داشته باشد، و به شما هم از سوی دولت ماهیانه مبلغی داده شود که مخارج خود و افراد خود را تأمین کنید.[۲۶۰]

«میرزا کوچک خان» این پیشنهاد را نپذیرفت و برای بار سوم نمایندهٔ خود (سعداله درویش) را با پیشنهاد دیگر به تهران، برای دیدار «روتشتاین» گسیل داشت ولی «روتشتاین» از پذیرفتن او خودداری نمود و تمام گفت‌وشنودها را به اطلاع قوام‌السلطنه رسانید (۲۲ مرداد ۱۳۰۰). «قوام‌السلطنه» گزارش وزیر مختار شوروی را در

۲۵۷. نامهٔ ۱۹ خرداد ۱۳۰۰ سفارت شوروی (پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۰ (۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه)
۲۵۸. نامهٔ ۱۲ تیر ۱۳۰۰ سفارت شوروی (پوشهٔ ۲، جزوه‌دان ۱۰ (۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه)
۲۵۹. صفحهٔ ۳۷۴ نگاهی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگل
۲۶۰. صفحهٔ ۳۶۰ سردار جنگل، نوشتهٔ ابراهیم فخرائی

جلسه ۲۴ مرداد هیئت وزیران مطرح ساخت و گفت: «وزیر مختار شوروی پذیرفته است که نیروی دولت در ظرف دو هفته در گیلان پیش برود تا در نتیجهٔ اقداماتی که می‌شود نیروی جنگل از رشت و پیرامون آن خارج شود، آنگاه قزاقهای دولتی همه جا را تصرف کرده و فرماندار و رؤسای ادارات را تعیین کنند و قرار شد آقای وزیر جنگ هم با وزیر مختار در این خصوص دیدار کند.[۲۶۱]»

در همین حال که موجودیت نهضت جنگل و کمیتهٔ انقلاب سرخ در معرض خطر از هم‌پاشیدن بود، اختلاف میان سران نهضت هر روز آشکارتر و گسترده‌تر می‌شد، تا جایی که چند نفر از سران نهضت به نبرد با «کوچک خان» برخاسته بودند.[۲۶۲]

در آغاز مهر ماه نیروی دولتی به فرماندهی «سرتیپ محمد نخجوان» و سرهنگ حبیب‌الله شیبانی رهسپار گیلان شدند و به میرزا کوچک خان و سران نهضت جنگل پیشنهاد کردند تسلیم شوند؛ شماری از سران نهضت جنگل نه تنها تسلیم شدند، بلکه با «میرزا کوچک خان» نیز به نبرد برخاستند. روز ۱۲ مهرماه وزیر جنگ همراه سرتیپ محمودخان و سرهنگ صادق خان (کوپال) و «دبیر اعظم بهرامی» رئیس دبیرخانهٔ وزارت جنگ و «کلانتر اف» وابستهٔ نظامی سفارت شوروی وارد گیلان شد و با اعلان عفو عمومی و آتش‌بس، از نیروی جنگل و دیگر افراد مسلح خواست اسلحهٔ خود را تسلیم کنند. بسیاری این کار را کردند و بسیاری هم تسلیم را نپذیرفتند و در جنگلها عقب نشستند. نمایندگان میرزا کوچک خان هم به رشت آمده با وزیر جنگ دیدار کردند. قرار بود خود میرزا کوچک خان هم به دیدار وزیر جنگ برود ولی حملهٔ گروهی از افراد او به قزاقهای دولتی در نزدیکی ماسوله نقشهٔ آشتی را بر هم زد؛ نیروی دولتی به جنگل حمله برد و پس از نبردهای پراکنده، نیروی جنگل با تحمل تلفاتی متواری شد و خود «میرزا کوچک خان» هم به قصد رفتن خلخال راههای کوهستانی جنگل را در پیش گرفت و سرانجام در دهم آذر با دوست آلمانیش «گائوک» در گردنهٔ «گیلوان» بر اثر شدت سرما و برف‌وبوران از پای در آمد[۲۶۳] و «مشارالسلطنه» وزیر امور خارجهٔ ایران در این باره این تلگراف را به سفارت ایران در لندن مخابره نمود ــ ۱۶ قوس ۱۳۳۰ (آذر). مراتب ذیل را به سفارتخانه‌های ایران ابلاغ نمایید:

۲۶۱. صورت جلسهٔ ۲۴ مرداد ۱۳۰۰ هیئت وزیران (آرشیو نخست‌وزیری اسبق)

۲۶۲. صفحهٔ ۳۶۶ سردار جنگل

۲۶۳. برای آگاهی از تفصیل و چگونگی قیام جنگل و پایان کار رهبر آن به کتابهای مربوط به نهضت جنگل که در این کتاب هم به آنها اشاره شده است مراجعه شود.

«کوچک خان فوت و غائلهٔ گیلان ختم شد.[۲۶۴]»

اعتراض شوروی و تصویب قرارداد ۲۶ فوریهٔ ۱۹۲۱

قرارداد ۲۶ فوریه[۲۶۵] از سوی دولت در اول مرداد ماه تقدیم مجلس شده بود. «روتشتاین» با مساعدتی که دولت شوروی در تخلیهٔ گیلان از نیروی بلشویک و پایان دادن کار نهضت جنگل نموده و حتی وابستهٔ نظامی سفارت شوروی را در صف همراهان وزیر جنگ برای یکسره کردن نهضت به گیلان فرستاده بود، انتظار داشت «قوام‌السلطنه» کوشش کند تا قرارداد را هرچه زودتر در مجلس به تصویب برساند ولی قرارداد در کمیسیون خارجه با پرسشهایی روبه‌رو شد. در حالی که حساسترین نکته از نظر مغایرت با امنیت و استقلال کشور، مادهٔ ششم قرارداد بود که به دولت شوروی اجازه می‌داد در صورت احتمال خطر از جانب مرزهای ایران این کشور را اشغال نظامی نماید (همچنانکه در شهریور ۱۳۲۰)، ولی در مجلس به این نکتهٔ حساس توجه نشد، بلکه ایراد برای تغییر چند فراز در مادهٔ سوم و نیز ایراد بر مادهٔ پنجم و سیزدهم قرارداد بود؛ مثل اینکه کمیسیون خارجی مجلس می‌گفت در فصل سوم عهدنامه به جای جملهٔ «مطابق تعیین کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱» باید نوشته شود «مطابق قرارداد۱۸۸۱». ایراد مهم روی فصل سیزدهم قرارداد بود که تصریح شده بود دولت ایران حق ندارد امتیازات و املاکی را که از سوی دولت شوروی به ایران واگذار شده است در اختیار دولت دیگر یا اتباع دولت دیگر قرار دهد.

کمیسیون خارجی مجلس تغییر این فصل از قرارداد را می‌خواست و پیشنهاد می‌کرد بدین‌گونه اصلاح شود: دولت ایران می‌تواند امتیازات و مایملکی را که به موجب این عهدنامه به او واگذار شده به تصرف یا اختیار دولت غیر همجوار یا اتباع چنین دولتی بدهد.

این تغییر به «مشاورالممالک» در مسکو پیشنهاد شد ولی همچنان لاتکلیف مانده بود، در حالی که دولت اتحاد جماهیر شوروی نتیجهٔ تصویب قرارداد را از روتشتاین می‌خواست و از تأخیر تصویب آن ناخشنود بود. از این رو به «روتشتاین» دستور داد که تصویب هر چه زودتر قرارداد را بخواهد و در صورت تأخیر بیشتر، به استناد مادهٔ ۲۴

۲۶۴. جزوه‌دان ۶۳/۱ (سال ۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه
۲۶۵. ۸ اسفند ۱۲۹۹

قرارداد لغو آن را اعلام کند؛ لذا وزیرمختار شوروی در اول آذر ۱۳۰۰ این نامهٔ اعتراض‌آمیز را به وزیر امور خارجهٔ ایران نوشت:

غرّه، برج قوس ۱۳۰۰[۲۶۶]

آقای وزیر خارجه ــ برطبق مادهٔ ۲۴ قرارداد منعقده فیمابین روسیه و ایران پیش‌بینی شده است که قرارداد مزبور در مدت سه ماه از روز امضای آن باید به تصویب برسد، مدت مزبوره در ۲۶ ماه مه هذه‌السنه منقضی گردیده و از نقطه‌نظر حقوقی این قرارداد از اعتبار خود ساقط و بدین لحاظ عملیات دولت علیه در تصاحب مؤسسات متعلقه به دولت سابق روس و اتباع روسیه و نیز عدم پرداخت اقساط قروض که از دولت روس استقراض شده، بکلی برخلاف قانون می‌باشد، ولی دولت متبوعهٔ دوستدار معترف است که انعقاد قرارداد فیمابین دولتین فقط یک اقدام سادهٔ عدالت‌آمیز نسبت به ملت ایران که از حیث سرمایه و اخلاق از طرف رژیم «تساریزم» دچار خسارات فوق‌العاده گردیده است، بوده و همچنین ملت روس که با یک حرارتی از قید وراثت مفتضحانهٔ رژیم مزبور خود را مستخلص ساخته، تاکنون مایل نبوده که با یک نظریات رسمانه در این باب رفتار نماید و با رعایت قوانین مشروطیت ایران، عدم اجرای مادهٔ ۲۴ قرارداد را چندان محل اعتنا قرار نداده و با کمال صبر و تأمل منتظر اقدامات مجلس شورای ملی گردیده، ولی پنج ماه از انقضای مدت تصویب گذشته، نه از طرف مجلس و نه از طرف مقامات قانونی دولت علیهٔ ایران به هیچ‌وجه تاکنون اقدامی در تصویب قرارداد به عمل نیامده است. این نظر بی‌اعتنایی و بلکه توهین آمیز بـه قـرارداد مـنعقده در مـاه فـورال کـه مخصوصاً برای همین مقصود سفارت فوق العاده به مسکو اعزام شده، می‌توان علت عدم میل دولت علیه و مجلس نسبت به تصویب آن تفسیر نمود و بدین جهت برای دولت متبوعهٔ دوستدار راه دیگری نمانده است جز اینکه برای برداشتن این قید نامطلوب با دولت متبوعهٔ جناب مستطاب عالی کمک و این‌طور تحصیل نتیجه نموده، اظهار دارد که این قرارداد ملغی است. بنابر مراتب فوق‌الذکر احتراماً اظهار می‌دارد که تا روزی که قرارداد به تصویب نرسیده و تمام تعهداتی را که به موجب قرارداد دولت متبوعهٔ جناب مستطاب عالی به عهده گرفته به موقع اجرا نگذارد، دوستدار هر گونه اقدامی که از طرف دولت علیهٔ ایران فقط به استناد یک امضای قرارداد کرده و می‌نماید، تصدیق ندارد؛ و خود را مجاز می‌داند که به اطلاع خاطر محترم جناب مستطاب عالی برساند که هرگاه قرارداد

۲۶۶. اول آذر ۱۳۰۰

Р. С. Ф. С. Р.
ПОЛНОМОЧНОЕ
ПРЕДСТАВИТЕЛЬСТВО
В ПЕРСИИ

دولت جمهوری سوسیالیستی اشتراکی شوروی روس
نمایندگی مختار
در ایران
نمره [illegible]

Тегеран 2[illegible] июня 19

غره برج [illegible] ۱۳۰۰

Г-ну Министру Иностранных Дел.

Милостивый Государь,

Статья 21-я русско-персидского договора предусматривает ратификацию [illegible] срок со дня его по[illegible] Этот срок истек 26-го мая с.г., [illegible] договор[illegible] силу, и [illegible] [illegible] полного ряда предпр[illegible] [illegible] Государ[illegible] [illegible] Государственного [illegible]

[illegible] Правительство однако, [illegible] с Вашим [illegible]

آقای وزیر امور خارجه

برطبق ماده ۲۱ قرارداد منعقده فیمابین روسیه و ایران پیش بینی شده است
که قرارداد مزبور در مدت سه ماه از روز امضای آن باید تصویب رسد
مدت مزبور در ۲۶ ماه [illegible] منقضی گردید ولی از نقطه نظر حقوقی
این قرارداد از ابتدا [illegible] [illegible]
[illegible] دولت سابق روس و اتباع روسیه و نیز [illegible]
[illegible] دولت روس [illegible]
[illegible] است که انعقاد قرارداد فیمابین دو ملت
فقط یک اقدام ساده عدالت [illegible] ملت [illegible]
و چندی قبل [illegible] رژیم [illegible]
بوده و همچنین ملت روس [illegible]
رژیم مزبور [illegible]
[illegible] قوانین [illegible]
[illegible] قرارداد [illegible]
[illegible] مجلس شورای ملی [illegible]
[illegible] مجلس [illegible] -

برگ اول نامهٔ نمایندهٔ مختار شوروی

مقامات قانونی دولت علیه ایران بهیچوجه تا کنون اقداماتی
در تصویب قرارداد بعمل نیامده است. از نقطه نظر عملی
دیگر قرارداد مزبور [illegible] در ماه فوریه گذشته [illegible]
کابینه [illegible] بمقصد مسافرت فوق العاده به مسکو اعزام شد [illegible]
علت عدم میل دولت علیه و مجلس نسبت بتصویب آن تغییر نداد
و بهیچ جهت کابینه دولت متبوعه دوستدار راه دیگری را نخواهد داشت
جز اینکه [illegible] نتیجه این قضیه نامطلوب [illegible] دولت متبوعه
جناب مستطاب عالی [illegible] اطلاع میدارد
که این قرارداد ملغی است. بنابر مراتب فوق [illegible]
دوستدار اظهار میدارد که تا روزیکه قرارداد به تصویب نرسیده
و تمام تعهداتی را که بموجب قرارداد دولت متبوعه جناب
مستطاب عالی تعهد کرده به موقع اجرا نگذارد دوستدار هر گونه
اقداماتی که از طرف دولت علیه ایران شده باشد [illegible] مخالف
قرارداد [illegible] تصدیق ندارد و خود را
مجاز میداند [illegible] جناب مستطاب عالی
[illegible] که هرگاه قرارداد مزبور [illegible]
در وقت به تصویب نرسد دوستدار مجبور است
که به دولت متبوعه خود مراجعه نماید

[illegible] формальную [illegible] Однако, со времени [illegible] прошло пять [illegible] Перс[illegible] Государства не последовало ратифи[illegible] говора.

Такое [illegible] требует, чтобы [illegible] для этой цели командированной в Москву [illegible] Персидского Пра[illegible] и Меджлиса ратифицировать [illegible] таком случае моему Правительству не [illegible] иного другого как объявить Правительству [illegible] вывод [illegible] договор [illegible].

В виду вышеизложенного имею честь [illegible] что впредь до ратификации договора [illegible] исполнения Вашим Правительством обяз[illegible] ств, из него вытекающих, я буду счит[illegible] недействительными всякие действия, со[illegible] но и совершенные Вашим Правительс[illegible]

برگ دوم نامهٔ نمایندهٔ مختار شوروی

دستوری نسبت به تکمیل اجرای این قرارداد
بدهد. در این صورت اختیارات تامه را
تجدید میخواهم

نماینده مختار دولت جمهوری شوروی فدراتیو روسیه در ایران

на основании одного лишь подписа-
его, и буду свободить поставить Ва
известность, г. Министр, что если д
вор не будет ратифицирован в сам
кратчайший срок, я вынужден буду
титься к моему Правительству за
указаниями относительно дальнейше
его.

Примите, Господин Государь, у
ние в совершенном моем преданнос

Полномочный Представитель
Р.С.Ф.С.Р. в П е р с и и:

برگ سوم نامهٔ نمایندهٔ مختار شوروی

مزبور در نزدیکترین اوقات به تصویب نرسد، دوستدار مجبور است به دولت متبوعهٔ خود مراجعه نموده و دستوری نسبت به تکلیف آیندهٔ این قرارداد بخواهد. در این موقع احترامات فائقه را تجدید می‌نماید. نمایندهٔ مختار دولت جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی روس.[۲۶۷]

«قوام‌السلطنه» نخست‌وزیر، نامهٔ اعتراض‌آمیز نمایندهٔ مختار شوروی را که تهدید به لغو قرارداد کرده بود با خود به مجلس برد در جلسهٔ خصوصی با «مؤتمن‌الملک» (پیرنیا) رئیس مجلس و نمایندگان به گفتگو پرداخت و با ارائهٔ نامهٔ نمایندهٔ مختار شوروی، پیامدهای زیان‌خیز و خطرات سنگینی را که ممکن بود از لغو قرارداد متوجه ایران شود مطرح ساخت. نمایندگان نیز با توجه به پیامدهای مخاطره‌آمیز لغو قرارداد پذیرفتند که قرارداد را برای تصویب بزودی در جلسهٔ علنی مجلس مطرح نمایند.

قرارداد در جلسهٔ هفتم آذر در دستور کار مجلس قرار گرفت و از جلسهٔ هشتم آذر یکایک مواد قرارداد مورد بحث واقع شد. تیمورتاش روی فصل پنجم و فصل سیزدهم قرارداد اعتراض کرد و گفت: «فصل پنجم عهدنامه وقتی نوشته شده که دستجات مخالف در روسیه مشغول جنگ بودند و روسیه می‌خواست از طرف ما تأمیناتی حاصل کند.»

او و چند تن دیگر، از جمله «شیخ ابراهیم زنجانی» اصلاح این دو فصل را خواستند، چند نماینده هم تغییراتی در بعضی از عبارات چند مادهٔ عهدنامه را خواستار شدند ولی با توضیحات نصرت‌الدوله فیروز رئیس و مخبر کمیسیون خارجی مجلس، زنجانی و چند نفر دیگر اعتراض خود را پس گرفتند. ملک‌الشعراء و حائزی‌زاده پیشنهاد کردند هیئتی برای اصلاح مواد عهدنامه به مسکو برود، ولی این پیشنهاد رد شد.

برای تصویب قرارداد میان دولت و نمایندگان چنین توافق شد که نمایندهٔ مختار شوروی اصلاح فصل ۱۳ و چند مورد تغییرات لفظی در دیگر فصول قرارداد را تعهد کند.

«قوام‌السلطنه» این نکته را به «روتشتاین» نمایندهٔ مختار شوروی اطلاع داد، او نظریهٔ نمایندگان مجلس را پذیرفت و در بیستم آذر طی نامهٔ شمارهٔ ۱۶۰۰/ دربارهٔ قبول نظریات مجلس نامه‌ای به وزیر امور خارجهٔ ایران نوشت و متذکر شد که در اصلاح عبارتی فصل سوم و تغییر مواد ۱۳ و ۲۰ عهدنامه به میل دولت ایران و برطبق منافع

۲۶۷. پوشهٔ ۳۷، جزوه‌دان ۱ (سال ۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه

روسیه اقدامات لازم انجام خواهد شد. وزیر امور خارجه آن نامه را در اختیار رئیس مجلس گذاشت و سرانجام قرارداد در جلسهٔ علنی بیست‌وسوم آذرماه با حضور قوام‌السلطنه نخست‌وزیر مطرح گردید.

در آغاز، نامهٔ وزیر مختار شوروی قرائت شد. سلیمان میرزا نمایندهٔ تهران از قرارداد دفاع کرد و گفت: «این قرارداد به خیروصلاح ملت ایران است.» تیمورتاش نماینده قوچان و نایب رئیس مجلس اعتراض خود را پس گرفت و نیز از قرارداد دفاع و پیشنهاد کرد مجلس در مادهٔ واحده که قرارداد را تصویب می کند یادآور شود که به استناد نامهٔ بیستم آذر وزیرمختار روس این عهدنامه را تصویب کرده است؛ این پیشنهاد پذیرفته شد، قوام السلطنه نخست‌وزیر هم با این پیشنهاد موافقت کرد و پس از سخنان چند تن دیگر از نمایندگان قرارداد با استناد به نامهٔ ۲۰ آذر وزیرمختار شوروی با اکثریت ۵۹ رأی به تصویب رسید و چهار نماینده رأی مخالف دادند و چون رأی‌گیری با ورقه بود نام مخالفین شناخته نشد.[۲۶۸]

روز ۲۹ آذر رئیس مجلس تصویب مادهٔ واحده را طی یک نامهٔ رسمی به اطلاع نخست‌وزیر رسانید.

متن نامهٔ رئیس مجلس:

۲۹ (قوس) تخاقوی‌ئیل ۱۳۰۰، نمرهٔ ۳۳۶۱

ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکتهم. مجلس شورای ملی در جلسهٔ ۲۳ قوس سنهٔ ۱۳۰۰ مادهٔ واحده راجع به عهدنامهٔ منعقده بین دولت علیهٔ ایران و دولت جمهوری شوروی روسیه را به شرح ذیل رأی داد: مادهٔ واحده ــ مجلس شورای ملی با استناد مراسلهٔ نمرهٔ ۱۶۰۰ مورخ ۲۰ قوس ۱۳۰۰ شمسی که از طرف نمایندهٔ مختار دولت شوروی روسیه به وزیر امور خارجهٔ ایران نوشته شده است به دولت ایران اجازه می‌دهد که عهدنامهٔ دوستی منعقده بین نمایندگان دولت علیهٔ ایران و دولت جمهوری شوروی روسیه راکه شامل بر ۲۶ فصل و ضمیمه به این ماده می‌باشد، مبادله نماید ـ رئیس مجلس شورای ملی (مؤتمن الملک).

نخست‌وزیر (قوام‌السلطنه) نیز روز سوم دی‌ماه طی نامهٔ ۵۰۲۳ عین نامهٔ رئیس مجلس شورای ملی مبنی بر تصویب قرارداد را برای اقدامات بعدی به وزارت امور خارجه فرستاد[۲۶۹]، و به دستور نخست‌وزیر هیئت دولت برای اجرای قرارداد کمیسیونی مرکب از

۲۶۸. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی (۲۳ آذر ۱۳۰۰)

۲۶۹. پس از تصویب قرارداد در مجلس سفارت انگلیس و فرانسه و آمریکا رونوشت کامل قرارداد را از وزارت امور

←

نمایندگان وزارت امور خارجه ــ وزارت دارایی ــ وزارت کشور و وزارت فواید عامه در ادارهٔ دوم وزارت امور خارجه تشکیل گردید و از ۲۴ دی ماه کار خود را آغاز کرد.[۲۷۰] برای استقرار مناسبات بازرگانی و پستی و تلگرافی، دولت ایران پیشنهاد کرد مذاکرات در تهران آغاز گردد ولی دولت شوروی خواستار آن شد که این مذاکرات در مسکو شروع شود.

در این میان دولت «قوام‌السلطنه» روز سوم بهمن ۱۳۰۰ کنار رفت و مشیرالدوله (حسن پیرنیا) به نخست‌وزیری منصوب شد و پس از تأخیری که به مناسبت تغییر دولت در مبادلهٔ قرارداد پیش آمد، حکیم‌الملک (ابراهیم حکیمی) وزیر امور خارجه طی نامهٔ ۲۷ بهمن «روتشتاین» وزیرمختار شوروی را دعوت کرد که روز هفتم اسفند برای مبادلهٔ قرارداد در وزارت امور خارجه حضور یابد، و سرانجام روز هفتم اسفند ۱۳۰۰ این چهارمین و بلکه مهمترین قرارداد سرنوشت‌ساز دورهٔ اول مشروطه میان وزیر امور خارجهٔ ایران و وزیرمختار شوروی مبادله شد و پایهٔ مناسبات کشور بر آن استوار گردید[۲۷۱]؛ و برای ادامهٔ گفتگو دربارهٔ قراردادهای بازرگانی ــ تلگرافی ــ پستی ــ کنسولی، در اردیبهشت ۱۳۰۱ هیئتی مرکب از نمایندگان وزارت امور خارجه ــ ادارهٔ کل گمرک ــ وزارت پست و تلگراف ــ به ریاست «سید حسن تقی‌زاده» رهسپار مسکو شدند و بر پایهٔ قرارداد هشتم اسفند ۱۲۹۹ با رفت‌وآمد مأمورین ویژه و پیگیری گفتگوها، این قراردادها نیز میان دولت ایران و دولت شوروی به امضا رسید:

۱. قرارداد کنسولی

۲. قرارداد پستی — اردیبهشت ۱۳۰۲

۳. قرارداد تلگرافی — اردیبهشت ۱۳۰۲

۴. قرارداد تجدید تعرفهٔ گمرکی — تیرماه ۱۳۰۲

⟵

خارجه خواستند و برای آنها فرستاده شد و سفارت انگلیس خواست که هرگاه بعداً تغییرات و اصلاحاتی در قرارداد انجام پذیرد، رونوشت آن تغییرات هم برای سفارت انگلیس فرستاده شود (نامهٔ ۱۲ دی ۱۳۰۰/۳ژانویهٔ ۱۹۲۲ سفارت انگلیس)

۲۷۰. پوشهٔ ۴۸، جزوه‌دان ۱۵ (سال ۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه توضیح: اعضای کمیسیون اجرای قرارداد؛ معظم‌الملک رئیس دفتر ــ مهذب‌الدوله کاظمی رئیس کابینه ــ معاون‌الدوله رئیس تشریفات ــ میرزا اسحاق‌خان رهبر رئیس ادارهٔ دوم سیاسی وزارت امور خارجه ــ میرزا محمد خان فرزین رئیس محاسبات کل وزارت دارایی (نمایندهٔ وزارت دارایی) ــ سیف‌اله خان مدیر ادارهٔ شرق وزارت کشور (نمایندهٔ وزارت کشور) ــ محمد جعفر میرزا (نمایندهٔ وزارت فواید عامه) ــ میرزا رضاخان صفوی منشی کمیسیون.

۲۷۱. این قرارداد در اول مرداد ۱۳۰۱ (۲۳ ژوئیهٔ ۱۹۲۲) در دفتر مجمع ملل متحد نیز به ثبت رسید.

مورخه ۲۹ برج قوس [illegible] ئیل ۱۳۰۰
ضمیمه

مجلس شورای ملی

نمره [illegible]

ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکتهم

مجلس شورای ملی در جلسه ۲۴ قوس سنه ۱۳۰۰ ماده واحده را راجع بعهدنامه منعقده بین دولت علیه ایران و دولت جمهوری شوروی روسیه را بشرح ذیل رأی داد

ماده واحده - مجلس شورای ملی باستناد مراسله نمره ۱۴۰ مورخ ۲۰ [illegible] ۱۳۰۰ مشترکه از طرف نمایندگی دولت شوروی روسیه بوزارت امور خارجه ایران نوشته شده است عهدنامه [illegible] منعقده بین نمایندگان دولت علیه ایران و دولت جمهوری شوروی روسیه را که شامل (۲۶) فصل و ضمیمه این ماده میباشد تصویب مینماید

رئیس مجلس شورای ملی

وزارت ... ثبت ... نمره ...

نامهٔ رئیس مجلس حاوی مادهٔ واحده دربارهٔ تصویب قرارداد ایران و شوروی

Р. С. Ф. С. Р.
ПОЛНОМОЧНОЕ
ПРЕДСТАВИТЕЛЬСТВО
В ПЕРСИИ

دولت جمهوری سوسیالیستی اشتراکی شوروی روس
نمایندگی مختار
در ایران

№ 461

Тегеран 19 Февраля 1922 г.

۳۰ دلو ۱۳۰۰

В Министерство Иностранных Дел.

Полномочный Представитель РСФСР в Персии имеет честь уведомить Министерство Иностранных Дел, что, согласно ноты Господина Министра от 16 Февраля, он будет в Министерстве Иностранных Дел 20 Февраля в 10 час. утра для обмена ратификациями.

وزارت جلیله امور خارجه

نماینده مختار دولت جمهوری روسیه فدراتیو شوروی احتراماً

باطلاع وزارت جلیله میرساند که بموجب مراسله [illegible]

آقای وزیر امور خارجه مورخه ۲۷ دلو ۱۳۰۰ سنه

[illegible] قرار داده روز شنبه [illegible]

در ساعت ده [illegible] حضور [illegible] برسانند.

۲۰۰۲

۲ حوت ۱۳۰۰

[illegible]

[illegible] ۱۳۰۰

۹۰۸۱

نامهٔ نمایندهٔ مختار جمهوری شوروی مبنی بر مبادلهٔ قرارداد

۵. قرارداد بازرگانی تیرماه ۱۳۰۲
۶. قرارداد مربوط به رودخانه‌های مرزی دو کشور اسفند ۱۳۰۴[۲۷۲]

فهرستی از دیگر قراردادها و موافقتنامه‌های ایران با دیگر کشورها در دوران اول مشروطه

۱. قرارداد اقتصادی با بانک اعتبارات روسیه	۱۲۸۸ خورشیدی
۲. قرارداد تسهیلات مخابراتی با کشور فرانسه[۲۷۳]	خرداد ۱۲۸۹
۳. موافقتنامهٔ مرزی با کشور عثمانی (ترکیه)	آبان ۱۲۹۲
۴. پذیرش عهدنامهٔ حکمیت عمومی امریکا	بهمن ۱۲۹۲
۵. پیوستن به قرارداد ۲۸ ژوئن ۱۹۱۸ جامعهٔ ملل[۲۷۴]	آذر ۱۲۹۸
۶. قرارداد دوستی با چین کومین تانگ[۲۷۵]	خرداد ۱۲۹۹
۷. پذیرش مقررات بین‌المللی مربوط به امور کارگران[۲۷۶]	۱۳۰۰
۸. قرارداد دوستی و کنسولی با افغانستان	تیرماه ۱۳۰۰

۲۷۲. دربارهٔ رودخانه‌های مرزی دو کشور (رود تجن و آبهای مرزی ایران و ترکستان) قبلاً در دوم مهر ماه ۱۳۰۰ یک پروتکل در دو نسخهٔ فارسی و روسی میان «لادیکین» و «نازاریف» با نمایندگان ایران در «ارتک» (نزدیک عشق‌آباد) امضا شده و دوسوم آب تجن به ترکستان و یک‌سوم به ایران اختصاص داده شده بود و قرارداد اسفند ۱۳۰۴ بر پایهٔ آن پروتکل تنظیم گردید (پوشهٔ ۶۳، جزوه‌دان ۴۶ (سال ۱۳۰۰) اسناد وزارت امور خارجه)

و نیز قرارداد واگذاری شیلات کرانه‌های خزر متعلق به ایران از رود آستارا تا رود اترک برای صید ماهی حلال و حرام برای مدت بیست سال (از ۲۴ خرداد ۱۲۹۸ تا ۲۴ خرداد ۱۳۱۸)میان ناظم‌العلوم نمایندهٔ وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه با «گریگوریتروویچ وانتیسف» در ۱۶ ماده به امضا رسید، با شرط اینکه هر سال پنجاه درصد منافع خود را به ایران بدهد و حداقل منافع سالیانهٔ ایران در سال یکم یکصد هزار تومان ــ در سال دوم یکصدوپنجاه هزار تومان ــ در سال سوم دویست هزار تومان ــ در سال چهارم دویست‌وپنجاه هزار تومان و در سال پنجم سیصد هزار تومان و برای سالهای بعد هر سال پانصد هزار تومان تعیین شد (نامهٔ ۶۲۶، ۲۷ سرطان «تیرماه» ۱۲۹۸ وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه). پس از انقلاب روسیه قرارداد «وانتیسف» بی‌اعتبار شد و در ۱۳۰۶ قرارداد جدید برای کار شیلات میان ایران و شوروی به مدت بیست‌وپنج سال به امضا رسید که مدت آن قرارداد در بهمن ۱۳۳۱ به پایان رسید.

۲۷۳. در همان سال نیز انجمن اتحاد فرهنگی ایران و فرانسه به ریاست «مسیو دیو لافوا» عضو آکادمی فرانسه و «مسیو پول بوایه» رئیس دانشکدهٔ زبانهای شرقی با حضور «صمدخان ممتازالسلطنه» وزیر مختار ایران در پاریس نیز تشکیل شد (۲ اوت ۱۰/۱۹۰۱ مرداد ۱۲۸۸)

۲۷۴. این الحاق در ۹دی ماه ۱۳۰۰ به تصویب مجلس رسید.

۲۷۵. این قرارداد در ۱۶ آبان ۱۳۰۰ به تصویب مجلس رسید.

۲۷۶. برای همکاری با ادارهٔ بین‌المللی جامعهٔ ملل در وزارت امور خارجه دفتری با همکاری وزارت فواید عامه تشکیل گردید و ایران متعهد شد که در ظرف ده‌سال وضعیت کارگران ایرانی را با مقررات بین‌المللی هماهنگ سازد.

۹. قرارداد دوستی با ژاپن[۲۷۷]	مهرماه ۱۳۰۰
۱۰. پیوستن به قرارداد منع بردگی و خرید و فروش زنان و کودکان	مهرماه ۱۳۰۰
۱۱. پیوستن به قرار بین‌المللی بهداشت ۱۷ ژانویهٔ ۱۹۱۲	مهرماه ۱۳۰۰
۱۲. قرارداد مبادلهٔ مقصرین با کشور عراق	مهرماه ۱۳۰۰
۱۳. قرارداد نفت شمال[۲۷۸]	اول آذر ۱۳۰۰
۱۴. شرکت در دهمین کنگرهٔ بین‌المللی صلیب احمر[۲۷۹]	دی ۱۳۰۰
۱۵. تنظیم قرارداد دوستی و بازرگانی با جمهوری‌های آذربایجان ــ گرجستان ــ ارمنستان	اردیبهشت ۱۳۰۱
۱۶. پیوستن به کنفرانس بین‌المللی بروکسل	اول مرداد ۱۳۰۱
۱۷. تصویب قانون استخدام دکتر میلسپو امریکایی، با اختیارات اقتصادی به‌عنوان رئیس کل دارایی ایران	۲۳ آذر ۱۳۰۱

۲۷۷. قرارداد دوستی با ژاپن به مناسبت اختلاف نظر در مقررات کاپیتولاسیون به امضا و مبادله نرسید.

۲۷۸. قرارداد امتیاز نفت شمال (آذربایجان ــ خراسان ــ استرآباد ــ مازندران ــ گیلان) را با کمپانی «استاندارد اویل» امریکا مجلس شورای ملی در اول آذر ۱۳۰۰ تصویب کرد، مدت امتیاز پنجاه سال بود. این امتیاز شامل مناطقی نیز می‌شد که ناصرالدین شاه در ۱۲۷۴ ش. امتیاز آن را به سپهدار خلعتبری داده (استرآباد ــ مازندران ــ گیلان) و سپهدار در سالهای بعد آن امتیاز را به «خوشتاریا» بازرگان روسی فروخته بود و شرکت نفت ایران و انگلیس مدعی بود که امتیاز را از «خوشتاریا» خریداری کرده است، از این رو قرارداد عملی نشد. برای بار دوم در خرداد ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی قانون واگذاری امتیاز نفت شمال را بر پایهٔ پیشنهاد کمپانی «سینکلر» تصویب کرد. زمینهٔ تنظیم این قرارداد را «علاء» وزیرمختار ایران و «شوستر» مشاور سفارت ایران در واشنگتن در گفتگو با روسای کمپانی سینکلر ترتیب داده بودند و کمپانی سینکلر پذیرفته بود ده‌میلیون دلار به ایران وام بدهد، اما این قرارداد علاوه بر مخالفت انگلیس و شوروی، با رویداد معجزهٔ «سقاخانهٔ شیخ هادی» و قتل «ماژرایمبری» نایب کنسول امریکا در ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۳ موقوف ماند.

۲۷۹. در دهمین کنگرهٔ بین‌المللی صلیب سرخ محمد ابراهیم خان غفاری (ذکاءالدوله) وزیرمختار ایران در «برن» به نمایندگی ایران شرکت جست و کنگرهٔ بین‌المللی صلیب سرخ برپایی چنین سازمانی را به ایران نیز پیشنهاد کرد. در خرداد ۱۳۰۱ به دعوت وزارت جنگ نمایندگان وزارت کشور ــ وزارت امور خارجه ــ و ادارهٔ کل بهداری (حفظ‌الصحه) در جلسه‌ای که در وزارت جنگ برپا شد شرکت کردند. دکتر امیر اعلم نمایندهٔ ادارهٔ حفظ‌الصحه دربارهٔ تاریخچهٔ صلیب سرخ سخنرانی کرد و دربارهٔ لزوم تأسیس شیروخورشید سرخ چند مقاله در روزنامهٔ ایران نوشت و سرانجام «کمیتهٔ شیروخورشید سرخ» در دی ماه ۱۳۰۲ برپا شد؛ نخستین رئیس افتخاری آن «محمد حسن میرزا» ولیعهد بود. پس از انقلاب نام سازمان «شیروخورشید سرخ» به «هلال احمر» تبدیل شد.

فهرست اعلام

الف

ز

ژ

س

ی

کتب دیگر مؤلف در همین زمینه:

تاریخ روابط خارجی ایران در دوران شاه عباس اول صفوی

تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه

بزودی منتشر خواهد شد:

تاریخ روابط خارجی ایران در دوران شاه اسماعیل





مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

کتابهای منتشر شده در زمینه اسناد:

راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبهٔ ایران با سایر دول

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۶۷/ چاپ دوم: ۱۳۷۰/ ۸۸۰ صفحه/ بها: ۴۰۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد مرزی ایران و عراق

واحد نشر اسناد/ چاپ‌اول:۱۳۶۸/دوم:۱۳۷۰/سوم:۱۳۷۱

۲۵۴ صفحه/بها:۱۳۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد خلیج فارس (جلد اول)

واحد نشر اسناد

چاپ‌اول: ۱۳۶۸/ چاپ‌دوم: ۱۳۷۰/ ۵۹۹ صفحه/ بها: ۳۲۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد خلیج فارس (جلد دوم)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۶۹/ چاپ دوم: ۱۳۷۰/ ۸۹۶ صفحه/ بها: ۴۵۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (جلد اول)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۶۹/ ۹۰۶ صفحه/ بها: ۴۵۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (جلد دوم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۶۹/ ۸۷۴ صفحه/ بها: ۴۰۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (جلد سوم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۰/ ۸۱۹ صفحه/ بها: ۴۵۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (جلد چهارم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۰/ ۶۱۸ صفحه/ بها: ۳۵۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (جلد پنجم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۰/ ۶۱۰ صفحه/ بها: ۳۸۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (جلد ششم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۲/ ۷۲۰ صفحه/ بها: ۵۵۰۰ ریال

اسناد معاهدات دوجانبهٔ ایران با سایر دول (جلد اول)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۶۹/ ۶۶۸ صفحه/ بها: ۴۰۰۰ ریال

اسناد معاهدات دوجانبهٔ ایران با سایر دول (جلد دوم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۶۹/ ۷۵۶ صفحه/ بها: ۴۵۰۰ ریال

اسناد معاهدات دوجانبهٔ ایران با سایر دول (جلد سوم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۰/ ۷۵۰ صفحه/ بها: ۴۵۰۰ ریال

اسنادمعاهدات دوجانبهٔ ایران باسایردول (جلد چهارم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۰/ ۶۴۸ صفحه/ بها: ۴۵۰۰ ریال

اسنادمعاهدات دو جانبهٔ ایران با سایر دول (جلد پنجم)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۷۱/ بیست‌وچهار+۷۶۰ صفحه/ بها: ۶۰۰۰ ریال

اسنادمعاهدات دوجانبهٔ ایران با سایر دول (جلد ششم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۲/ ۹۴۴ صفحه/ بها: ۶۰۰۰ ریال

نهضت مشروطهٔ ایران

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۰/ ۱۹۹ صفحه/ بها: ۹۵۰ ریال

لودکرزن در خلیج فارس

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۰/ ۱۱۱ صفحه/ بها: ۵۸۰ ریال

اسنادی از هجوم انگلیس و روس به ایران

(از ۱۲۸۷ تا ۱۲۹۱ ه‍.ش)

تألیف محمد ترکمان

چاپ اول: ۱۳۷۰/ هفتادوهشت+۵۷۰ صفحه/ بها: ۳۸۰۰ ریال

مخاطبین دروصیتنامه سیاسی‌ـالهی‌حضرت‌امام خمینی(ره)

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

چاپ اول: ۱۳۷۱/ ۱۵۶ صفحه/ بها: ۹۸۰ ریال

فهرست اسناد قدیمی وزارت امورخارجه دوران

قاجاریه (۱۳۱۶-۱۱۲۴ ه‍.ق) *

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۷۱/ چهارده + ۵۹۸ صفحه/ بها: ۴۸۰۰ ریال

دیدگاههای جهانی جمهوری اسلامی ایران

مجموعه سخنرانیهای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

چاپ اول: ۱۳۷۳/ ۵۲۳ صفحه/ بها: ۷۲۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و افغانستان

(جلد اول) مسئله هرات در عهد محمدشاه قاجار

به کوشش محمدنادر نصیری‌مقدم

چاپ اول: ۱۳۷۴/ ۳۵۳ صفحه/ بها: ۵۸۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد خلیج فارس (جلد سوم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۴/ ۷۳۴ صفحه/ بها: ۱۲۵۰۰ ریال

گزیدهٔ اسناد خلیج فارس (جلد چهارم)

واحد نشر اسناد/ چاپ اول: ۱۳۷۴/ ۶۸۰ صفحه/ بها: ۱۳۵۰۰ ریال

The History of Foreign Relations of Iran In First Constitutional Period

Ali-Akbar Velayati

Tehran-1996

مباحث تاریخی / ۱

تاکنون منتشر شده است:

تاریخ روابط خارجیِ ایران در دورهٔ اول مشروطه - علی‌اکبر ولایتی

صدراعظمهای سلسله قاجاریه - پرویز افشاری

تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین شاه - علی‌اکبر ولایتی

تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عبّاس اوّل صفوی - علی اکبر ولایتی

مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

نمایشگاه و فروشگاه مرکزی: صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۳۵۳

بها: ۳۸۰۰ریال